

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: عباسعلی بهاری

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب احمدی
۳. دکتر بی بی اقدس اصغری
۴. دکتر محمدعلی بیدختی
۵. دکتر هادی پورشافعی
۶. دکتر محمدتقی راشد محصل
۷. دکتر مفید شاطری
۸. دکتر حبیب اله عباسی
۹. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۱. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۲. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

مترجم و ویراستار انگلیسی: حمیده محمدی

ویراستار ادبی: سید نورالله نصراللهی

امور فنی و چاپ: انتشارات فکربر

صفحه آرا: فائزه دستگردی

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

آدرس: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست. نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند. نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند. فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر بی بی اقدس اصغری استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۲. دکتر مریم اسکافی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
۳. دکتر مرتضی اسماعیل نژاد استادیار دانشگاه بیرجند
۴. دکتر محمدعلی بیدختی استادیار دانشگاه بیرجند
۵. دکتر حسین شکوهی فرد استادیار دانشگاه بیرجند
۶. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی دانشیار دانشگاه بیرجند
۷. دکتر محمود فال سلیمان استادیار دانشگاه بیرجند
۸. دکتر جواد میکائیکی دانشیار دانشگاه بیرجند
۹. دکتر سید شمس الدین نجمی دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
۱۰. دکتر حسن هاشمی زرج آباد استادیار دانشگاه بیرجند



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی Daftarehnashriyeh@yahoo.com ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

- سنجش سرمایه اجتماعی در محلات شهر مشهد (مطالعه موردی محلات منطقه ۳)
محسن انصاری ارجمند، سید مصطفی حسینی، گلشن کاویان پور ۷
- مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی
نادر صنعتی شرقی، ملیحه رستمزاده ۳۱
- بررسی تطبیقی نگاره بزکوهی در سنگ نگاره های شرق و غرب ایران (مطالعه ی موردی:
سربیشه و اورامان)
حمیدرضا قربانی، سارا صادقی ۵۵
- هنر خراسان در دوره سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ق.) (با تکیه بر موسیقی و
نگارگری)
مصطفی لعل شاطری ۹۱
- رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده
از روش تحلیل عاملی
ابوالفضل مشکینی، محدثه معززبرآبادی ۱۲۱
- تحلیل کیفی مشارکت به روش مثلث سازی (مطالعه موردی: مشارکت شهرداری مشهد با
سازمان های مردم- نهاد)
مجتبی ملایی، مریم اسکافی ۱۴۵

سنجش سرمایه اجتماعی در محلات شهر مشهد

مطالعه موردی: محلات منطقه ۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۴

محسن انصاری ارجمند^۱

سید مصطفی حسینی^۲

گلشن کاویان پور^۳

چکیده

یکی از مفاهیم مطرح در حوزه مطالعات اجتماعی و شهری، موضوع سرمایه اجتماعی است که در دهه های اخیر به عنوان یکی از مهم ترین شاخصه های رشد و توسعه اجتماعی مطرح است به طوری که امروزه، مؤلفه های سرمایه اجتماعی از قبیل مشارکت، آگاهی، انسجام، اعتماد و شبکه اجتماعی نه تنها در یک جامعه توسعه را به دنبال خواهد داشت؛ بلکه وجود این مؤلفه ها خود عین توسعه است. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی- تحلیلی می باشد. داده های مورد نیاز از طریق پرسش نامه و جامعه آماری، ساکنان محلات منطقه ۳ شهر مشهد می باشد که برای بررسی سرمایه اجتماعی در محلات مورد نظر، ۱۶ شاخص مورد بررسی از طریق مدل آنتروپی شانون وزن دهی شده و سپس از روش تاپسیس برای اولویت بندی محلات استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در میان محلات مورد مطالعه، به ترتیب چهار محله (۱، ۹، ۸ و ۴) با ضریب اولویت ۶۱/۰ در بالاترین سطح برخورداری و بهترین وضعیت را در بین محلات دیگر دارند، سپس شش محله (۲، ۵، ۱۳، ۳، ۷ و ۱۰) با ضریب اولویت ۴۳/۰ سطح نیمه برخورداری و پنج محله (۶، ۱۲، ۱۱، ۱۵ و ۱۴) با ضریب اولویت ۲۴/۰، پایین ترین سطح برخورداری از لحاظ شاخص های مورد بررسی را به خود اختصاص دادند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه شهری، محلات شهری، مشهد

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، نویسنده مسؤول

mohsen-tandise@ymail.com

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

s.mhosseini65@yahoo.com

kaviyan1370@gmail.com

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد

مقدمه

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از پیش شرط های لازم برای توسعه شهری، دارای عناصری چون اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی اجتماعی و درجه دین داری است که میزان هر یک از این مؤلفه ها در جوامع مختلف، متفاوت است. امروزه در کنار سرمایه های انسانی، مالی و اقتصادی از نوع دیگری از سرمایه به نام "سرمایه اجتماعی" نام برده می شود. بر اساس نظر بسیاری از اندیشمندان این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزشی اشاره دارد که از طریق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف افراد و اعضا جامعه می گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی که افراد گروه ها و جوامع برای نیل به نتایج مطلوب به کار می گیرند، مفهومی است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی و نیز برای پاسخ به پرسش هایی در جهت تحقق توسعه استفاده می کنند.

پایداری از مسائلی است که در طول سالیان اخیر در جوامع مختلف به خصوص در جوامع شهری، بسیار بر آن تأکید شده است، در مسیر پایداری، سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا می کند، به گونه ای که توسعه پایدار با در نظر گرفتن مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، توسعه همه جانبه و رفاه اجتماعی نقش خود را در محیط اجتماعی و از جمله سرمایه اجتماعی مشخص کرده است. مطالعات بسیاری پیامدهای ناپایدارساز در روند کنونی توسعه جهانی را نشان داده اند و در این بین، شهرنشینان سهم تعیین کننده ای در ایجاد این پیامدها دارا می باشند. جامعه امروزی ما جامعه ای در حال توسعه است که متحمل بحران ها و بی نظمی های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می باشد. بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در میان مردم، نهادها، نقش ها و پایگاه که عناصر اصلی اجتماع را تشکیل می دهد، وضعیت اجتماعی موجود را برای سیاست مداران در برنامه ریزی کشور در تمام سطوح و نهادها روشن نموده، تا بتوانند در جهتی برنامه ریزی کنند که موجب افزایش و بالا بردن سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از موضوعات مهم در شهرهای امروزی شوند.

بنابراین در جامعه امروزی بدون سرمایه اجتماعی دستیابی به توسعه امکان پذیر

نخواهد بود؛ زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد (فیلد، ۱۳۸۶: ۸۰). به موازات گسترش شهرها و تحولات عظیمی که در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد، ضرورت مشارکت گسترده و حضور چشمگیر شهروندان بیش از پیش احساس می‌شود و فراهم کردن بسترهای مناسبی برای محقق ساختن نهادهای مدنی شهری، می‌تواند ساز و کار مؤثری در افزایش میزان حضور شهروندان باشد.

طرح مسأله

محلّه، جمعی از کنشگران است که در حوزه مکانی محدود با یکدیگر زندگی می‌کنند و بخش زیادی از اوقات زندگی خود را در آن سپری کرده و نسبت به آن احساس تعلق دارند. اتکای اجتماعی محلّه به خود، برای ارتقاء کیفیت زندگی و رفع مشکلات جمعی، ایده محوری در اندیشه‌های جدید توسعه محلّه‌ای است که مورد اقبال سنت‌های فکری مختلف قرار گرفته است. لذا سرمایه اجتماعی در مقیاس محلّه، بر بافت اجتماعی محلّه تأثیرگذار است و تسهیل‌کننده کنش‌های جمعی، همکاری و تعاون اجتماعی است که موجب وفاق و انسجام اجتماعی، نشاط و بردباری اجتماعی، کنترل و نظم‌بخشی اجتماعی و در نهایت، ایمن‌سازی محلّه می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹۷). برنامه‌ریزی در مقیاس کوچک شهر (محلّه) همراه با استفاده از نیروها و پتانسیل محلی و مشارکت و شریک قرار دادن مردم در روند تهیه و اجرای طرح‌ها، می‌تواند گامی مؤثر در افزایش پایداری شهر و حذف چهره نامطلوب زندگی از محلات شهر، باشد، چرا که مصرف‌کنندگان نهایی طرح‌ها مردم هستند و به همین جهت، شریک کردن آنان در فرایند برنامه‌ریزی، موجبات کارایی بیشتر طرح‌ها را فراهم آورده، در نتیجه نوید محلّه خوب، شهر خوب، کشور خوب را خواهد داد (فنی و ویران، ۱۳۸۹: ۷۹).

شهر مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر کشور به دلیل ویژگی‌های خاص گردشگری و زیارتی از مسائل و معضلات کلان‌شهری مستثنی نیست. وجود خرده‌فرهنگ‌ها و سنخ‌های فرهنگی متنوع به دلیل مهاجرت به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری،

نظارت از بالا و مشارکت در پایین (مشارکت مردم محور) را می طلبد. مشارکت اعضای یک محله می تواند باعث کاهش مشکلات و مسائل محل زندگی شان شود که می بایست با توجه به منابع و ظرفیت های اجتماعی در قالب سرمایه های اجتماعی انجام پذیرد. استفاده از سرمایه اجتماعی افراد می تواند راه حل مناسب و مؤثری جهت حل مسائل از جمله کاهش جرم و افزایش غیررسمی کنترل اجتماعی و نیز در بهتر اجتماعی شدن ساکنان محله گردد (ربانی خوراسگانی، صدیق اورعی و خنده رو، ۱۳۸۸: ۱۲۲). از این رو، این پژوهش به دنبال شناسایی شاخص های سرمایه اجتماعی و در نهایت سنجش سرمایه اجتماعی در محلات منطقه ۳ شهر مشهد است. به عبارتی دیگر، سؤال اصلی تحقیق این است که آیا بین محلات شهری و سرمایه اجتماعی در شهر مشهد رابطه وجود دارد یا خیر؟

پیشینه تحقیق

سرمایه اجتماعی ابتدا در سال ۱۹۱۶ در مقاله ای توسط لیدا جی هانیفن^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد (صادقی شاهدانی و مقصودی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). بعد از وی در دهه ۱۹۵۰ جان سلی^۲، جامعه شناس شهری کانادایی و در دهه ۱۹۶۰، نظریه پرداز مبادله (هومنز^۳) و استاد مسائل شهری به نام جین جاکوب^۴ این فکر را گسترش دادند. جین جاکوب این واژه را برای تأکید بر ارزش های جمعی همبستگی های غیررسمی همسایگی در مادر شهرهای جدید به کار برد (زند رضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸: ۸۲). این مفهوم در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه محافل دانشگاهی قرار گرفت و به نحو چشم گیری با اقبال عمومی روبرو شد، به طوری که امروزه در سطوح مختلف سیاست گذاری از محلی گرفته تا ملی، حتی در برخی از سازمان های بین المللی نظیر بانک جهانی از آن بهره گیری زیادی می شود (ابراهیم زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸). بولن^۵ در سال ۱۹۹۹،

1. Lyda.jy. Hanyfan

2. John Sally

3. Hvmnz

4. Jane Jacob

5. Bulletin

در ولز جنوبی تحقیقی انجام داده است و طی آن سرمایه اجتماعی را خمیرمایه‌ی اصلی توسعه محله‌ای عنوان کرده است (خمر، اسماعیل زاده کواکی و براتیپور، ۱۳۹۰: ۹۷). در ایران نیز تحقیقاتی در رابطه‌ی سرمایه اجتماعی در محلات صورت گرفته است، از جمله این پژوهش‌ها، ربانی خوراسگانی، صدیق اورعی و خنده‌رو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش میزان سرمایه اجتماعی در سطح محله» به بررسی شناخت ابعاد و سرمایه اجتماعی در سطح محلات منطقه ۹ مشهد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین سرمایه اجتماعی افراد در سطح محله، کمی از حد متوسط پایین‌تر بوده است. زند رضوی، ضیائی و رحمانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای «ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر دوستدار کودک در بم» به شناخت و سنجش ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی به عنوان پایه مشارکت شهروندان پرداخته است و به این نتیجه رسیده‌اند که ظرفیت‌های لازم برای ایجاد اجتماع محله‌ای وجود دارد، اما ضعف‌هایی در گرایش افراد به نهادهای مدنی، جدید و سازمان یافته وجود ندارد.

مبانی نظری

تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از نظر بانک جهانی: قواعد، هنجارها، تعهدات، بده‌بستان و اعتماد مستقر در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و ترتیبات نهادی جامعه که اعضا را به دستیابی به اهداف فردی و اجتماعی قادر می‌سازند (Je de Silva & et al., 2005: 20). تعریف سرمایه اجتماعی از نظر گرین^۱ طیف کاملی از نهادها، اعمال، ابزارها و رفتارهای یاد گرفته شده است که گروه‌ها و افراد را قادر می‌سازد تا فضاهای فیزیکی را بهره‌ور و فضاهای فرهنگی و اجتماعی را مساعد نمایند (امیرخانی و اصغرپور، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۱). فوکویاما^۲ پس از ریشه‌یابی مفهوم سرمایه اجتماعی در آثار جین جیکوبس^۳، گلن لوری^۴،

-
1. Green
 2. Fukuyam
 3. Jane Jacob
 4. Glennloury

جیمز کلمن^۱ و رابرت پوتنام^۲، در تعریف سرمایه اجتماعی می نویسند: سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان شان مجاز است، در آن سهیم هستند (شارع پور، ۱۳۸۵: ۳۸). پوتنام سرمایه ی اجتماعی را مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و اعتماد می داند که موجب ایجاد همکاری و مشارکت مطلوب اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آن ها را تأمین خواهد کرد (Bertotti & et al., 2011: 3). مطالعه او درباره دموکراسی، سرمایه اجتماعی و توسعه ی اقتصادی در ایتالیا، تمایل عمومی شدیدی نسبت به قابلیت های سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی و تسهیل التزام مدنی به وجود آورد (Bsser, 2009: 185). اکثر این تعاریف بیان کننده این هستند که سرمایه اجتماعی چیست و چه کاری انجام می دهد. در حقیقت به نظر می رسد که در ادبیات سرمایه اجتماعی، درباره این که «سرمایه اجتماعی چه کار می کند» توافق گسترده ای وجود دارد تا درباره این که «سرمایه اجتماعی چیست»! و به طور مشخص، درباره این که «سرمایه اجتماعی، کنش جمعی با منفعت متقابل را تسهیل می کند»، توافق گسترده ای وجود دارد (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۲۰).

مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفاهیمی است که تعاریف گوناگونی در مورد آن ارائه شده است. به منظور تبیین فضای مفهومی این اصطلاح از واژگان و تعبیر گوناگونی چون انرژی اجتماعی (Social energy)، روح اجتماعی (Community spirit)، زندگی محلی (Community life)، چسب اجتماعی (glue Social) و ... استفاده شده است (براتی و یزدان پناه شاه آبادی، ۱۳۹۰: ۴).

سرمایه اجتماعی یکی از جدیدترین مفهوم پردازی های علوم اجتماعی به عنوان پلی میان جامعه شناسی، اقتصاد، برنامه ریزی و سیاست زمینه ساز مطالعات بین رشته ای متعددی شده است و مضمون مرکزی آن اهمیت تعاملات انسانی و ارتباطات اجتماعی

1. Jameskelman
2. Robert Putnam

ساکنین است (عینالی و رومیانی، ۱۳۹۳: ۶).

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، از سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است. سرمایه اجتماعی هم چون مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهند)، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی، مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند (Khanh, 2011: 35). لذا سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد و همواره در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی چشمگیر برخوردار است، همکاری آسان‌تر است. امروزه مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان‌شمول و بستری مناسب برای زیست اجتماعی، بدون وجود سرمایه اجتماعی ممکن نیست (شارع‌پور و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۱۳۲). هم‌چنین سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه منابعی است هم چون اطلاعات، کمک مالی و حمایت اجتماعی که از طریق ایجاد ارتباط و پیوند اعضای جامعه با خویشان، اجتماع یا نهادها حاصل می‌شود (Brown & Frank, 2005: 358). سرمایه اجتماعی از یک طرف می‌تواند به طور بالقوه به اصلاح نهادها اقدام کند، زیرا پشتیبان هنجاری و ارزشی دارد. از سوی دیگر، می‌تواند زمینه همکاری بین کارگزاران را فراهم کند و در مرحله سوم می‌تواند از راه انتقال اطلاعات، زمینه رشد و بهره‌وری را تقویت کند (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۲۰). هم‌چنین سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است، یعنی تحقق اهداف معینی را که در نبودش محقق نمی‌شوند امکان‌پذیر می‌گرداند. لذا سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی کاملاً قابل معاوضه یا جانشینی نیست، بلکه ممکن است مختص فعالیت‌های معینی باشد. نوع معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی سودمند است، شاید برای کنش‌های دیگر بی‌فایده و حتی زیان‌بخش باشد (Coleman, 2002: 11).

شبکه محله ای

شبکه ها به مثابه قالب هایی هستند که کنش جمعی در آن ها تبلور می یابد و همان طور که کلمن، لوری (پورتس، ۱۳۸۴: ۳۱۲) و پوتنام تأکید کرده اند، شبکه های فشرده، شرط لازم برای تشکیل سرمایه اجتماعی هستند (زند رضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸: ۸۵). برخی شبکه های اجتماعی را معادل سرمایه اجتماعی دانسته و آن را به شبکه های رسمی و غیررسمی تقسیم کرده اند. در این رویکرد، اعضای شبکه ها می توانند کالاها و خدماتی را از شبکه دریافت کنند. ویژگی شبکه های غیررسمی وجود روابط رودررو بین تعداد محدودی از افرادی است که همدیگر را می شناسند و به واسطه ی خویشاوندی و دوستی به هم مرتبط هستند و فاقد قواعد مكتوب اند. اما شبکه های رسمی واجد قواعد و ویژگی قانونی و بوروکراتیک^۱ هستند (قدرتی و دیگران: ۸۳).

اعتماد محله ای

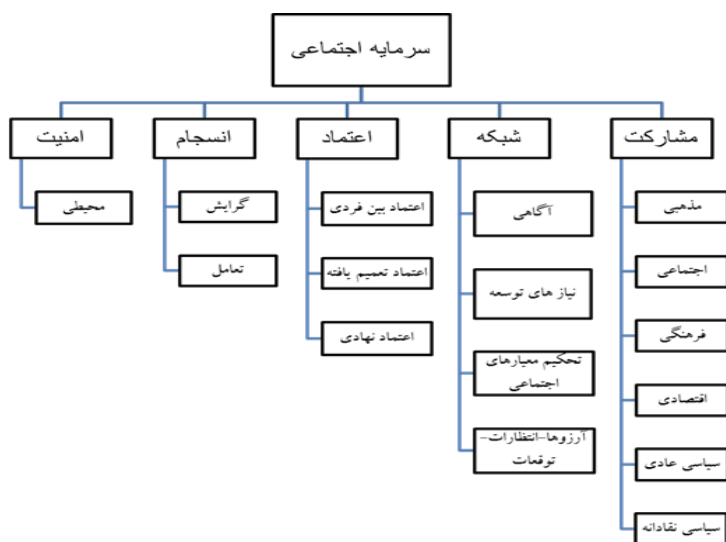
اعتماد به عنوان مهم ترین شاخص سرمایه اجتماعی، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام های اجتماعی و تسهیل گر مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش های مردم سالارانه است. اعتماد یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است که زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد. هم چنین اعتماد، انتظاری است که نظم اجتماعی و رفتار تعاونی و شرافتمندانه مبتنی بر هنجارهای مشترک عمومی را ارتقاء می دهد و اعضای اجتماع را به یکدیگر پیوند می دهد (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۴). آنتی گیدنز^۲ در تفسیری که از دنیای جدید دارد جایگاه خاصی را برای اعتماد قائل است. شاید بتوان گفت او در بین اندیشمندان اجتماعی سیاسی مشخص ترین فردی است که با صراحت حرکت به سوی توسعه را از منظر اعتماد می نگرد (اختر محقق، ۱۳۸۵: ۲۸). اعتماد به سه نوع است: ۱- اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا ۲- اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد به بیگانگان ۳- اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان ها و نهادها (شارع پور، ۱۳۸۵: ۴۸).

1. Bureaucratic

2. Anthony Giddens

انسجام محله ای

انسجام اجتماعی دلالت بر «توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی (احساس "ما" کردن) و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است» (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۷). باشهان نیز با مترادف قلمداد کردن مفهوم انسجام اجتماعی با مفهوم همبستگی بیان می کند که همبستگی وضعیتی است که در آن افراد به واسطه تعهدات فرهنگی و اجتماعی، به یکدیگر همبسته و وابسته اند. این مفهوم اشاره دارد به توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی مشارکت می کنند و بویژه به خاطر هنجارها، ارزش ها، عقاید و ساختارهای آن با جامعه احساس نزدیکی کرده و به حمایت آن وابسته اند (زند رضوی ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸: ۸۸). شکل ۱ نشان دهنده سلسله مراتب سرمایه اجتماعی در محلات می باشد.



شکل ۱) ساختار سلسله مراتبی سرمایه اجتماعی

(منبع: نگارندگان)

جایگاه سرمایه اجتماعی در محلات

در مقیاس محله‌ای، سرمایه‌ی اجتماعی شامل منابعی در اجتماعات محله است که از طریق حضور بالایی از اعتماد، عمل و کنش متقابل، هنجارهای مشترک رفتاری، تعهدات و الزامات و تعلقات مشترک، شبکه‌های رسمی و غیررسمی و راه‌های مؤثر اطلاعات به وجود می‌آید. این سرمایه ممکن است به وسیله افراد و گروه‌ها به منظور تسهیل در خدمات‌رسانی به اجتماع مورد استفاده قرار گیرد (خمر، اسماعیل زاده کواکی و براتپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). در مجموع یکی از بسترهای شبکه‌ای که سرمایه اجتماعی می‌تواند در آن تحقق عینی پیدا کند، اجتماع محله‌ای می‌باشد و به عبارتی، اجتماع محله‌ای همان سرمایه اجتماعی می‌باشد که در شکل فضای مشخص و محدوده مکانی، تعیین می‌یابد و به شکل مدرن خود (یعنی آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه و پایدار) به فعلیت می‌رسد و وجود سطحی از تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی (اعم از اعتماد، هنجار، انسجام و مشارکت) برای تشکیل اجتماع محله‌ای لازم و ضروری می‌نماید (زند رضوی، ضیائی و رحمانی، ۱۳۸۸: ۸۸).

روش شناسی

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. روش گردآوری مطالب در این تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است. از سوی دیگر، یک تحقیق میدانی می‌باشد. در زمینه جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. شاخص‌های مورد بررسی ۱۶ شاخص که از مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت، انسجام، شبکه و امنیت می‌باشند. در این تحقیق از روش پرسش‌نامه استفاده شده که برای دستیابی به پایایی مورد قبول، با انجام پیش‌آزمون تأمین گردید که متناسب با هدف تحقیق و یافته‌های مبانی نظری، سؤالات تدوین شدند. نحوه پاسخگویی به سؤالات، مراجعه مستقیم به شیوه‌رودرو بوده است. در تحقیق حاضر، جامعه آماری همه افراد بالای ۱۵ سال می‌باشد. جمعیت منطقه مورد نظر ۲۹۶۲۶۷ نفر می‌باشد که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، که تعداد ۳۲۲ نفر به دست آمده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{1.96^2 0.7 * 0.3}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{296267} \left(\frac{1.96^2 0.7 * 0.3}{0.05^2} - 1 \right)} = 322$$

که در آن n = حجم نمونه، N = حجم جامعه مورد مطالعه، t^2 = توزیع نرمال مربوط به منحنی گاوس است که از جدول مربوط به سطح احتمال مورد نظر استخراج می شود، p = درصد توزیع صفت در جامعه، یعنی نسبت درصد افرادی که دارای صفت مورد مطالعه هستند (این مقدار با بررسی تحقیقات گذشته به دست آمده است)، q = درصد افرادی است که فاقد آن صفت در جامعه اند (این مقدار با بررسی تحقیقات گذشته به دست آمده است) و d^2 = تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین، برای وجود آن صفت در جامعه است (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

پس از تعیین حجم نمونه با بهره گیری از مدل آماری وزن دهی آنتروپی شانون^۱ و روش رتبه بندی تاپسیس^۲ محله های پانزده گانه ی منطقه ۳ شهر مشهد از نظر شاخص های سرمایه اجتماعی اولویت بندی، شده اند. در نهایت، با کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی و نرم افزار GIS، نقشه توزیع فضایی محلات مورد مطالعه از نظر شاخص های سرمایه اجتماعی تهیه گردید.

روش تاپسیس، به عنوان یک روش تصمیم گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی، برای اولویت بندی گزینه ها از طریق شبیه نمودن به جواب مطلوب است که به روش وزن دهی، حساسیت بسیار کمی داشته، پاسخ های حاصل از آن، تغییر عمیقی نمی کند. در این روش، گزینه انتخاب شده باید کوتاه ترین فاصله را از جواب مطلوب و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد. در این روش های گام به گام، فرض می شود هر شاخص و معیار در ماتریس تصمیم گیری، دارای مطلوبیت افزایشی و یا کاهشی یکنواخت است (نسترن، ابوالحسنی و ایزدی، ۱۳۸۹: ۹۰).

1. Shannon

2. TOPSIS

جدول (۱) ماتریس کمی شده و بی مقیاس تصمیم گیری سرمایه اجتماعی منطقه ۳ مشهد

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	محلۀ ۱	محلۀ ۲	محلۀ ۳	محلۀ ۴	محلۀ ۵	محلۀ ۶	محلۀ ۷	محلۀ ۸	محلۀ ۹	محلۀ ۱۰	محلۀ ۱۱	محلۀ ۱۲	محلۀ ۱۳	محلۀ ۱۴	محلۀ ۱۵
اعتماد	۱- مشورت با خانواده	۳	۳	۷	۵	۵	۹	۹	۱	۳	۷	۳	۷	۱	۱	۳
	۲- اعتماد به همسایگان و دوستان	۵	۱	۳	۷	۳	۳	۳	۵	۹	۹	۳	۷	۳	۳	۵
	۳- مسؤلیت پذیری ادارات و شهرداری‌ها و مراکز ارائه دهنده خدمات شهری	۷	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۹	۷	۵	۱	۱	۱	۱	۵
مشارکت	۴- شرکت در مراسم مذهبی	۵	۷	۵	۷	۵	۵	۷	۱	۹	۹	۵	۷	۳	۷	۳
	۵- شرکت در مراسم جشن و عزای همسایگان	۹	۱	۳	۹	۷	۳	۵	۳	۷	۵	۵	۱	۵	۳	۵
	۶- شرکت در انتخابات	۷	۵	۵	۵	۷	۱	۵	۳	۵	۳	۷	۵	۱	۳	۳
	۷- شرکت در راهپیمایی	۷	۳	۵	۵	۵	۱	۷	۷	۵	۳	۵	۳	۳	۳	۵
	۸- شرکت در انجام امور مربوط به خیریه	۵	۹	۹	۷	۳	۱	۵	۵	۱	۵	۱	۳	۱	۳	۳
	۹- هزینه برای خدمات جدید و مورد نیاز محله	۵	۳	۵	۳	۱	۳	۳	۷	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱
	۱۰- مسؤلیت پذیری دوستان و آشنایان	۳	۵	۵	۵	۵	۷	۷	۳	۹	۵	۳	۷	۵	۵	۵
انسجام	۱۱- میزان پیوندهای عاطفی و ارتباطی با دوستان	۹	۵	۷	۵	۹	۵	۷	۳	۳	۳	۳	۷	۳	۵	۵
	۱۲- آگاهی از مسائل روز	۵	۹	۵	۷	۵	۳	۷	۷	۹	۱	۱	۳	۵	۱	۵
شبکه	۱۳- ارتقای سطح انتظار و توقعات در محله	۷	۱	۷	۵	۷	۳	۳	۳	۵	۱	۳	۵	۱	۱	۳
	۱۴- تحکیم اعتقادات، بینش و نگرش در محله	۵	۵	۷	۵	۷	۳	۳	۵	۷	۷	۵	۹	۵	۵	۳
	۱۵- همکاری برای رفع کمبودها در محله	۷	۷	۵	۹	۳	۳	۹	۵	۵	۱	۱	۷	۱	۳	۵
امنیت	۱۶- میزان جرائم و جنایات	۹	۳	۵	۷	۷	۱	۵	۳	۵	۱	۱	۷	۱	۵	۳

(منبع: نگارندگان)

بی مقیاس سازی

پس از کمی نمودن شاخص ها، به منظور قابل مقایسه شدن مقیاس های مختلف اندازه گیری، لازم است از بی مقیاس سازی استفاده نمود که به وسیله آن، مقادیر شاخص های مختلف بدون بعد شده و جمع پذیر گردند. در این قسمت با استفاده از روال طبیعی بی مقیاس سازی کرده ایم، در این نوع بی مقیاس سازی، هر عنصر ماتریس تصمیم گیری را، به مجذور مجموع مربعات عناصر هر سطر در جدول کمی شده، تقسیم می گردد (اجزا شکوهی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۰۵) که در این صورت، کلیه سطرهای ماتریس تصمیم گیری، دارای واحدی مشابه می گردند و می توان به راحتی آن را با یکدیگر مقایسه نمود. برای نمونه C۱ محله یک حساب شده است.

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m (a_{ij})^2}} \quad n_{ij} = \frac{2}{\sqrt{3^2+3^2+\dots+1^2+3^2=431}} = 0.144$$

جدول ۲) بی مقیاس سازی با استفاده از روال طبیعی

محله	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
محله ۱	۰/۱۴۴	۰/۲۴۵	۰/۴۰۲	۰/۲۱۳	۰/۴۳۷	۰/۳۸۲	۰/۳۷۷	۰/۲۵۷	۰/۳۷۷	۰/۱۴	۰/۴۱۱	۰/۲۳۴	۰/۴۲۵	۰/۲۲۸	۰/۲۳۴	۴۷۵
محله ۲	۰/۱۴۴	۰/۴۰۹	۰/۱۷۲	۰/۲۹۸	۰/۴۸	۰/۲۷۳	۰/۱۶۱	۰/۴۶۴	۰/۲۲۶	۰/۲۳۴	۰/۲۲۸	۰/۴۲۱	۰/۰۶	۰/۲۲۸	۰/۲۳۴	۰/۱۵۸
محله ۳	۰/۳۳	۰/۱۴۷	۰/۰۵۷	۰/۲۱۳	۰/۱۴۵	۰/۲۷۳	۰/۲۶۹	۰/۴۶۴	۰/۳۷۷	۰/۲۳۴	۰/۳۱۹	۰/۲۳۴	۰/۴۲۵	۰/۲۲۸	۰/۲۳۴	۰/۲۶۳
محله ۴	۰/۲۴	۰/۲۴۳	۰/۱۷۲	۰/۲۹۸	۰/۴۳۷	۰/۲۷۳	۰/۲۶۹	۰/۳۶۱	۰/۲۲۶	۰/۲۳۴	۰/۲۲۸	۰/۳۲۸	۰/۳۰۳	۰/۳۱۹	۰/۴۲۹	۰/۳۶۹
محله ۵	۰/۲۴	۰/۱۴۷	۰/۱۷۲	۰/۲۱۳	۰/۳۴	۰/۳۱۲	۰/۲۶۹	۰/۱۵۴	۰/۰۷۵	۰/۲۳۴	۰/۴۱۱	۰/۲۳۴	۰/۴۲۵	۰/۱۳۷	۰/۱۴۳	۰/۳۶۹
محله ۶	۰/۴۳۳	۰/۱۴۷	۰/۱۷۲	۰/۲۱۳	۰/۱۴۵	۰/۰۵۴	۰/۰۵۳	۰/۲۵۸	۰/۲۲۶	۰/۳۲۸	۰/۲۲۸	۰/۱۴	۰/۱۸۲	۰/۱۳۷	۰/۱۴۳	۰/۰۵۲
محله ۷	۰/۴۳۳	۰/۲۴۵	۰/۱۷۲	۰/۲۹۸	۰/۲۴۳	۰/۲۷۳	۰/۳۷۸	۰/۲۵۸	۰/۲۲۶	۰/۳۲۸	۰/۳۱۹	۰/۳۲۸	۰/۱۸۲	۰/۲۲۸	۰/۴۲۹	۰/۲۶۴
محله ۸	۰/۰۴۸	۰/۲۴۵	۰/۵۱۷	۰/۰۴۲	۰/۱۴۵	۰/۱۶۳	۰/۳۷۷	۰/۰۵۱	۰/۵۲۹	۰/۱۴	۰/۱۳۷	۰/۳۲۸	۰/۱۸۲	۰/۳۱۹	۰/۲۳۸	۰/۱۵۸
محله ۹	۰/۱۴۴	۰/۴۴۱	۰/۴۰۲	۰/۳۸۳	۰/۳۴	۰/۲۷۳	۰/۲۶۹	۰/۲۵۸	۰/۲۲۶	۰/۴۲۱	۰/۱۳۷	۰/۴۲۱	۰/۳۰۳	۰/۳۱۹	۰/۲۳۸	۰/۲۶۳
محله ۱۰	۰/۳۳	۰/۴۴۱	۰/۲۸۷	۰/۳۸۳	۰/۲۴۳	۰/۱۶۳	۰/۱۶۱	۰/۲۵۸	۰/۰۷۵	۰/۲۳۴	۰/۱۳۷	۰/۰۴۶	۰/۰۶	۰/۳۱۹	۰/۰۴۷	۰/۰۵۲
محله ۱۱	۰/۱۴۴	۰/۱۴۷	۰/۰۵۷	۰/۲۱۳	۰/۲۴۳	۰/۳۸۲	۰/۲۶۹	۰/۰۵۱	۰/۰۷۵	۰/۱۴	۰/۱۳۷	۰/۰۴۶	۰/۱۸۲	۰/۲۲۸	۰/۰۴۷	۰/۰۵۲
محله ۱۲	۰/۳۳	۰/۱۴۷	۰/۰۵۷	۰/۲۹۸	۰/۴۸	۰/۲۷۳	۰/۱۶۱	۰/۱۵۴	۰/۰۷۵	۰/۳۲۸	۰/۳۱۹	۰/۱۴	۰/۳۰۳	۰/۴۱۱	۰/۳۳۴	۰/۳۶۹
محله ۱۳	۰/۲۴	۰/۳۴۳	۰/۲۸۷	۰/۱۲۷	۰/۲۴۳	۰/۰۵۴	۰/۱۶۱	۰/۰۵۱	۰/۳۷۷	۰/۲۳۴	۰/۱۳۷	۰/۲۳۴	۰/۰۶	۰/۲۲۸	۰/۰۴۷	۰/۲۶۳
محله ۱۴	۰/۰۴۸	۰/۱۴۷	۰/۰۵۷	۰/۲۹۸	۰/۱۴۵	۰/۱۶۳	۰/۱۶۱	۰/۱۵۴	۰/۰۷۵	۰/۲۳۴	۰/۲۲۸	۰/۰۴۶	۰/۰۶	۰/۲۲۸	۰/۱۴۳	۰/۰۵۲
محله ۱۵	۰/۱۴۴	۰/۲۴۵	۰/۲۸۷	۰/۱۲۷	۰/۲۴۳	۰/۱۶۳	۰/۲۶۹	۰/۱۵۴	۰/۰۵۷	۰/۲۳۴	۰/۲۲۸	۰/۲۳۴	۰/۱۸۲	۰/۱۳۷	۰/۲۳۸	۰/۱۵۸

ارزیابی اوزان شاخص ها

برای به دست آوردن ماتریس بی مقیاس سازی موزون، اوزان شاخص ها باید محاسبه گردند. برای این کار به وسیله روش آنتروپی شانون، اوزان شاخص ها مورد محاسبه قرار می گیرد. اساس این روش بر این پایه استوار است که هر چه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از اهمیت بیشتری برخوردار است. بر اساس $\sum_{i=1}^n w = 1$ که در این راستا شاخص های دارای اهمیت بیشتر، از وزن بالاتری نیز برخوردارند. به منظور وزن دهی با روش آنتروپی شانون باید مراحل زیر به ترتیب اجرا شود:

۱- تشکیل ماتریس تصمیم گیری؛

۲- کمی کردن ماتریس تصمیم گیری؛

۳- بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم گیری، درایه های ماتریس تصمیم گیری به کمک

$$\text{رابطه } n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^m x_{ij}} \text{ بی مقیاس می گردد؛}$$

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [n_{ij} \ln n_{ij} (n_{ij})] \Rightarrow \left(\frac{\forall=1,2,\dots,n}{k=\frac{1}{\ln(m)}} \right) \quad \text{۴- محاسبه آنتروپی هر یک از شاخص ها}$$

مقدار آنتروپی هر یک از شاخص ها مقداری بین صفر و یک است؛

۵- محاسبه درجه انحراف اطلاعات موجود هر یک از شاخص ها از مقدار آنتروپی آن

شاخص از این رابطه $d_j = 1 - E_j$ محاسبه می گردد؛

جدول (۳) اوزان شاخص ها

C16	C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1
۰/۹۲۳	۰/۹۳۲	۰/۹۷۷	۰/۹۲۸	۰/۹۳۵	۰/۹۶۸	۰/۹۷۸	۰/۹۱۹	۰/۹۳۱	۰/۹۶۴	۰/۹۵۵	۰/۸۷۳	۰/۹۶۵	۰/۸۴۵	۰/۹۵۲	۰/۹۴
۰/۰۷۷	۰/۰۶۸	۰/۰۲۳	۰/۰۷۲	۰/۰۶۵	۰/۰۳۲	۰/۰۲۲	۰/۰۸۱	۰/۰۶۹	۰/۰۳۶	۰/۰۴۵	۰/۱۲۷	۰/۰۳۵	۰/۱۵۵	۰/۰۴۸	۰/۰۶
۰/۰۷۵۸	۰/۰۶۶۹	۰/۰۲۲۶	۰/۰۷۰۹	۰/۰۶۴	۰/۰۳۱۵	۰/۰۲۱۶	۰/۰۷۹۸	۰/۰۶۷۹	۰/۰۳۵۴	۰/۰۴۴۳	۰/۱۲۵۱	۰/۰۳۴۴	۰/۱۵۲۷	۰/۰۴۷۲	۰/۰۵۹۱

(منبع: نگارندگان)

محاسبه مقدار اوزان هر یک از شاخص ها را می توان این گونه محاسبه نمود:

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \rightarrow (\forall j = 1, 2, \dots, n) \text{ شایان ذکر است که مجموع اوزان به دست آمده}$$

برای شاخص های مورد نظر تصمیم گیرنده باید برابر با یک باشد. به عبارت ساده تر:

$$\sum_{j=1}^n w = 1 \rightarrow (\forall j = 1, 2, \dots, n)$$

جدول ۴) ماتریس بی مقیاس موزون V

محله	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16
۱	۰/۰۰۸۵	۰/۰۱۱۵	۰/۰۶۱۳	۰/۰۰۷۳	۰/۰۵۴۶	۰/۰۱۶۹	۰/۰۱۳۳	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳۰۲	۰/۰۱۲۹	۰/۰۱۴۹	۰/۰۳۰۱	۰/۰۰۵۱	۰/۰۲۲۳	۰/۰۰۳۶
۲	۰/۰۰۸۵	۰/۰۰۲۳	۰/۰۲۶۲	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۵۶	۰/۰۳۱۵	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۲۶۹	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۵۱	۰/۰۲۲۳	۰/۰۰۱۱۹
۳	۰/۰۱۹۹	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۱۸۱	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۹۵	۰/۰۳۱۵	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۱۰۰۴	۰/۰۱۴۹	۰/۰۳۰۱	۰/۰۰۵۱	۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۱۹۹
۴	۰/۰۱۴۱	۰/۰۱۶۱	۰/۰۲۶۲	۰/۰۱۰۲	۰/۰۵۴۶	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۹۵	۰/۰۲۴۵	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۲۰۹	۰/۰۲۱۴	۰/۰۰۷۳	۰/۰۲۸۷	۰/۰۰۲۷۹
۵	۰/۰۱۴۱	۰/۰۰۶۹	۰/۰۲۶۲	۰/۰۰۷۳	۰/۰۴۲۵	۰/۰۰۱۶۹	۰/۰۰۹۵	۰/۰۱۰۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۱۲۹	۰/۰۱۴۹	۰/۰۳۰۱	۰/۰۰۳۰۹	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۲۷۹
۶	۰/۰۲۵۵	۰/۰۰۶۹	۰/۰۲۶۲	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۱۸۱	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۱۸	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۷۰۸	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۰۸۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۳۰۹	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۰۳۹
۷	۰/۰۲۵۵	۰/۰۱۱۵	۰/۰۲۶۲	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۳۰۳	۰/۰۰۱۲	۰/۰۱۳۳	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۷۰۸	۰/۰۱۰۰۴	۰/۰۲۰۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۵۱	۰/۰۲۸۷	۰/۰۰۰۲
۸	۰/۰۰۲۸	۰/۰۱۱۵	۰/۰۷۸۹	۰/۰۰۱۴۴	۰/۰۰۱۸۱	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۱۳۳	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۴۲۲	۰/۰۰۳۰۲	۰/۰۰۴۳	۰/۰۲۰۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۷۳	۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۱۱۹
۹	۰/۰۰۸۵	۰/۰۲۰۸	۰/۰۶۱۳	۰/۰۱۳۱	۰/۰۴۲۵	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۹۵	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۱۸	۰/۰۰۹۰۹	۰/۰۰۴۳	۰/۰۲۶۹	۰/۰۲۱۴	۰/۰۰۷۳	۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۱۹۹
۱۰	۰/۰۱۹۹	۰/۰۲۰۸	۰/۰۴۳۸	۰/۰۱۳۱	۰/۰۰۳۰۳	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۰۵۶	۰/۰۱۷۵	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۰۳۹
۱۱	۰/۰۰۸۵	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۷۳	۰/۰۰۳۰۳	۰/۰۰۱۶۹	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۳۰۲	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۲۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۰۳۹
۱۲	۰/۰۱۹۹	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۸۷	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۵۶	۰/۰۱۰۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۷۰۸	۰/۰۱۰۰۴	۰/۰۰۸۹	۰/۰۲۱۴	۰/۰۰۹۲	۰/۰۲۲۳	۰/۰۰۲۷۹
۱۳	۰/۰۱۴۱	۰/۰۱۶۱	۰/۰۴۳۸	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۳۰۳	۰/۰۰۰۲۳	۰/۰۰۵۶	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۴۳	۰/۰۱۴۹	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۱۹۹
۱۴	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۶۹	۰/۰۰۸۷	۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۱۸۱	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۰۵۶	۰/۰۱۰۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۴۲	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۹۵	۰/۰۰۰۳۹
۱۵	۰/۰۰۸۵	۰/۰۱۱۵	۰/۰۴۳۸	۰/۰۰۴۳	۰/۰۰۳۰۳	۰/۰۰۰۷۲	۰/۰۰۹۵	۰/۰۱۰۴	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۵۰۵	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۱۴۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۰۳۰۹	۰/۰۱۵۹	۰/۰۰۱۱۹

(منبع: نگارندگان)

اکنون می توان ماتریس بی مقیاس شده موزون را به دست آورد. بدین منظور، ماتریس بی مقیاس شده، در ماتریس مربعی $(Wn \times n)$ که عناصر اصلی آن اوزان شاخص ها و دیگر عناصر آن صفر می باشد، ضرب می شود. ماتریس به دست آمده، ماتریس بی مقیاس موزون نام دارد و با V نشان داده می شود. برای مثال ضرب W_i از C_1 (جدول ۳) با C_1 از محله یک (جدول ۲) $0.085 = 0.144 \times 0.591 = 0.085$

میزان فاصله هر گزینه تا مطلوب مثبت و منفی

برای به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه از مطلوب مثبت و منفی، از فرمول زیر استفاده گردیده است:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^+)^2}, \forall i \dots \dots$$

فاصله از مطلوب مثبت

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^m (v_{ij} - v_j^-)^2}, \forall i \dots \dots$$

فاصله از مطلوب منفی

حاصل این روابط در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵) میزان فاصله هر محله از مطلوب مثبت و منفی

C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۰/۰۶۳۷	۰/۱۰۸	۰/۰۷۱۳	۰/۰۹۹۳	۰/۱۰۳۶	۰/۰۸۰۸	۰/۰۴۶	۰/۰۶۴۳	۰/۰۸۹۴	۰/۰۸۶۸	۰/۰۷۵۳	۰/۰۶۱۹	۰/۰۸۵	۰/۰۸۸	۰/۰۳۵۶	d_{ij}^+
۰/۰۱۷۳	۰/۰۱۹۵	۰/۰۵۶۱	۰/۰۴۳۶	۰/۰۳۲	۰/۰۵۳۳	۰/۰۷۹۷	۰/۰۸۵۳	۰/۰۵۸۸	۰/۰۳۹	۰/۰۶۰۴	۰/۰۷۵۳	۰/۰۵۷	۰/۰۹	۰/۰۹۲	d_{ij}^-

(منبع: نگارندگان)

این مقادیر برای ماتریس فوق به صورت زیر محاسبه می شود. برای نمونه محله یک مورد محاسبه قرار گرفته است:

$$d_{i1}^+ = \sqrt{\left(\begin{aligned} &((0.085 - 0.355)^2 + (0.115 - 0.208)^2 + (0.0613 - 0.789)^2 + (0.0073 - 0.131)^2 + (0.0546 - 0.046)^2 + \\ &((0.169 - 0.169)^2 + (0.133 - 0.133)^2 + (0.175 - 0.315)^2 + (0.03 - 0.422)^2 + (0.00202 - 0.099)^2 + \\ &((0.129 - 0.129)^2 + (0.149 - 0.269)^2 + (0.0301 - 0.301)^2 + (0.051 - 0.092)^2 + (0.223 - 0.287)^2 + \\ &(0.36 - 0.36)^2 = 0.35 \end{aligned} \right)}$$

$$d_{i1}^- = \sqrt{\left(\begin{aligned} &((0.085 - 0.028)^2 + (0.115 - 0.023)^2 + (0.0613 - 0.087)^2 + (0.0073 - 0.144)^2 + (0.0546 - 0.006)^2 + \\ &((0.169 - 0.023)^2 + (0.133 - 0.018)^2 + (0.175 - 0.034)^2 + (0.03 - 0.059)^2 + (0.00202 - 0.0302)^2 + \\ &((0.129 - 0.043)^2 + (0.149 - 0.029)^2 + (0.0301 - 0.042)^2 + (0.051 - 0.039)^2 + (0.223 - 0.031)^2 + \\ &(0.36 - 0.039)^2 = 0.92 \end{aligned} \right)}$$

تعیین ضریبی که برابر است با فاصله گزینه حداقل (s_i^-) تقسیم بر مجموع فاصله حداقل (s_i^-) و فاصله گزینه (s_i^+) که آن را با (s_i^-) نشان داده، از رابطه زیر محاسبه می شود.

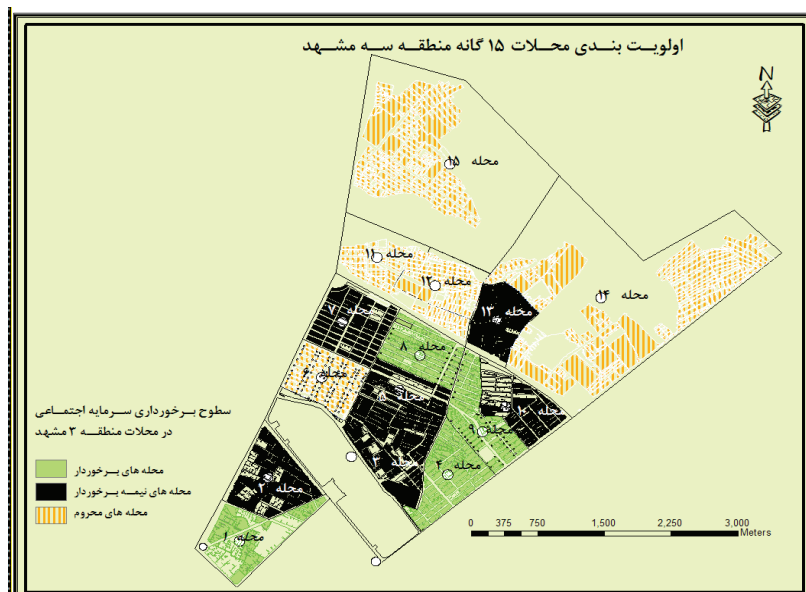
$$c_i^+ = \frac{s_i^-}{s_i^- + s_i^+} = \frac{0.092}{0.092 + 0.35} = 0.21$$

جدول ۶) رتبه بندی سطوح برخورداری در محله های منطقه ۳ شهر مشهد

رتبه	نام محله	ضریب اولویت (رتبه)	میانگین ضریب اولویت	میزان برخورداری
۱	محله ۱	۰/۷۲	۰/۶۱	برخوردار
۲	محله ۹	۰/۶۳		
۳	محله ۸	۰/۵۷		
۴	محله ۴	۰/۵۵		
۵	محله ۲	۰/۵		
۶	محله ۵	۰/۴۴		
۷	محله ۱۳	۰/۴۴	۰/۴۳	نیمه برخوردار (متوسط)
۸	محله ۳	۰/۴		
۹	محله ۷	۰/۴		
۱۰	محله ۱۰	۰/۴		
۱۱	محله ۶	۰/۳۱		
۱۲	محله ۱۲	۰/۳		
۱۳	محله ۱۱	۰/۲۴	۰/۲۴	فرو برخوردار (محروم)
۱۴	محله ۱۵	۰/۲۱		
۱۵	محله ۱۴	۰/۱۵		

نقشه توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در محلات منطقه ۳

در این مرحله، برای مشخص شدن دامنه سطوح و محل جدایش آن ها، باید ارزش های حداقل و حداکثر هر سطح را بررسی کرد. نقشه سطوح توسعه یافتگی هر یک از مناطق شهری، با استفاده از طبقه بندی جدایش طبیعی در محیط نرم افزار Arc GIS تولید و ترسیم شده است. در این روش، داده ها پس از معرفی شاخص مورد نظر توسط نرم افزار بررسی و بر اساس نقطه های عطف به ترتیب از کمترین به بیشترین مقدار، مرتب و تعداد سطوح مشخص می شود.



شکل ۲) اولویت بندی محلات منطقه سه مشهد

نتیجه حاصل از بررسی ۱۵ محله ی منطقه ۳ مشهد از لحاظ شاخص های مورد نظر، سطح اول (برخوردار) با میانگین ضریب اولویت ۰/۶۱ شامل چهار محله ۱، ۹، ۸ و ۴ می باشد و سطح دوم (نیمه برخوردار) شامل شش محله ۵، ۲، ۱۳، ۳، ۱۰ و ۷ با میانگین ۰/۴۳ است و سطح سوم (محروم) پنج محله ۶، ۱۲، ۱۱، ۱۵ و ۱۴ با میانگین ۰/۲۴ را تشکیل داده است. از دلایل تفاوت در سطوح برخورداری از سرمایه اجتماعی می توان به تفاوت در کیفیت محیط شهری محلات مورد مطالعه بویژه در محلات ۱۴، ۱۱ و ۱۵ اشاره کرد. هم چنین مهاجر بودن بخش اعظم جمعیت این محلات نیز از دلایل پایین بودن سرمایه اجتماعی در بین ساکنین این محلات است، به طوری که تفاوت های فرهنگی و اجتماعی ناشی از گروه های فرهنگی مختلف در سطح محلات، باعث تفاوت در سطوح سرمایه اجتماعی در محلات مورد مطالعه شده است. جرم خیز بودن برخی محلات منطقه بویژه محلات ۱۴، ۱۲، ۱۱ و ۱۵ به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب اهالی آن نیز یکی دیگر از دلایلی است که باعث کاهش سطح احساس امنیت که یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی است، در محلات مورد مطالعه شده است.

نتیجه

سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه محلی در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. به زعم پاتنام، منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت‌کننده و خودافزاینده هستند دور بازتولید‌کننده فضایل، به تعادل جمعی منجر می‌شود. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمردنی نیز خصلتی خود تقویت‌کننده دارد. هم‌چنین اگر سرمایه اجتماعی در مناطقی از شهر ضعیف باشد توسعه نیافتگی از مشخصات بارز آن به شمار می‌آید و بالعکس در صورت وجود سرمایه اجتماعی بالا، نه تنها آن منطقه از میزان توسعه بالایی برخوردار است، حتی انتظار پایداری آن جامعه در ابعاد مختلف نیز وجود دارد. در واقع نادیده‌انگاری مؤلفه‌های توسعه، میزان آسیب‌پذیری جامعه را بالا برده و شکنندگی آن را شدت می‌بخشد. مطابق بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام شده، محلات شهری منطقه ۳ مشهد از نظر اولویت‌بندی سطوح برخورداری، به سه گروه ذیل تقسیم می‌شوند. پنج محله (۶، ۱۲، ۱۱، ۱۵ و ۱۴) با ضریب اولویت ۰/۲۴ که پایین‌ترین سطح برخورداری از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی را به خود اختصاص دادند. محلات ۱۱، ۱۵ و ۱۴ بحرانی‌ترین شرایط را در بین محلات دیگر دارند و باید توسعه پرشتابی نسبت به دیگر محلات پشت سر بگذارند، تا بتوانند خود را به دیگر محلات مورد بررسی برسانند. هم‌چنین در برنامه‌ریزی‌های شهری اولویت اول را باید به این محلات داده شود. شش محله (۲، ۵، ۱۳، ۳، ۷ و ۱۰) با ضریب اولویت ۰/۴۳ سطح نیمه برخورداری و از شرایط بحرانی دور هستند و در برنامه‌های توسعه اولویت دوم قرار می‌گیرند و در آخر، چهار محله (۱، ۹، ۸ و ۴) با ضریب اولویت ۰/۶۱ در بالاترین سطح برخورداری و بهترین وضعیت را در بین محلات دیگر داراست. در این پژوهش براساس نتایج حاصل از تحقیق پیشنهادهایی به شرح ذیل به منظور افزایش سرمایه اجتماعی در محلات مورد مطالعه ارائه می‌گردد:

۱- تقویت امکانات فرهنگی، اجتماعی جهت بالا بردن روحیه ساکنان این محلات؛

- ۲- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان در این محلات در برنامه ریزی های مختلف اقتصادی، اجتماعی و شکلی با هدف توانمندسازی ساکنان این محلات؛
- ۳- اصلاح ساختار نظام خدمات رسانی با هدف ترغیب به ماندن ساکنان در این محلات؛
- ۴- تشکیل نهادهای مشارکتی مانند شرکت های تعاونی، سازمان های غیردولتی، سازمان های اجتماعی محلی و سازمان های خصوصی داوطلب به منظور افزایش حس همبستگی و تجانس محلات؛
- ۵- ضرورت فرهنگ سازی و اطلاع رسانی با هدف افزایش فرهنگ شهروندی، روحیه آگاهی و مسئولیت پذیری و مشارکت عمومی توسط نهادهای ذی ربط؛
- ۶- اجرای طرح های آموزشی همگانی مسائل اجتماعی- فرهنگی در جهت ارتقاء سطح فرهنگ عمومی و هویت اجتماعی- مکانی ساکنان محلات.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی، و دیگران (۱۳۸۹). "بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی روستاهای ادغام شده در شهر و روستاهای مستقل (مورد شناسی روستای ادغام شده تربقان و روستای مستقل رزق آباد کاشمر)". *فصلنامه روستا و توسعه*، سال سیزدهم، ش ۱ (بهار): ۴۳ - ۶۲.
- اجزا شکوهی، محمد؛ حسینی، مصطفی (۱۳۹۴). "سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی در جهت دستیابی به توسعه پایدار (مورد مطالعه: محلات شهر یزد)". *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره چهارم، ش ۱۵ (پاییز): ۹۹-۱۱۲.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*. تهران: اختر محقق.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- امیرخانی، طیبیه؛ اصغرپور، علی (۱۳۸۷). "تأملی بر امکان توسعه اجتماعی در پرتو عدالت سازمانی در سازمان های دولتی". *نشریه مدیریت دولتی*، دوره یک، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۹ - ۳۲.

- براتی، ناصر؛ یزدان پناه شاه آبادی، محمدرضا (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری". *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال دوم، ش ۱ (تابستان): ۲۵-۴۹.
- پورتنس، آلهاندرو (۱۳۸۴). "سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه شناسی مدرن". در: *مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی. گردآورنده سعید عطار. تهران: نشر شیرازه: ۳۰۳ - ۳۴۸.*
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- خمر، غلامعلی؛ اسماعیل زاده کواکی، علی؛ براتپور، علی (۱۳۹۰). "ارزیابی توزیع فضایی سرمایه اجتماعی در سطح مناطق شهری با استفاده از تکنیک Topsis و GIS (مطالعه موردی: نواحی شهر قوچان)". *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال اول، ش ۴ (تابستان): ۹۵ - ۱۱۲.
- دادگر، یدا...؛ نجفی، محمدباقر (۱۳۸۵). "سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام". *اقتصاد/سلامی*، سال ششم، ش ۲۴ (زمستان): ۷-۵.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ خنده رو، مهدی (۱۳۸۸). "بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در سطح محله". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۱۹-۱۴۹.
- ربیعی، علی (۱۳۸۴). *مطالعات امنیت ملی، مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم*. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- زند رضوی، سیامک؛ ضیائی، کیوان؛ رحمانی، مریم (۱۳۸۸). "ظرفیت های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله ای در شهر (دوستدار کودک) در بم". *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۳ (تابستان): ۸۱-۱۰۴.
- سرایی، محمدحسین؛ حسینی، مصطفی (۱۳۹۳). *کاربرد تکنیک های نوین تصمیم گیری چندمنظوره در برنامه ریزی شهری و منطقه ای*. یزد: دانشگاه یزد.

- شارع پور، محمود (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی: مفهوم سازی، سنجش دلالت های سیاست گذاری. ساری: سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران.
- شارع پور، محمود؛ حسینی راد؛ علی (۱۳۸۷). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۵-۲۹ ساله شهر بابل)". نشریه حرکت، ش ۳۷ (پاییز): ۱۳۱-۱۵۳.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ مقصودی، رضا (۱۳۸۹). "سنجش سرمایه اجتماعی استان های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی". دانش سیاسی، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۳۹-۱۷۶.
- عینالی، جمشید؛ رومیانی، احمد (۱۳۹۳). "ارزیابی توزیع سرمایه اجتماعی در محلات شهری، مطالعه موردی: زنجان". فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، ش ۴ (زمستان): ۱۱۹-۱۳۶.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: جامعه شناسان.
- فنی، زهره؛ ویران، اسماعیل (۱۳۸۹). "برنامه ریزی مردم محور (مشارکتی) در مقیاس خرد شهری (محله)، نمونه موردی: محله اسلام آباد زنجان". فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیست و پنجم، ش ۹۸ (پاییز): ۷۹-۱۰۲.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه احمد رضا اصغرپور ماسوله. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- قدرتی، حسین، و دیگران (۱۳۹۰). "تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار". مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، ش ۴۳ (پاییز): ۷۹-۹۴.
- نسترن، مهین؛ ابوالحسنی، فرحناز؛ ایزدی، ملیحه (۱۳۸۹). "کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت بندی توسعه پایدار مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان)". مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال بیست و یکم،

ش ۲ (تابستان): ۸۳-۱۰۰.

- Bertotti, M., & et al. (2011). The contribution of a social enterprise to the building of social capital in a disadvantaged urban area of London. Oxford: university press, community development.
- Besser, T (2009). "Changes in small town social capital and civic engagement". Rural studies, Vol. 7, No. 25:185-193.
- Brown, S.; Frank, K.; Bean, D. (2005). International Migration, in Poston, Dudley. L. and Micklin, Michael (Eds), Handbook of Population, United States: Kluwer Academic/Plenum.
- Coelman, J. S (2002). Social capital in the Creation of Human Capital, In: Calhoun. oxford: Blakwell.
- Khanh, H. L. P. (2011). "The Role of Social Capital to Access Rural Credit: Case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue province". Vietnam, Department of Urban and Rural Development, Swedish University of Agricultural sciences, Master Thesis.
- silva, M., & et al. (2005). "Understanding sources and types of social capital in peru." Community development Journal, Vol. 15, No. 36: 19-33.

مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۰

نادر صنعتی شرقی^۱

ملیحه رستم زاده^۲

چکیده

ادبیات نظری و یافته‌های تجربی نشان دهنده طیف وسیعی از معیارهای مختلف در زمینه همسرگزینی می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده است که با روش کیفی، راهبرد روش رویش نظری و کسب داده از موقعیت واقعی کنشگران، به درک بهتری از معیارهای همسرگزینی دست یابد. داده‌های این پژوهش از طریق نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه روایتی نیمه ساختارمند با جوانان (دختر و پسر) شهر مشهد صورت گرفته و بعد از تحلیل، تعداد سیزده مقوله که بیانگر اولویت‌های همسرگزینی افراد بود، استخراج گردید. این مقوله‌ها عبارتند از قیافه و ظاهر، ویژگی جسمی، منشی و رفتاری (خلق و خوی) ویژگی شخصیتی و روحی، تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، داشتن شناخت پیشین، روابط عاطفی و احساسی، امنیت داشتن، استقلال داشتن، تعهد داشتن، تناسب اعتقادی، احترام متقابل و درک کردن. در نهایت تقابل‌های دوقطبی به عنوان مقوله هسته انتخاب شده است (طبقه، تحصیلات، جنسیت، مذهبی بودن و منطقی بودن). با عنایت به این مقولات هسته و در پایان دو الگو و مدل متفاوت برای دختران و پسران ترسیم گردید، این دو الگو نشان می‌دهد که انتخاب‌های دختران و پسران در هر الگو، آمیخته از نظریات مختلف از جمله نظریه همسان‌همسری، نظریه انتخاب عقلانی، نظریه روابط فردی و نظریه پالایش می‌باشد.

واژگان کلیدی: معیارهای همسرگزینی، نظریه پالایش، نظریه همسان‌همسری، روش رویش نظری.

sanatinader@yahoo.com

۱. دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، استادیار دانشگاه پیام نور فردوس

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور مشهد، نویسنده مسؤول

maliherostamzade@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

تاکنون پژوهش‌ها و تحقیقات متعددی از سوی جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، روان‌کاوان و سایر محققین در مورد انتخاب همسر و معیارهای همسرگزینی صورت گرفته و بر اهمیت این انتخاب بر زندگی انسان تأکید داشته‌اند. با وجود پنجاه سال مطالعه و پژوهش، علاوه بر ناکامی روان‌شناسان در درک کامل معیارهای انتخاب همسر، جامعه‌شناسان نیز به درک یکسانی در این زمینه نرسیده‌اند (فینچام و برادبری، ۱۳۹۰: ۱). در ایران هم پژوهش‌های متعددی انجام شده است که به بررسی معیارهای انتخاب همسر پرداخته و تلاش کرده‌اند که ازدواج را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند. در عین حال، ناهمسویی در این یافته‌ها و تحقیقات موجب ارائه نظریات متفاوتی در این زمینه شده است به گونه‌ای که هر یک از آنها، یک یا چند عامل متفاوت را به عنوان معیار همسرگزینی معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، حسن زادگان رودسری و سعیدی رضوانی (۱۳۷۲)، عامل اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین معیار همسرگزینی افراد ذکر کرده‌اند. در مقابل، شهریاری (۱۳۸۱)، شیرنژاد (۱۳۸۳)، عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌شناسی را اصلی‌ترین معیار بیان نموده‌اند. نصیرزاده و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸) و حیدری و دیگران (۱۳۸۷)، به معیارهای اصیل فرهنگی تفاهم، اخلاق، وفاداری، مسؤولیت‌پذیری و مذهبی بودن را به عنوان مهم‌ترین معیار همسرگزینی اشاره نموده‌اند. علاوه بر این، یکی از نکات قابل توجه در این پژوهش‌ها، کم‌توجهی به معیارهای همسرگزینی افراد در عرصه واقعی انتخاب همسر (خواستگاری رسمی) می‌باشد. بنابراین، با توجه به ناهمسویی یافته‌های پژوهش‌های تجربی و عدم ارائه ملاک‌های کمابیش یکسان و کم‌توجهی به میدان واقعی کنشگران، این پژوهش در تلاش است که برای شناخت دقیق‌تر این موضوع با استفاده از روش کیفی و راهبرد گراندد تئوری^۱ به شیوه معکوس وارد میدان پژوهش پیرامون همسرگزینی شود. شیوه معکوس در این جا بدان معناست که به جای آن که از افراد بخواهیم تا معیارهای همسر مطلوب خود را برای ما توضیح دهند، از کنشگران خواسته‌ایم تا معیارهایی را که در

عرصه واقعی انتخاب همسر، با آن مواجه شده و آن معیار، باعث رد یا قبول طرف مقابل شده را بیان کنند. از این رو، در این پژوهش تلاش می‌کنیم که به این سؤالات پاسخ دهیم که عوامل مؤثر در انتخاب همسر (دختران و پسران) کدامند؟ شرایط و عوامل زمینه‌ای، علی و مداخله‌ای آنان چیست؟ هم‌چنین پیامدهای حاصل از انتخاب همسر در جوانان (دختر و پسر) کدام است؟

مبانی نظری: در پژوهش حاضر با توجه به نظریاتی که در خصوص معیارهای همسرگزینی مطرح است، نظریات به سه دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته اول از صاحب‌نظرانی مانند وبر و مرتن^۱ می‌باشد که توجه خود را به ساختارهای کلان و تأثیر بلافصل آن‌ها بر کنش افراد معطوف نموده، بر اساس تئوری بی‌سامانی اجتماعی رابرت کی‌مرت، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶) بر اساس مدل وبر، می‌توان ساخت دو سنخ جامعه‌ی عقلایی حقوقی و سنتی را مبتنی بر اصل راه‌ها و اهداف دانست و از هم تفکیک نمود. اختلال و گسستگی که در راه‌ها و اهداف در دو سنخ ارزشی و عاطفی وجود دارد، بیانگر آن است که هیچ‌گونه سنخ مطلوبی از یک جامعه سالم را نمی‌سازند. بر پایه‌ی این دیدگاه، هرگاه راه‌ها و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا به‌طور کلی‌تر در ساختار جامعه، هماهنگ باشند ازدواج رخ می‌دهد (همان: ۷۶). دسته دوم نظریات روان‌شناسی می‌باشد، که تحت تأثیر چند دیدگاه نظری قرار دارند، که از جمله می‌توان به نظریه همسان‌همسری اشاره کرد. بر طبق این نظریه، آن‌چه در انتخاب همسر اولویت اصلی افراد می‌باشد، شباهت‌ها است. یعنی هرچه شباهت‌ها و همانندی‌های دختر و پسر بیشتر باشد، دو طرف بیشتر مایل به ازدواج با یکدیگر هستند. هم‌چنین نظریه نیازهای مکمل بیان می‌کند انسان‌ها مجموعه نیازهایی دارند که از طریق روابط اجتماعی برآورده می‌شود. نیازهایی مانند نیاز به حمایت عاطفی، مراقبت و ارضای جنسی. فرضیه اصلی نظریه مذکور این است که در درون مجموعه‌ای از افراد واجد شرایط، افرادی که

الگوی نیازهای شان، ارضای متقابل را تأمین نماید، همدیگر را به عنوان شریک ازدواج انتخاب می کنند (Eshleman, 1988: 86). در نظریه انگیزش، اهداف نقشی کلیدی دارند. براساس این رویکرد، انجام هر کاری در زندگی مستلزم تعقیب یک هدف است (Cox & Klinger, 2002: 925-940). براساس نظریه روابط فردی (آنجلس) روابط فردی برخاسته از بررسی های مربوط به ارتباط اولیه مادر فرزند است و به تأثیر دیرپای این تجارب بر کارکرد بعدی کودک در بزرگسالی توجه خاصی مبذول دارد. این نظریه بر این که چگونه والدین بر انتخاب همسر و فرزندان تأثیر می گذارند، یعنی گذشته در یاد انسان باقی می ماند و همواره به صورت ناهشیار و به طرق نیرومند بر زندگی او تأثیر می گذارد. بر اساس نظریه انتخاب، به عقیده ی گلسر (Glasser, 2000: 163)، تمام اعمالی که ما انجام می دهیم، رفتار به شمار می روند و تقریباً تمامی رفتارهای ما انتخاب می شوند. وی رفتار را شامل چهارمؤلفه ی عملکرد، تفکر، احساس و فیزیولوژی می داند که افراد بر دو مؤلفه ی عملکرد و تفکر، تأکید اساسی دارند. به طور مستقیم بر مؤلفه های احساس و فیزیولوژی و به طور غیرمستقیم بر دو مؤلفه ی عملکرد و تفکر کنترل و انتخاب دارند (Glasser, 2000: 164) دسته سوم نظریات جامعه شناسی که به کنش فردی و در سطح خرد قرار دارد، شامل نظریاتی از جمله نظریه ی مبادله جورج هومنز و پیتربلاو^۱ است. فرض اساسی این نظریه آن است که مردم در انتخاب های خود منطقی بوده و در صدد به حداکثر رساندن سود خود از انتخاب و برقراری رابطه با دیگران هستند. هم چنین نظریه تبادل اجتماعی بیان می کند هرگاه شخص پی ببرد، بین آن چه ارائه می دهد و آن چه دریافت می کند، تبدیلی نافع وجود دارد، احتمال جذب شدن و به وجود آمدن عشق با دوام بیشتر است. براساس نظریه تعادل هیدر (Heider, 1958)، خاطر نشان می سازد اگر انسان فردی را به عنوان همسر انتخاب کند که نسبت به اشخاص، عقاید و وقایع اطراف، همان عقاید، تفکر و احساسات او را داشته باشد، در این صورت، برای فرد مذکور استرس کمتری به وجود می آید. در نظریه تصور از همسر مطلوب، این واژه به منظور بیان تصویری که جوانان

از ویژگی‌های فرد مورد نظرشان جهت ازدواج در ذهن خود می‌سازند، به کار می‌رود. اگر چه تقریباً هیچ تحقیق تجربی در خصوص منشأ تشکیل تصور ذهنی از همسر مطلوب صورت نگرفته، اما می‌توان به دو نوع مهم شکل‌گیری این تصور اشاره کرد: ارزش‌های فرهنگی و نیازهای شخص (Udri, 1966: 17). بورس کوئن اشاره می‌کند که همسرگزینی و ازدواج با دو روش انجام می‌گیرد. روش اول انتخاب، معمولاً بر اساس عشق و علاقه استوار است و روش دوم انتخاب، در اختیار خانواده‌هاست (توسلی، ۱۳۷۹: ۶۸). نظریه پالایش هم تحت عنوان فرایند نیز مطرح شده است. به طور بدیهی انتخاب همسر، یک فرایند انتخاب هست. این فرایند را مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل روان‌شناختی و اجتماعی تعیین می‌کند که این مجموعه متغیرها، بر جذب شدن افراد به همدیگر تأثیر می‌گذارد (البته نه در مراحل بعدی، یعنی این متغیرها مختص همین مرحله است). این متغیرها از طریق پالایش، افرادی که مناسب ما نیستند را از دایره ارتباط بیرون می‌کند (Barbara, 1994: 84).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از آن جهت که به دنبال چرایی کنش و عملکرد در افراد بوده، روش کیفی^۱ را برای انجام پژوهش مناسب دانسته است. هم‌چنین، به دلیل قانع نبودن نظریات موجود در این زمینه، در پی راهبردی بوده که به پاسخ مناسبی دست پیدا شود و راهبرد گراند تئوری، زمینه‌ای مناسب تشخیص داده شده است. بر اساس سؤال پژوهش، از روش مصاحبه که ترکیبی از مصاحبه روایتی، عمیق (نیمه ساخت یافته) می‌باشد، استفاده شده است و نیز جامعه هدف پژوهش، شامل دختران و پسران مجرد و متأهل در شهر مشهد، در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۴ بوده است. برای انتخاب موارد از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و در انتخاب این موارد به دنبال ابعاد و ویژگی‌های متفاوت تر و ایجاد مقوله در پژوهش بوده و از حداکثر تنوع که شامل موارد ارزشی، اقتصادی، تحصیلی، جنسیت و ویژگی شخصیتی استفاده شده است. تعداد موارد

پژوهش شامل ۹ زن و ۶ مرد بین سنین ۲۵ تا ۴۰ بوده است. معیار پژوهش برای پایان دادن به مصاحبه‌ها، رسیدن به اشباع نظری بوده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. استراس و کوربین (۱۳۹۰)، در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها را خرد و مفاهیم انتزاعی از آن استخراج گردید، سپس به مقایسه مفاهیم به دست آمده از این کدگذاری اقدام شده، مفاهیمی که از نظر معنا مشابه هم بودند در ذیل مفهوم انتزاعی تر، یک مقوله قرار گرفت. در مرحله بعد، کدگذاری محوری صورت گرفت، مفاهیم و مقولاتی که در مرحله پیشین شناسایی شده بودند، نظم بیشتری یافته و طبقه مرکزی که مسئول بیشترین تغییرات در الگوی رفتاری بود، شناسایی شد. سپس سایر مقوله‌های کشف شده در داده‌ها که معمولاً از بیشترین تکرار در درون داده‌ها برخوردار بود، با آن تلفیق شد. در نهایت از طریق کدگذاری نظری یا انتخابی، به ربط دادن مقوله‌های محوری با هم پرداخته و از مجموعه مقوله‌های محوری، یک مفهوم انتزاعی تر به عنوان مقوله هسته می‌باشد و در پژوهش حاضر، معیار صحت و اعتبار را قابلیت اعتماد لینکن و گوبا^۱ قرار داده شده است. برای بررسی صحت داده‌های به دست آمده از سه عنصر قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان پذیری و قابلیت تأییدپذیری استفاده شده، هم چنین می‌توان گفت این پژوهش، در اکثریت موارد با رضایت خود مصاحبه شونده، ضبط مصاحبه‌ها صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ و ۲ بیانگر ویژگی کلی از مصاحبه شوندگان از جمله ویژگی فردی و خانوادگی دو طرف، دلایل ابتدایی و نهایی رد و قبول، تعداد موارد خواستگاری، مدت زمان، نحوه آشنایی و در آخر معیارهای انتخاب همسر فرد می‌باشد.

جدول ۱^۱ جدول توصیفی مصاحبه شوندگان

مصاحبه شوندگان	ویژگی فردی شخصیتی	ویژگی خانوادگی	ویژگی های فردی و خانوادگی طرف مقابل
آرزو	لیسانس، شاغل، مجرد، متولد ۵۹، منطقه زندگی: ایثار، نوع پوشش: چادری، فردی منطقی و سنتی صبور و مؤدب، با گذشت، محافظه کار، مسؤولیت پذیر، منظم	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: متوسط رو به پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: سنتی و محدود، شغل پدر: بازنشسته، مادر: خانه دار	دیپلم، متولد ۶۰، شغل آزاد، اعتقادات: سنتی - مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: متوسط رو به پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: سنتی و محدود
بیبا	لیسانس، متأهل، متولد ۶۴، منطقه زندگی: کلاهدوز، نوع پوشش: ورزشی، فردی تلفیق منطقی و عشق، در انجام وظایف نسبتاً سنتی، مؤدب، خیلی محافظه کار، خوش برخورد	انعطاف پذیر باز، وضعیت مالی: بالا، منزلتی: بالا، نوع روابط و ارتباطات: باز و امروزی، شغل پدر: کارخانه دار، مادر: خانه دار	سنتی انعطاف پذیر، وضعیت مالی: خوب، منزلتی: خوب، نوع روابط و ارتباطات: نسبتاً باز، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار، نوع پوشش: چادری و معمولی
سمیه	فوق لیسانس، متولد ۶۰، مجرد، استاد، نوع پوشش: راحت و امروزی، فردی منطقی، روابط عمومی بالا، خوش برخورد، غیر سنتی، مصاحبه شونده ارزشی	سنتی - مذهبی انعطاف پذیر، وضعیت مالی و منزلتی: متوسط، شغل پدر: آزاد، مادر: معلم	سنتی - مذهبی
غزل	فوق لیسانس، متولد ۶۹، مجرد، نوع پوشش: راحت، مصاحبه شونده عشقی، فردی احساساتی، خوش برخورد، تلفیقی از سنتی و مدرن	خانواده باز امروزی، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: مهندس، مادر: خانه دار	خانواده باز و امروزی، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: فوت شده
فریبا	فوق لیسانس، متولد ۶۷، متأهل، روان شناس، نوع پوشش: راحت، مصاحبه شونده عشقی، فردی شاد و پرنرزی، خوش برخورد با روابط بالا	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب
محبوبه	دیپلم، متولد ۶۶، متأهل، نوع پوشش: ساده و چادری، منطقه زندگی: رجائی، خونگرم و خوشبرخورد، مؤدب، فردی سنتی، عدم حق انتخاب داشتن	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار

۱. جهت حفظ حریم خصوصی افراد، از نام واقعی آن ها استفاده نشده است و اسامی مشابه برای مصاحبه شوندگان انتخاب و ذکر این نام ها در اینجا، صرفاً برای ملموس شدن مصاحبه ها بوده است.

آسیه	لیسانس، متولد ۶۴، نوع پوشش: ساده و چادری، منطقه زندگی: مصلی، فردی سنتی، ساده و صادق	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین
زهرا	سیکل، متولد ۵۵، متأهل، نوع پوشش: ساده و فردی سنتی، رک گو، چادری، منطقه زندگی: شهید رجایی	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت
فاطمه	فوق لیسانس، سه لیسانس، استاد، متولد ۶۳، متأهل، نوع پوشش: چادری و محجبه، منطقه زندگی: طلاب، فردی با روابط عمومی بالا، خونگرم، صادق، فردی مذهبی با اعتقادات فوق العاده بالا	سنتی مذهبی، نسبتاً باز، وضعیت مالی: متوسط، منزلتی: اندک	سنتی مذهبی، نسبتاً باز، وضعیت مالی: متوسط، منزلتی: اندک
مرتضی	دیپلم، کارمند بیمارستان، متولد ۶۲، متأهل، منطقه زندگی: سرافرازان/ نوع پوشش: معمولی، فردی منطقی، سنتی، حسابرگر، جدی و نسبتاً خشک، مسؤولیت پذیر	سنتی مذهبی نسبتاً انعطاف پذیر، وضعیت مالی: متوسط رو به پایین، منزلتی: بسیار پایین، نوع روابط و ارتباطات: معمولی، شغل پدر: بازنشسته، مادر: خانه دار	مورد ۱: لیسانس، کارمند رسمی، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار خوب، اعتقادی: معمولی، مورد ۲: فوق لیسانس، استاد، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار پایین
رضا	فوق لیسانس، معلم، متولد ۵۴، مجرد، منطقه زندگی: قاسم آباد، نوع پوشش: ورزشی ورزشکار، فردی منطقی و غیر سنتی، باگذشت، مسؤولیت پذیر- منظم و دقیق، مصاحبه شونده عشقی و ارزشی	اعتقادات: سنتی و نسبتاً مذهبی و انعطاف پذیر، وضعیت مالی: نسبتاً پایین، منزلتی: فاقد منزلت، نوع روابط و ارتباطات: سنتی، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	اعتقادات: باز، وضعیت مالی و منزلتی: بسیار خوب، شغل پدر: کارمند (پزشک)، مادر: معلم، لیسانس، متولد ۶۵
میثم	دانشجوی دکتری، متولد ۶۸، متأهل، منطقه زندگی: خیام، نوع پوشش: راحت و امروزی، مصاحبه شونده عشقی، فردی باهوش و مسؤولیت پذیر	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، شغل پدر: مهندس، مادر: خانه دار	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، هم دانشجویی
علی	منطقه زندگی: قلعه خیابان، متولد ۶۷، نوع پوشش: راحت و ورزشی، فردی منطقی، ساده، صادق و خوش برخورد	مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: پایین، لیسانس	خانواده باز، وضعیت مالی و منزلتی: خوب، هم دانشجویی

حسن	دیپلم، شغل: آزاد، متولد ۶۲، متأهل، منطقه زندگی: مهرآباد، نوع پوشش: ساده، مصاحبه شونده عشقی فردی احساسی و منطقی، ساده، خونگرم و خوش برخورد	مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت، شغل پدر: کشاورز، مادر: خانه دار	خانواده مذهبی سنتی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی: بسیار پایین، منزلتی: فاقد منزلت
جواد	دیپلم، شغل: آزاد، متولد ۶۱، متأهل، منطقه زندگی: ابوطالب، نوع پوشش: ساده، فردی منطقی و فوق العاده سنتی، خشک و جدی	سنتی مذهبی بسته، وضعیت مالی و منزلتی: متوسط، شغل پدر: آزاد، مادر: خانه دار	سنتی مذهبی، نسبتاً بسته، وضعیت مالی و منزلتی: نسبتاً خوب

جدول ۱ بیانگر ویژگی‌های توصیفی از مصاحبه‌شوندگان و طرف مقابل آنهاست که منجر به رد ازدواج یا ازدواج شده است، می‌باشد. در یک توصیف کلی می‌توان گفت مصاحبه‌شوندگان به لحاظ سطح تحصیلات دارای حداکثر و حداقل دکتری و سیکل و بین سنین ۲۵ تا ۴۰ سال می‌باشند. هم‌چنین در بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مصاحبه‌شوندگان، از جهت ارزشی، اعتقادی و منزلتی (اقتصادی)، دارای حداکثر تنوع اعتقادی و اقتصادی بوده‌اند. این پژوهش هر دو جنس (دختر و پسر) را شامل شده است.

جدول ۲) جدول توصیفی نحوه قبول و رد مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان	نحوه آشنایی	دلایل ابتدایی رد	تعداد موارد رد کردن	دلیل یا دلایل رد یا قبول نهایی	مدت زمان خواستگاری (ارتباط)	معیارهای انتخاب همسر فرد
آرزو	نسبت خانوادگی	عدم تناسب سنی	۲ مورد	بعد مالی، اصلی‌ترین دلیل: عدم اعتماد به نفس	۳ جلسه	تناسب سنی، معیار شغل، معیار خانواده، ایمان واقعی داشتن، سلامت روحی، عدم وابستگی عاطفی و اقتصادی
بی‌تا	آشنایی مجازی	معیار ظاهر، خانواده، شغل	۱ مورد	عدم دوست داشتن، تردید، عدم قبول شخصیت، دلیل اصلی: وجود خواستگار دیگر و عاشق شدن	۲ سال ارتباط، ۳ جلسه خواستگاری	معیار ظاهر، شغل، خانواده، معیار عشق، تفاهم، اعتقادات، اجتماعی بودن، معیار عاطفی

سمیه	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی ها	عدم قبول ویژگی های سنتی و مذهبی	موارد مختلف	عدم قبول فرد سنتی و مذهبی	به طور تقریبی ۲ یا ۳ جلسه	بعد فکری و ارزشی، منزلت اجتماعی، شغل، عدم اعتیاد، سربازی رفتن، تعهد، مسئولیت پذیری، بعد مالی
غزل	امروزی، دوست شدن	معیار ظاهر، شغل، نحوه برخورد، خانواده	۳-۴ مورد	دلیل نهایی رد: عاشق بودن	۱۰ سال ارتباط	معیار ظاهر، شغل، نحوه برخورد، خانواده، عدم وابستگی مالی، بعد مالی، دوست داشتن
فریبا	امروزی، دوست شدن	عدم قبول ازدواج سنتی	۲-۳ مورد	دلیل نهایی قبول: عاشق بودن	۴ سال	معیار عشق، ظاهر، شغل، مالی، خانواده، تحصیلات، هدفمند بودن، مسئولیت پذیری، شعور
محبوبه	سنتی به واسطه راوی ها	شغل، خانواده	۴ مورد	اصلی ترین معیار: شغل	۳ جلسه	معیار شغل، ظاهر، خانواده، عدم اعتیاد
آسیه	سنتی به واسطه راوی ها	شغل، خانواده	۲ مورد	اصلی ترین معیار: مالی	۲ جلسه	معیار استقلال مالی داشتن، شغل، خانواده، عدم اعتیاد
زهرا	سنتی به واسطه راوی ها	اعتیاد، عدم استقلال مالی	۴ مورد	بعد مالی (شغل)	به طور متوسط ۲ جلسه	شغل، استقلال مالی، عدم اعتیاد، خانواده
فاطمه	سنتی	بعد ارزش های خانواده	۲ مورد	بعد اعتقادی و ایمانی	۲ جلسه	بعد اعتقادی، شغل و عدم وابستگی مالی، خانواده، تحصیلات
مرتضی	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی ها	معیار ظاهر، نحوه پوشش و آرایش، کارمند رسمی نبودن، معیار جمعیت خانواده	۲ مورد	وضعیت تأهل فرد در گذشته، اعتیاد داشتن	یکماه و نیم ارتباط، ۹ جلسه خواستگاری	معیار ظاهر، تناسب داشتن خانواده ها، نحوه پوشش، تناسب داشتن اعتقادات، تحصیلات، کارمند رسمی بودن
رضا	به صورت تصادفی	عدم تناسب داشتن اعتقادی و ارزشی	۱ مورد	عدم قبول نوع رفتار و ارتباط، تعهد و نجابت	نزدیک به ۲ سال ارتباط	معیار تعهد، صداقت تفاهم به لحاظ بعد ارزشی و اعتقادی، تحصیلات، تناسب بعد فکری، تناسب داشتن خانواده ها
میثم	امروزی، دوستی	-	۱ مورد	مهم ترین دلیل: قبل عاشق بودن	۴ سال ارتباط صمیمانه	معیار دوست داشتن، ظاهر، تعهد، تحصیلات، تناسب ارزشی و اعتقادی، درک کردن
علی	امروزی، دوستی	-	۱ مورد	مهم ترین دلیل رد: عدم تناسب فرهنگی و تعهد داشتن	۴ ماه ارتباط	ظاهر، تناسب فرهنگی و تعهد داشتن، تناسب خانواده ها، تناسب ارزشی و اعتقادی

حسن	به صورت سنتی	ظاهر، خانواده	۲مورد	ظاهر، معیار خانواده	۲جلسه	معیار ظاهر، دوست داشتن، تعهد و نجابت، خانواده، تناسب اعتقادی
جواد	نحوه آشنایی سنتی به واسطه راوی ها	بعد اعتقادی، ظاهر	۱مورد	عدم صداقت، داشتن عدم تناسب اعتقادی و نحوه پوشش	۳جلسه	معیار تعهد و نجابت، اعتقادی و نحوه پوشش، خانواده و بعد مالی، تناسب سنی

بر اساس یافته های پژوهش، توصیفی از نحوه خواستگاری، ویژگی اعتقادی و نیز دلایل رد یا قبول (طرف مقابل) و هم چنین مدت زمان ارتباط یا خواستگاری پرداخته شده و در آخر، معیارهای انتخاب همسر در مصاحبه شوندگان بیان شده است.

جدول (۳) مقوله های فرعی و اصلی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	قیافه و ظاهر	قیافه، طرز لباس پوشیدنش، شکل و شمایل، صحبت کردنش
۲	روابط عاطفی و احساسی	علاقه، دوستش داشتنم، به دلم نشست، به دلم نمی نشست، عاشق بودن
۳	سلامت جسمی	سرطان داشتنش، بیماری ژنتیک
۴	ویژگی شخصیتی روحی	اجتماعی بود، شخصیت خشک اعتماد به نفس ندارند، پرمدها نبود، معتاد نباشد، ثبات شخصیتی
۵	تعهد داشتن	چشم پاک باشد، سنگین بود، تعهد داشته باشد، خیانت نکند، مسئولیت پذیری، بی بند و باریش
۶	منشی-رفتاری	خوش اخلاق، خسیس نباشد، ساده بود و صاف بود، راستگو باشد، با ادب بود، مهربان بود
۷	امنیت داشتن	شغلش مناسب نباشد، شغلش خوب بود، امنیت عاطفی، رسمی نبودن، از نظر مالی، زندگی آرام
۸	استقلال داشتن	وابسته به پدرش بود، آدم مستقلی باشد
۹	داشتن شناخت پیشین	اقوام، خویشاوندان، یه طایفه، شناخت داشتنم
۱۰	تناسب ارزش های فرهنگی و اجتماعی	اصل و نسبش مهم است، خانواده عالی، تناسب سن، تحصیل کرده باشد، موقعیت اجتماعی، کم جمعیت باشد، اختلاف اقتصادی و خانوادگی، طلاق گرفتن
۱۱	تناسب اعتقادی	مذهبی باشد، اعتقاد داشته باشد، دیانت، ایمان، غیرمذهبی، بعد فکری
۱۲	درک کردن	درک کند، تفاهم نداشتن ما
۱۳	احترام گذاشتن	احترام حفظ کردن، احترام خانواده، احترام متقابل

بر اساس رویکرد گراندتئوری، در مرحله کدگذاری باز (تجزیه و تحلیل داده‌ها)، متن مصاحبه‌های حاصل از پژوهش را خرد و مفاهیم انتزاعی از آنها استخراج شد. سپس به مقایسه این مفاهیم اقدام شد و مفاهیمی که از نظر معنا مشابه هم بودند در ذیل مفهوم انتزاعی‌تر، یک مقوله قرار گرفت و به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و جدول ۳ بیانگر رابطه‌ی مقوله‌ها (محوری، باز) می‌باشد.

جدول ۴، ترکیبی از مقوله‌های محوری و مصاحبه‌شوندگان است. حاصل مصاحبه‌های پژوهش، دستیابی به ۱۳ مقوله محوری می‌باشد. مقوله‌های محوری که بیشترین اهمیت را داشته است با دو علامت مثبت، مقوله‌های محوری که برای مصاحبه‌شونده دارای اهمیت بوده است با یک علامت مثبت، آنهایی که اهمیت نداشته را با علامت منفی و مقوله محوری که مصاحبه‌شونده بنا به هر دلیلی اشاره نکرده است، بدون هیچ علامتی در این جدول آورده شده است.

جدول ۴) مقوله های محوری و مصاحبه شوندگان

مقوله محوری	معیار قیافه و ظاهر	معیار روابط عاطفی و احساسی	سلامت جسمی	ویژگی شخصیتی - روحی	تعهد داشتن	معیار مشی- رفتاری	امینیت داشتن	استقلال داشتن	داشتن شناخت پیشین	تناسب ارزش های فرهنگی و اجتماعی	تناسب اعتقادی	درک کردن	مگذاشتن احترام
شوندگان مصاحبه													
آرزو		+		+	+	+	++	++	+	+	+		+
مرتضی	+	-		+	+	+	++		-	+	++		
بینا	+	++		+		+	+	+	-	+	+	+	
رضا	+	++			++	+	-		-	-	+		
سمیه	+	+		+	+	+	+	+	-	+	++		+
غزل	+	++		-	-	-	+	-	-	-	-		
فریبا	+	++		+	+	+	+	-	-	+	+		
میثم	+	++			+	+	+		-	+	+	+	
محبوبه	-	+	++	++	+1	+	++	+	+	-	+		+
آسیه	-	-		+	+	+	++	+	-	+	+		+
علی	+	-		+	++	+	-		-	+	+	+	
زهرا	+	+		++	+	+	++	-	+	-	+		+
حسن	++	+			+	+	-		-	-	+		
فاطمه	-	-			+	+	+	+	-	-	++		+
چواد	+	-	++	+	+	++	-		-	+	++		

از طریق داده‌های حاصل از مصاحبه، توانستیم که ۱۳ معیار اثرگذار بر همسرگزینی را که افراد در شرایط واقعی انتخاب همسر (مراسم خواستگاری) با آن مواجه بوده‌اند را بدست آوریم. ما این عوامل را به عنوان مقوله‌های محوری پژوهش خود برگزیدیم. از آن جایی که بیان فهرست وار این مقوله‌ها هرگز نمی‌تواند انعکاس دقیقی از معیارهای افراد باشد، برآنیم تا با ارائه جزئیات بیشتر و تحلیلی دقیق تر از این مقوله‌ها، با دنیای واقعی و معیارهای آنان آشنا شویم. یکی از معیارهای مهم انتخاب همسر از دید مصاحبه‌شوندگان، معیار روابط احساسی و عاطفی می‌باشد. این معیار از آن جایی برای ما مهم محسوب می‌شود که توانسته بود تا اثر معیارهای دیگر را کم رنگ ساخته و پررنگ تر و قدرتمند ظاهر شود. افراد دارای روابط احساسی و عاطفی (چه دختران و چه پسران)، هر چند به معیارهای دیگر هم توجه کرده‌اند، اما معیار قابل توجه خود را عشق عنوان می‌کنند. در حقیقت می‌توان گفت که عاطفه و احساس دو مقوله فرارونده‌ای هستند که در زندگی اجتماعی نقش سازنده‌ای را بر عهده گرفته‌اند.

فربیا مصاحبه‌شونده‌ای از خانواده مرفه و باز، شاغل، ۲۷ ساله و با ظاهری باز و امروزی، قد و قامت بلند، بیان داشت "معیار عشق". میثم نیز در خانواده‌ای با تلفیقی از ارزش‌های سنتی و امروزی، مرفه، دانشجوی دکتری و با تجربه، در رابطه با دوستی قبل از ازدواج نیز معتقد است: "معیار دوست داشتن و عشق" مهم است. معیار تناسب اعتقادی در مصاحبه‌شوندگان در قیاس با روابط عاطفی - احساسی، هر چند قدرت عشق را نداشت اما معیار قابل توجهی برای دختران و پسران بوده است. این مقوله دارای دو بعد اعتقادات دینی و اعتقادات غیردینی و امروزی می‌باشد. سمیه مصاحبه‌شونده‌ای با پیشینه خانوادگی مذهبی، اما خودش به لحاظ اعتقادی ضدارزش و باز بوده است. فوق لیسانس و استاد دانشگاه می‌باشد، وی اشاره به "بعد فکری و غیر مذهبی" داشته. هم‌چنین فاطمه از خانواده سنتی و مذهبی متعصب و بسته، ۳۱ ساله، فوق لیسانس "معیار اعتقادی و مذهبی بودن" را عنوان کرده است. یا مصاحبه‌شونده (رضا) از خانواده نسبتاً مذهبی و بسته، اما خودش به لحاظ اعتقادی ضد ارزش و باز، دانشجوی ارشد، ۳۹ ساله و مربی معتقد است: "تناسب فکری و اعتقادی".

از معیارهای مهم و مورد توجه تقریباً همه ی مصاحبه شوندگان، معیار تعهد می باشد. و تعهد را هم از بعد روابط عاطفی و هم از بعد مسئولیت پذیری، مورد بررسی قرار داده ایم. تعهد در کلام مصاحبه شوندگان، دارای برداشت های متفاوتی بوده است. کسانی که تعهد را مبتنی به اعتقادات و ارزش های دینی خود می دانستند (افراد مذهبی)، افرادی که تعهد را مبتنی بر ارزش ها و هنجارهای رفتاری منشی می دانند (سنتی، انعطاف پذیر) و دسته ای دیگر که درپایبندی به روابط حاضری دانستند (افراد امروزی، عاشق). مصاحبه شونده (فاطمه) با برداشت تعهد از حیث (اعتقادات دینی) بیان داشته است "نجابت". رضا مصاحبه شونده دیگر باز مینه سنتی به "نجابت، تعهد" تأکید داشته است. برادشتی که از گفته های مصاحبه شوندگان می شود می توان گفت که برای اغلب کنشگران، ظاهر و قیافه نیز دارای اهمیت بوده است. این معیار نیز دارای ابعاد مختلفی مانند زیبایی چهره، قد و نحوه پوشش می باشد. برای یکتا با داشتن خانواده باز و امروزی، بسیار مرفه، لیسانس و شاغل، معیار قیافه و نحوه پوشش در اکثریت موارد خواستگاری اهمیت داشته است. وی می گوید "معیار قیافه و ظاهر" مهم است. مصاحبه شونده (حسن) از خانواده سنتی و مذهبی بسته، از طبقه بسیار پایین، دیپلم، ۳۲ ساله و کارگر، اعتقادش در این باره نیز چنین بوده است "سلامت جسمانی، قیافه و ظاهر". منش و رفتار فرد که در دید مصاحبه شوندگان، با تعبیر خوش اخلاقی، خسیس نبودن، با ادب و مهربان بودن بیان شده، از دیگر معیارها مورد توجه مصاحبه شوندگان است. این معیار از نظر اهمیت با معیار تعهد برابری دارد. توجه به این معیار می تواند بر برداشت های اولیه از ظاهر، اثر داشته باشد. مثلاً بیتا بیان داشته است "معیار اخلاق". جواد مصاحبه شونده دیگر می گوید: "عدم صداقت". معیار امنیت هر چند از طرف اکثر مصاحبه شوندگان مورد توجه بوده، اما برای دختران شرط مهمتری محسوب می شده است. امنیت دارای ابعاد اقتصادی و روانی است و به عنوان بستر کسب آسایش و آرامش جسمی و روحی، همواره از اصلی ترین نیازهای اساسی بشر محسوب شده است. آرزو از خانواده ای با سطح اقتصادی نسبتاً پایین، لیسانس، مجرد، ۳۵ ساله و شاغل، از نظر وی مقوله امنیت داشتن (بعد مالی) اهمیت بسیار زیادی داشته است "شغل". مرتضی مصاحبه شونده ای

با پیشینه خانوادگی سنتی و مذهبی نسبتاً باز، شاغل، دیپلم، متأهل و وضعیت اقتصادی نسبتاً متوسط، هم به مقوله امنیت این گونه از حیث "شاغل بودن" توجه و اشاره کرده است. معیار تناسب ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی همان طور که هسته‌ی متشکله بسیاری از تحقیقات تجربی همسرگزینی را به خود اختصاص داده است، مورد توجه مصاحبه‌شوندگان نیز بوده است. ارزش‌ها، درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسان‌ها هستند و شناخت مطلوب واقعیت‌های درونی هر کس منوط به شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های ارزشی اوست. ارزش‌ها به عنوان شکل دهنده پیام‌های نظام رفتاری افراد، دارای بیشترین تأثیر در کنش‌های آنها بوده و در بعد فردی و روانی، مهم‌ترین منبع برای جهت‌گیری، درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌ها هستند که فرد در فرایند جامعه‌پذیری آنها را به دست می‌آورد و خود را با قواعد و هنجارهای جامعه هماهنگ می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷). علی مصاحبه‌شونده بوده که از خانواده مذهبی و طبقه اجتماعی پایین، دانشجوی لیسانس، ۲۳ ساله و ورزشکار هست اهمیت این معیار را این گونه اشاره و بازگو کرده است "تناسب اعتقادی، فرهنگی، خانوادگی". ادامه بررسی‌ها هر چند توانست ما را با معیارهای دیگری از کنشگران مانند داشتن استقلال، احترام، درک و شناخت پیشین آشنا کند، ولی حقیقت آن است که ما را با پرسش بزرگ‌تری روبه‌رو ساخت. چرا در حالی که معیار امنیت و استقلال برای مصاحبه‌شونده آرزو مهم است، اما برای مصاحبه‌شونده بیتا، بیشتر روابط عاطفی و احساسی مهمترین معیار می‌باشد؟ در حالی که برای مصاحبه‌شونده دیگر آسیه معیار اقتصادی، اهم معیارهاست، اما برای مصاحبه‌شونده فاطمه، معیار اعتقادی بیشتر از همه مورد توجه است. چرا برای حسن مصاحبه‌شونده دیگر، ظاهر و قیافه مهم‌تر است ولی برای علی تعهد و تناسب ارزش‌های فرهنگی؟ دلیل این همه تنوع و ابهام در چیست؟

مدل، الگو و چالش‌های موجود بر سر راه پژوهش

در هر جامعه‌ای که زندگی کنیم با دنیایی از تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها مواجه ایم. داده‌های

حاصل از مصاحبه‌ها، ما را به این نتیجه رسانید که دنیای دختران و پسران، افراد تحصیل کرده و کم‌سواد، طبقات فرادست و فرودست، مذهبی و غیرمذهبی، منطقی و غیرمنطقی از هم متمایز است. تعمق بیشتر در داده‌ها و مقایسه نظری این تفاوت‌های مهم، منجر به کشف مقوله هسته، یعنی تقابل‌های دوقطبی شده است. یعنی تقابل جنسیت (دختر و پسر)، تقابل مذهبی و غیرمذهبی، تقابل طبقاتی (طبقه بالا و طبقه پایین)، تقابل تحصیلات (بالا و پایین) و تقابل ویژگی‌های شخصیتی (عشق و منطق). از تقابل‌های مهم و بسیار تعیین کننده در معیارهای همسرگزینی، تقابل مذهبی و غیرمذهبی بودن می‌باشد. افرادی که به لحاظ اعتقادی، مذهبی هستند به عنوان افراد سنتی شناخته می‌شوند و افرادی که اعتقادات باز و غیرمذهبی دارند، به عنوان فرد امروزی مصاحبه شونده (فاطمه) با توجه به پذیرش ارزش‌های مذهبی خانواده (بسته) و محیط اجتماعی خود بیان داشته است "اعتقادات" اهمیت بسیار داشته است و در مقابل، مصاحبه شونده (سمیه) فردی غیرسنتی (ضدارزش) از معیار مخالف آن "اعتقادات فکری" سخن گفته است. در کل می‌توان گفت در افراد سنتی (دختران و پسران)، آن چیزی که اصلی‌ترین ملاک و عامل علی بوده است اعتقادات افراد، ملاک‌های ارزشی و فرهنگی (ایمان، نجابت، تناسب اعتقادی خانواده و فرد) می‌باشد. در دختران و پسران امروزی نیز عامل علی و اصلی‌ترین، ملاک‌های غیرسنتی و بعد فکری و غیرمذهبی بودن، حائز اهمیت می‌باشد.

شکل دیگری از تقابل‌های دوقطبی، تقابل طبقه اقتصادی (بالا و پایین) می‌باشد. افراد برحسب طبقه و جایگاه اقتصادی که برخوردار هستند، معیار انتخاب همسر متفاوتی دارند. طبقه پایین اقتصادی به دلیل داشتن حداقل‌های زندگی در انتخاب همسر نیز، به دنبال دستیابی به حداقل‌های این معیارها هستند. در دختران این طبقه می‌توان به مصاحبه شونده (آسیه) توجه کرد که بیان داشته "شغل" و در مصاحبه شوندگان پسر به (حسن) اشاره کرد که به "قیافه و ظاهر، نجابت" توجه داشته است. در کل می‌توان گفت در دختران طبقه پایین اقتصادی، آن چیزی که اصلی‌ترین ملاک و عامل علی است، ملاک شغل می‌باشد و در پسران طبقه پایین اقتصادی، مهم‌ترین و عامل علی

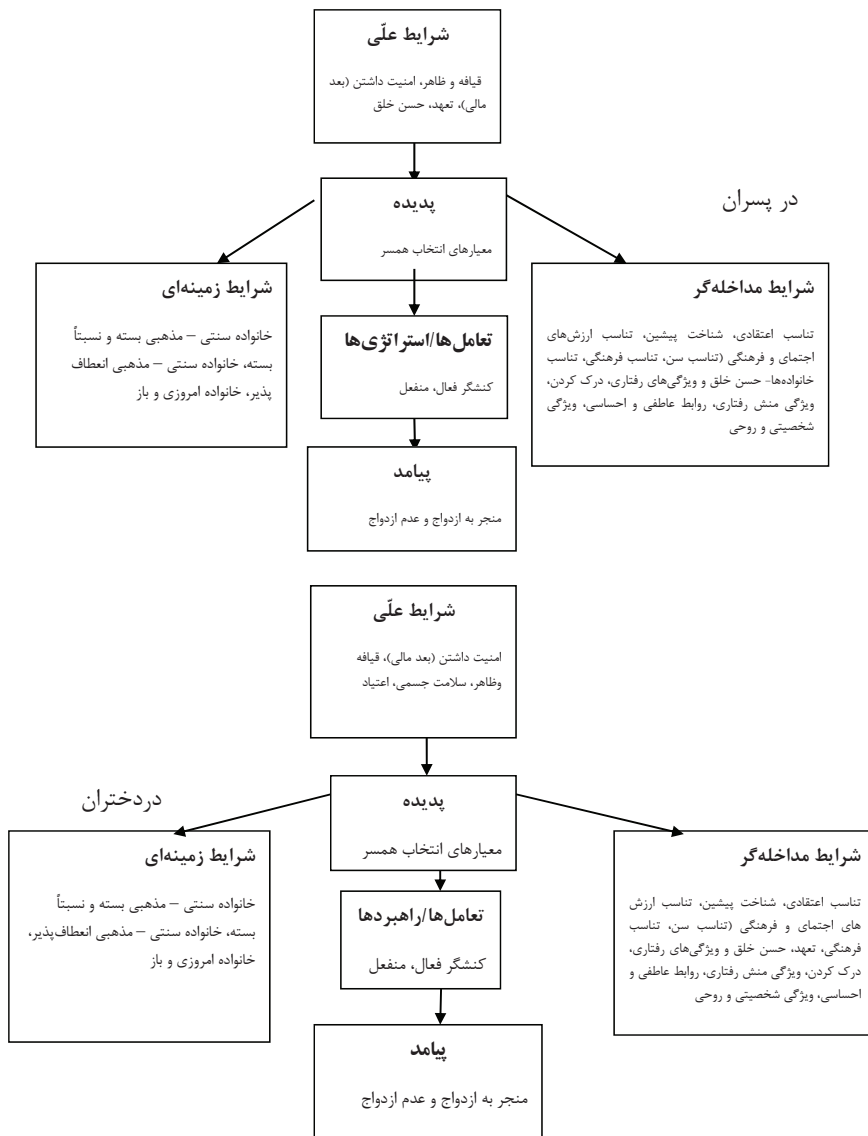
در انتخاب همسرشان، ملاک فیزیکی (قیافه و ظاهر، سلامت جسمی) و ملاک شخصی (نجابت) بوده است. طبقه بالای اقتصادی به دلیل برخورداری از حداکثر امکانات جامعه در انتخاب همسر نیز، به دنبال حداکثر معیارها می باشند. که مصاحبه شونده (بیتا) اشاره ای به این مورد داشته است "شغل، عشق، قیافه و ظاهر، ویژگی شخصیتی، خانواده و..." و نیز به مصاحبه شونده دیگر به نام میثم اشاره کرد که "تفاهم، قیافه و ظاهر، خانواده و ..." را بیان داشته است.

تقابل مهم دوقطبی دیگری که می توان بیان کرد، تقابل تحصیلات (بالا و پایین) می باشد. افراد بر حسب تحصیلات نیز ملاک های انتخاب همسرشان متفاوت است. در افراد با تحصیلات بالا می توان به مصاحبه شونده (رضا) اشاره کرد که "تحصیلات، تناسب فرهنگی و اقتصادی، تعهد و اعتماد داشتن و ..." و در دختران تحصیل کرده نیز می توان به سمیه توجه کرد که بیان داشته "بعدفکری، منزلت اجتماعی و فرهنگی، ظاهر، اعتیاد نداشتن، تعهد" اهمیت داشته است. در کل می توان گفت در دختران و پسران با تحصیلات بالا به دلیل برخورداری از تحصیلات و منزلت اجتماعی در جامعه، به دنبال حداکثر ملاک های انتخاب همسر و تناسب هر چه بیشتر می باشند. در افراد با تحصیلات پایین می توان به مصاحبه شوندگان (زهرا و حسن) اشاره کرد. زهرا "شغل، عدم اعتیاد، خانواده، تناسب اعتقادی، اخلاقیات" را عنوان کرده است. در کل در دختران و پسران با تحصیلات پایین می توان گفت که ملاک هایی متفاوت از افراد تحصیل کرده دیده می شود. در دختران ملاک پایه (شغل)، ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و اعتیاد)، ملاک ارزشی - فرهنگی (تناسب اعتقادی) و در پسران هم می توان به ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک ارزشی - فرهنگی (تناسب اعتقادی) و ملاک شخصی (تعهد) اشاره کرد. هم چنین از تقابل های دوطیفی مهم اشاره شده توسط مصاحبه شوندگان در همسرگزینی، تقابل عشق و منطق است. و بر این اساس می توان گفت که هر کس بر اساس ویژگی شخصیتی که دارا است دست به انتخاب همسر می زند. افراد منطقی در انتخاب خود در پی حداکثر سود و منفعت هستند. مصاحبه شونده دیگر به نام (آرزو) بیان داشته که "شغل، خانواده" نشان دهنده همین

منطق ساده است. در مقابل افراد غیرمنطقی (عاشق) بر مبنای احساسات رفتار می کنند. مصاحبه شونده (غزل) از این دسته می باشد و "عشق" دارای اهمیت بسیار بوده است. در کل می توان گفت در افراد منطقی در دختران ملاک هایی از جمله ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و اعتیاد)، ملاک های شخصی (حسن خلق، تعهد و تفاهم)، ملاک های ارزشی فرهنگی (تناسب اعتقادی و فرهنگی و تناسب سنی) و ملاک پایه (شغل و امنیت داشتن) و در پسران که به صورت منطقی برخورد می کنند می توان به ملاک هایی از جمله ملاک فیزیکی (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک های شخصی (حسن خلق، تعهد و تفاهم)، ملاک های ارزشی فرهنگی (تناسب اعتقادی و فرهنگی و تناسب سنی) و ملاک پایه (شغل و امنیت داشتن) به عنوان عامل مداخله ای در انتخاب همسر می باشد. در افراد غیرمنطقی (دختران و پسران) اصلی ترین، ملاک فرایندی عشق بوده است. این افراد می خواهند، یک فرایندی عشق در آنها شکل بگیرد و در آخر نیز، منجر به ازدواج شود. ملاک های دیگر برای این افراد در انتخاب همسر، رنگ می بازد و دارای اهمیت و جایگاهی نیست.

از مهم ترین این تقابل ها که در پژوهش حاضر می توان به صورت الگو و مدل نیز ارائه کرد، تقابل جنسیتی می باشد. ملاک های دختران و پسران در همسرگزینی متفاوت و در صورت وجود معیار مشابه، آن معیار از شدت متفاوت برخوردار است. معیار قیافه و ظاهر در مصاحبه شونده (حسن) بسیار مورد توجه بوده است: "سلامت جسمانی، قیافه و ظاهر". در مصاحبه شونده (آرزو) و اکثر دختران به امنیت، بویژه امنیت شغلی و استقلال اهمیت داده اند و همین مقوله از جانب پسران، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکتا مصاحبه شونده دیگر در ارتباط با مقوله استقلال داشتن (مالی) بیان داشته است: "معیار استقلال داشتن"، هم چنین مصاحبه شونده (آسیه) "اعتماد بنفس، استقلال داشتن". در کل می توان گفت در دختران شغل و امنیت، معیار اولیه و مهمی محسوب می شود. در ملاک شخصی، تفاهم و اخلاق و در ملاک های فیزیکی، جذابیت قیافه و ظاهر و اعتیاد و در ملاک های ارزشی و فرهنگی، تناسب سنی و تناسب اعتقادی مهم می باشد. در پسران ملاک های فیزیکی مانند (سلامت جسمی و ظاهر)، ملاک های شخصی (تعهد

و حسن خلق) و بعد مالی می باشد



بحث و نتیجه گیری

آن چه در این جا بیش از همه، مورد اهتمام خواهد بود، مقایسه شباهت ها و تفاوت های نظریه تولید شده با دانش و نظریات پیشین است. قبل از آن یادآور می شویم که جستجو برای سؤال پژوهش، ما را با گستره ای از تحقیقات در زمینه معیارهای همسرگزینی روبه رو ساخت. پژوهش هایی که معیارهای متفاوتی از همسرگزینی را ارائه می دادند. در عین حال، با نظریات متفاوتی از اندیشمندان جامعه شناس و روان شناس مواجه بودیم. از گروه جامعه شناسان می توان از صاحب نظرانی مانند وبر و مرتن که توجه خود را به ساختارهای کلان و تأثیر بلا فصل آنها بر کنش افراد معطوف می نمودند و یا جامعه شناسانی چون هومنز و بلاو که بر نظریات خرد تأکید دارند، نام برد. از گروه روان شناسان نیز می توان به نظریات همسان همسری، نیازهای مکمل و نظریه انگیزش اشاره کرد. در این زمینه آن چه بیشتر مورد علاقه محققان بوده است، نظریات روان شناسی و نظریات خرد جامعه شناسی می باشد.

علاوه بر این، آن چه در اکثر تحقیقات تجربی اعم از داخلی و خارجی مشهود است، استفاده از نظریه هایی با پشتوانه روان شناسی بویژه همسان همسری است. بر این اساس، نتایج این پژوهش با نظریات همسان همسری در معیار تناسب اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ بوده و در عین حال، با نتایج پژوهش حیدری و دیگران (۱۳۸۷)، وکلدی و غفوریان (۱۳۸۷) که مهم ترین معیار را عوامل اجتماعی و فرهنگی دانسته اند، تناسب دارد. هم چنین ملاک امنیت اقتصادی و شغل به عنوان شرط مهمی بویژه برای دختران، با پژوهش حسن زادگان رودسری و سعیدی رضوانی (۱۳۷۲) که مهم ترین معیار را شغل می دانستند، همسو می باشد. نتایج این پژوهش همگام با تحقیق نصیرزاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۸) که مهم ترین انگیزه در انتخاب همسر در دختران را معیار احساس روانی (عاطفی) عنوان کرده نیز همخوانی دارد. هرچند نتایج این پژوهش نشان داده است که ملاک روابط عاطفی و احساسی در افراد (دختران و پسران) که ویژگی شخصیتی احساسی (غیرمنطقی) دارند، حائز بیشترین اهمیت و عامل علی می باشد.

اما نکته اصلی این پژوهش، در تقابل های دو طیفی است. به عنوان مثال، هر چند که در پیشینه های تجربی، معیار روابط عاطفی به عنوان معیار مهم انتخاب همسر می باشد، اما این نکته نیز مهم است که بدانیم برای فردی که درگیر روابط عاطفی است، این معیار تعیین کننده است، اما برای کسانی که در سمت دیگر درگیر روابط عاشقانه نبوده و شخصیت منطقی دارند، معیار تعیین کننده، مانند آن چه در مورد آرزو گفته شد، ممکن است، شغل باشد. یا هر چند در پژوهش های گذشته نصیرزاده و رسول زاده طباطبایی (۱۳۸۸)، به معیار مذهبی بودن اشاره شده است، اما ما به این معیار، به صورت تقابل مذهبی بودن و غیرمذهبی بودن پرداخته ایم، به گونه ای که افرادی که ارزش های دینی برای آنان درونی شده، از معیار مذهبی بودن و افراد غیردینی از معیار غیرمذهبی و امروزی، سود می جویند. هم چنین دسته بندی و اولویت بندی معیارهای همسرگزینی در تقابل جنسیتی (دختر و پسر) کاملاً مشهود است. در حالی که برای دختران، شغل ملاک پایه محسوب می شود، همین معیار برای پسران کمتر مورد توجه می باشد. هم چنین تقابل طبقاتی (طبقه بالا و طبقه پایین) عامل تعیین کننده دیگری است که در پژوهش های تجربی کمتر به آن پرداخته شده است. با این همه توانسته ایم که الگو و مدل خود را تنها بر اساس تقابل جنسیتی (دختر و پسر) به این شکل ارائه دهیم که در دختران عامل علی، امنیت داشتن، قیافه و ظاهر، تناسب خانوادگی، اعتیاد، تناسب اعتقادی و در پسران، قیافه و ظاهر، تناسب سنی، تناسب خانوادگی، تعهدداشتن، تناسب اعتقادی و بعدمالی بوده است. عوامل مداخله ای، احترام متقابل، درک کردن، منش رفتاری، استقلال داشتن، تناسب ارزش های اجتماعی و فرهنگی، سلامت جسمی، روابط عاطفی و احساس می باشد. از شرایط زمینه ای می توان به ارزش ها و اعتقادات خانواده، باورها و تجارب فرد، تحصیلات، شغل، منزلت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و ارزش های فرهنگی اشاره کرد. در زمینه مقوله هسته پژوهش، به تقابل های دوقطبی (تقابل طبقه اقتصادی، تقابل مذهبی و غیرمذهبی، تقابل جنسیت و تقابل ویژگی شخصیتی) دست یافته ایم. یافته ها نشان داده که ملاک های افراد بر حسب تقابل های دوقطبی، متمایز از هم می باشد. در تکمیل معیارهای همسرگزینی و برای برطرف کردن ابهامات، به

این نکته نیز پرداخته‌ایم که در حالی که هریک از کنشگران، دارای طیف وسیعی از معیارهای انتخاب همسر بوده‌اند، این مجموعه از معیارها را چگونه اولویت‌بندی می‌کنند و عامل تعیین‌کننده و نهایی آنان کدام معیار است؟ چینی‌ها این معیارها در موارد و مصاحبه‌شوندگان گوناگون چگونه خواهد بود؟ و آیا کنشگران ممکن است از یک معیار به خاطر معیار دیگر صرف‌نظر کنند؟ از این رو، با بررسی مکرر داده‌ها و کسب یافته‌های جدید از آن دریافتیم که کنشگران، در هر مورد به چینی‌ها جدیدی از معیارها به محاسبه عقلانی (سود و زیان) پرداخته و تلاش می‌کنند با انتخابی عقلانی، حداکثر منافع خود را حفظ کنند. این سود و زیان می‌تواند منافع مادی یا غیرمادی باشد. طبیعی است که افزایش سن بویژه در دختران، تغییر شرایط شغلی، وضعیت اقتصادی، تغییر موقعیت اجتماعی در جهت مثبت یا منفی، این قاعده منطقی را تغییر می‌دهد.

منابع

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. مترجم ابراهیم افشار. تهران: نشرنی.
- آنجلس، باربارا (۱۹۹۴). آیا تو آن گمشده/م هستی. ترجمه هادی ابراهیمی. تهران: نسل نواندیش.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی نظری. تهران: بهمن؛ برنا.
- حسن‌زادگان رودسری، ماهرخ؛ سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۲). "مقایسه دیدگاه‌های دختران و پسران دانشجو درباره همسرگزینی و ازدواج". رشد آموزش علوم/اجتماعی، دوره ۵، ش ۱۷: ۳۸-۴۹.
- حیدری، جبار، و دیگران (۱۳۸۷). "معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی مازندران". پژوهش پرستاری/ایران، سال سوم، ش ۱۱: ۵۴-۶۲.
- شهریار، صدیقه (۱۳۸۱). بررسی معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه بانوان دانشجوی پیام نور/اردستان. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- شیرنژاد، حسین علی (۱۳۸۳). "بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و همسرگزینی". پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فینچام، فرانکدی؛ برادبری. توماسان (۱۳۹۰). *روانشناسی ازدواج*. مترجمین جواد خلعتبری و دیگران. تهران: ساد.
- کلدی، علیرضا؛ غفوریان، مریم (۱۳۸۷). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر معیارهای همسرگزینی". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال اول، ش اول: ۱۵۵-۱۷۲.
- کوئن، بروس (۱۳۷۹). *مبانی جامعه شناسی*. ترجمه غلام عباس توسلی. تهران: سمت.
- نصیرزاده، راضیه؛ رسول زاده طباطبائی، کاظم (۱۳۸۸). "معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه های تهران". *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال یازدهم، شماره پیاپی ۴۱، ش ۱: ۴۱-۵۰.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل ها، بررسی نظری و تجربی*. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Cox, W. M.; Klinger, E. (2002). "Motivational structure": Relationships with substance use and processes of change". *Addictive Behaviors*, Vol. 27: 925-940.
- Eshleman, J. Ross (1988). *The family an Introduction*. Aiiynand Bacod, Inc.
- Glasser, W. (2000). *Counseling with Choice Theory: The New Reality*.
- Heider, F. (1958). *The Psychology of Interpersonal Relations* New York: John Wiley & sons, Inc.p.126.
- Udri, Richard (1966). *The social context of Marriage*. New York: J. B. Lippincott Company.

بررسی تطبیقی نگاره بزکوهی در سنگ نگاره های شرق و غرب ایران (مطالعه ی موردی: سربیشه و اورامان)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۷

حمیدرضا قربانی^۱

سارا صادقی^۲

چکیده

تصویر بزکوهی در هنر ایران، از دیرباز نقش بسیار مهمی داشته و نگاره های آن از دوره های پیش از تاریخ در نقوش غارها، سنگ های حجاری شده، ظروف سفالی و فلزی بسیار دیده شده است. این نقش بر روی برخی آثار باستانی، حامل ارزش ها و نشانه هایی است که بر اساس باورها و اعتقادات بشر کهن، در چارچوب این آثار نمود یافته اند. یکی از این آثار، سنگ نگاره ها هستند. لذا در تحقیق حاضر نگاره بزکوهی در سنگ نگاره های شرق (سنگ نگاره های سربیشه) و غرب ایران (سنگ نگاره های اورامان) انتخاب و به بررسی تطبیقی این نگاره در دو حوزه شرق و غرب ایران پرداخته شده است. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و تطبیقی است و جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و روش میدانی به بررسی نمادشناسی نگاره بزکوهی پیش رفته است. با بررسی تطبیقی نقوش انجام گرفته از منظر روش و فناوری نتایج زیر حاصل شد: به لحاظ روش و شیوه کار هر دو حوزه منتخب ما از نوع پتروگلیف (کنده کاری)، بوده است. نقوش براساس نوع موضوعات به چهار گروه تقسیم شده است که دربرگیرنده موضوعاتی هم چون نقش بزهای کوهی در چرا، نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه، نقش بز همراه با نقوش نمادین و نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوش نامعلوم است. نتایج تحقیق نشان می دهد این نقش در هر دو حوزه فرهنگی طی قرن ها نمادی از نیروی زندگی، باروری و نگهداری درخت زندگی به شمار می آمد. در نهایت دلیل نقر نگاره بزکوهی در هر دو محوطه، دو دلیل مذهبی و غیر مذهبی دارد

که ارتباط مستقیمی با زندگی، معاش، اقلیم، آداب و رسوم، باورهای گذشته و پیوستگی قوی میان نقوش صخره‌ای با مسیرهای کوچ نشینان دارد.

واژگان کلیدی: نگاره بزکوهی، سنگ نگاره‌ها، سربیشه، اورامان.

مقدمه

نگاره‌های سنگی قدیمی‌ترین کتاب اولیه بشر است که بر آن علائق، سلايق و اعتقادات خود را ثبت نموده است. حدود ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نقش بر دل کوه‌ها و غارها حجاری شده است که به جرأت می‌توان گفت فراوان‌ترین نقش یافته شده در سنگ نگاره‌ها^۱ بزکوهی، بویژه بزکوهی نر، با شاخ‌های بزرگ و کشیده به سبک‌های گوناگون است که در غالب صحنه‌ها خودنمایی می‌کند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۳۰). نقش بزکوهی به عنوان نمادی از ماه و باران بیش از حیوانات دیگر مانند گوسفند، اسب، گوزن و شیر برای مردمان گذشته ایران اهمیت داشته و فراوانی آن، نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات آن‌ها است. این نقش بر روی سنگ نگاره‌ها نشان دهنده اهمیت حیاتی این حیوان در معاش و گذران زندگی ایرانیان باستان بوده است. براین اساس، می‌توان گفت برخی پدیده‌های هنری، از شرایط اجتماعی نحوه زندگی و معاش مردم دوران باستان خود متأثر بوده و نشان‌گر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده آن می‌باشد (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷). پژوهش حاضر نیز، با هدف بررسی تطبیقی نقش مایه بزکوهی بر روی سنگ نگاره‌های سربیشه در شرق ایران و اورامان در غرب ایران در پی دستیابی به نمادشناسی این نگاره است. دلیل انتخاب این دو محوطه به جهت اهمیت بالای نقوش و نگاره‌های این دو محوطه و شباهت نزدیک نگاره بزکوهی از منظر موضوعات نگاره، اشاره به بومی بودن نقش، تأثیر اقلیم و اعتقادات دو محوطه بر ترسیم نگاره بزکوهی است.

۱. نقوش و نگاره‌های ایجاد شده بر صخره‌ها و سنگ‌ها را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد: ۱. پتروگلیف یا کنده نگاره، به معنی ایجاد تغییر در سنگ شامل بریدن، کنده‌گری، حک و نقر، شکاف دادن‌ها، ساییش‌ها و ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، تراشیدن و سوزنی‌ها، سیاه و غیره. ۲. پیکتوگراف یا رنگین نگاره، به معنی افزودن هر نوع رنگ یا ماده به سنگ شامل طراحی و نقاشی با رنگ، ذغال، دوده و غیره است و شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ، استنسیل یا گرده‌برداری، چاپ و نگاره‌های موم‌اندود است. ۳. ژئوگلیف، شامل برجستگی‌ها و پدیده‌های طبیعی زمین که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است، اعم از هنر یا آیین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (کریمی، ۱۳۸۶: ۲۱).

اهداف اصلی تحقیق:

۱. بررسی نقش مایه بزکوهی (از حیث ریخت شناسی نگاره، روش نقوش، ارتباط نقوش با مسیر کاروانیان)، بر سنگ نگاره های شرق و غرب ایران.
۲. دستیابی به نمادشناسی نگاره بزکوهی در دو حوزه فرهنگی ایران.

بیان مسأله

در میان اقوام متمدن، سرزمین ایران و هنر این مرز و بوم، ویژگی های خاص خود را داشته و از مفهومی نمادین، عمیق و تزیینی برخوردار بوده است که نشانه فرهنگ و عقاید ایرانیان باستان است. در این میان، نقوش جانوران قابل بررسی است که زندگی مرموز و ویژه خود را داشتند. مردم ایران باستان غالباً از شکار حیوانات شادمانند غزال، بزکوهی، گوسفند و گاو امرار معاش می کردند. قبلاً بز را اهلی کرده بودند و آن را بیشتر به مصرف قربانی می رساندند و از گوشت و پوست آن نیز استفاده می کردند. ظاهراً نخستین نمونه اهلی کردن حیوان خوراکی، بز می باشد (عرب، ۱۳۸۵: ۴۶). همین حاکی از تقدس و جایگاه این چهارپا در میان اقوام ایران باستان است. نقش بز یکی از کهن ترین و رایج ترین نقوش مورد استفاده جوامع پیش از تاریخ و دوران تاریخ باستان بوده است که سابقه آن به دوران غارنشینی می رسد. نقش بز چه به صورت ساه و چه به صورت بالدار، در هنر برنزکاری لرستان مورد استفاده بوده و در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود از نظر شکل های مختلف می رسد (ریاضی، ۱۳۸۲: ۶۳). لذا با توجه به شرایط خاص جغرافیایی فلات ایران و شیوه زندگی مردم این منطقه، این نگاره از دیرباز مورد توجه هنرمندان و صنعتگران بوده و به عنوان موجودی به لحاظ ویژگی های مختلف، نماد نیرو، زندگی، خالق انرژی، نگهبان درخت زندگی و غیره بوده است. بنابراین، نگارندگان در این پژوهش، به دلیل اهمیتی که این حیوان در گذشته داشته به بررسی نگاره بزکوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران برای دستیابی به نمادشناسی این نقش در آثار هنری ایران باستان پرداخته اند.

پیشینه تحقیق

مطالعاتی که تاکنون درباره نقش مایه بزکوهی بر سنگ نگاره های ایران انجام شده بیشتر از دیدگاه بررسی و معرفی نگاره این حیوان، در محوطه مورد مطالعه است و از منظر ریخت شناسی، نمادشناسی نگاره و مقایسه تطبیقی به ندرت در دو حوزه متفاوت به این نگاره توجه شده است.

پژوهش های صورت گرفته در سربیشه برای اولین بار در تابستان ۱۳۹۲، تحت عنوان پروژه پژوهشی باستان شناسی - انسان شناسی سنگ نگاره های خراسان جنوبی، توسط حمیدرضا قربانی انجام گرفت که گزارش مقدماتی آن در آرشو سازمان میراث فرهنگی خراسان جنوبی موجود است. در این گزارش بیشتر به بررسی نقوش و معرفی نگاره ها پرداخته شده است.

پژوهش های صورت گرفته در غرب ایران در خصوص نقوش صخره ای اورامان، برای نخستین بار توسط جمال لحافیان (۱۳۷۹-۱۳۸۰) مورد بررسی قرار گرفت. در سال ۱۳۸۳ مارسل اوت^۱ از دانشگاه لیژ بلژیک، فریدون بیگلری از بخش پژوهش های پارینه سنگی موزه ملی ایران و اقبال عزیزی کارشناس باستان شنایی میراث فرهنگی کردستان از نقوش بردمیر و مرتاش که در نزدیکی روستای درکی ناحیه اورامانات قرار دارد، دیدن کردند (طاهر قسیمی ۱۳۸۶: ۷۱) گزارش بررسی نقوش صخره ای در منطقه اورامان را در سال ۱۳۸۶ در نشریه پژوهش های باستان شناسی منتشر کرد. وی در گزارش خود، بیشتر به معرفی نگاره های موجود در این منطقه پرداخته است. براین اساس، برای دستیابی به اطلاعات منسجم تر، نیازمند پژوهش های بیشتری در این زمینه هستیم. لذا در این پژوهش، ابتدا نقوش براساس موضوعات مختلف نگاره، مورد بررسی قرار گرفته، سپس به نمادشناسی نگاره پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و تطبیقی و روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. روش میدانی، به صورت پژوهش‌های باستان‌شناسی (نمادشناسی و انسان‌شناسی نگاره‌های نقر شده) انجام شده است. در فعالیت‌های میدانی منطقه که در شرق ایران (سربیشه) صورت گرفته است سنگ نگاره‌های بیژانم، تنگل اُستاد، دامداده، ماخونیک، رامنگان ۱ و رامنگان ۲ مورد بررسی قرار گرفت. در روش مطالعات کتابخانه‌ای، نقوش غرب ایران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت و در نهایت نقوش هر دو محوطه، برای دستیابی به نمادشناسی نگاره بزکوهی بر اساس موضوعات مختلف، این نقش مایه مورد تحلیل واقع شده است.

یافته های پژوهش

در منطقه جغرافیایی این پژوهش، یعنی سربیشه و اورامان، مجموعاً ۱۴ محوطه مورد بررسی قرار گرفت. در این ۱۴ محوطه، صدها نقش و نگاره اعم از نقوش انسانی، حیوانی (شیر، بز، اسب، شتر و غیره)، نمادین (صلیب شکسته، دایره، نعل اسب و غیره)، ابزارآلات (چوب، تفنگ، تیر و کمان و غیره)، گیاهی، اجرام و کتیبه‌هایی بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها نقر شده‌اند. اما محوطه‌هایی که دارای نگاره بزکوهی هستند در سربیشه؛ می‌توان به سنگ نگاره بیژانم، سنگ نگاره تنگل اُستاد، سنگ نگاره ماخونیک، سنگ نگاره رامنگان ۱ و رامنگان ۲ و در اورامان می‌توان به دو مجموعه نقش در اورامان تخت، سورن، پناهگاه صخره‌ای بردمیر، نقوش صخره‌ای بن قلا، پناهگاه مرتاش، نقوش صخره‌ای مرنخش و نقوش صخره‌ای رنگاورژیل اشاره کرد.

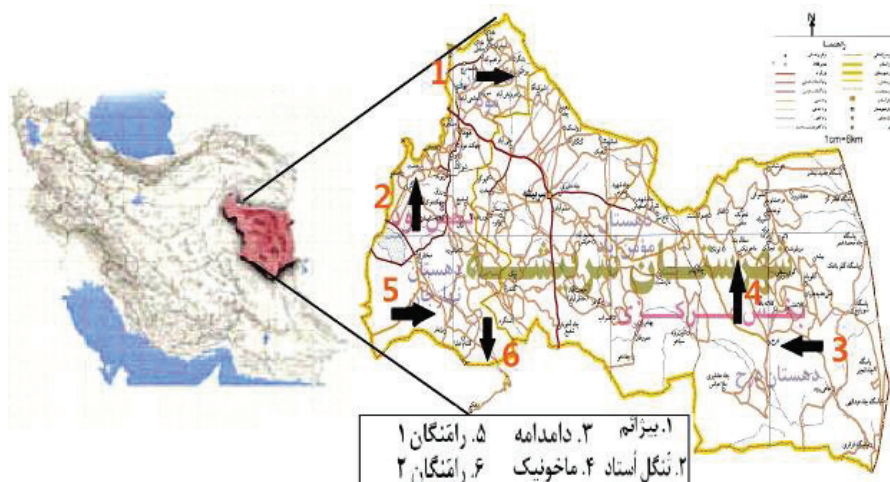
حوزه ی مورد مطالعه

شرق ایران (سربیشه)

شهرستان سربیشه به مرکزیت شهر سربیشه یکی از شهرستان های استان خراسان جنوبی است این شهر در شرق این استان واقع شده است. که در مختصات $۱۳^{\circ} ۵۹'$ تا $۱۳^{\circ} ۶۰'$ طول جغرافیایی و $۳۲^{\circ} ۰۳'$ تا $۳۲^{\circ} ۵۶'$ عرض جغرافیایی واقع شده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۳). سربیشه در دشتی به ارتفاع ۱۸۲۰ متر از سطح دریا واقع گردیده و به دلیل سردی هوای منطقه به آن "سربیشه" می گفته اند که بعدها به سربیشه مشهور شده است (هاشمی زاده، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۷). در شهرستان سربیشه ناهمواری های متعددی وجود دارد ولی کوه های این شهرستان از ارتفاع چندانی برخوردار نیستند، اما از نظر تعداد و گسترش، چهره ناهمواری به شهرستان می دهند به طوری که ارتفاعات شمال غربی شهرستان با جهت شمال غرب به جنوب شرق با ارتفاعی در حدود ۲۶۰۰ متر، محدوده شهرستان سربیشه را با شهرستان درمیان مشخص می کند که بلندترین نقطه شهرستان، کوه بندر با ارتفاع ۲۷۸۲ متر در این محل واقع شده است. ارتفاعات غربی شهرستان سربیشه به موازات کوه های شمال غرب با ارتفاع ۲۵۰۰ متر، محدوده شهرستان را با شهرستان بیرجند مشخص می کند که توسط دشت سربیشه از یکدیگر مجزا شده اند. مجموعه های فوق الذکر از نظر توپوگرافی در قسمت بالادست دره ای رودخانه بیرجند قرار گرفته اند. این رودخانه با جهت شرقی- غربی جریان دارد، فصلی بوده و شاخه ای از رودخانه شور را شامل می شود. وجود رشته کوه های کم ارتفاع سنجان در جنوب غرب دهستان مود، حوضه آبریز رودخانه علی آباد در منطقه سربیشه را از حوضه آبریز رودخانه بیرجند مجزا می کند. در سمت شرق شهرستان ارتفاع کوه ها کمتر شده تا این که با دامنه هایی با شیب ملایم به دشت ناز با ارتفاع ۱۳۰۰ متر می رسد. رشته کوه های شرقی شهرستان با جهت شمال شرق- جنوب شرق با ارتفاعی در حدود ۲۰۰۰ متر، نواحی دهستان دُرح را دربرمی گیرد که دامنه های شرقی این ارتفاعات با شیب ملایم به کشور افغانستان منتهی می گردد. از ویژگی های دره های شهرستان، گستردگی و عرض زیاد آن ها است

که فاقد فرورفتگی های عمیق می باشند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۳، ۴۹).

به نقل از آیتی بیرجندی در کتاب بهارستان، سربیشه شهری است قدیمی که قبل از اسلام، مردم آن زرتشتی بوده اند و در کتاب نزهه القلوب اثر حمدالله مستوفی نیز از آن یاد شده است. در کتاب معجم البلدان از سربیشه و مؤمن آباد و نهارجان اسم برده شده و بنا به اطلاع کسب شده از معتمدین و بزرگان محل، حدود ۱۵ قرن بر این شهر می گذرد. سربیشه در گذشته به مؤمن آباد مشهور بوده و مردم آن مؤمن، معتقد و پای بند به اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم دینی بوده و هستند و هم اینک نیز یکی از دهستان های آن، مؤمن آباد می باشد (هاشمی زاده، ۱۳۸۵: ۱۷). شهرستان سربیشه در نواحی کوهستانی، آب و هوای نیمه خشک و در دشت ها و زمین های هموار، آب و هوای خشکی دارد. این شهرستان از نظر آب و هوایی جزء ناحیه کوهپایه ای داخلی ایران محسوب می شود که کوهپایه های داخلی سلسله جبال البرز و زاگرس در اطراف چاله های مرکزی، ناحیه کوهپایه ای داخلی را تشکیل می دهند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۶-۷). در طی بررسی های باستان شناختی در شهرستان سربیشه، شش منطقه مورد بررسی قرار گرفت که شامل سنگ نگاره های بیژائم (تصویر ۱)، تنگل استاد (تصویر ۲)، دامدانه (تصویر ۳)، ماخونیک (تصویر ۴)، رامنگان ۱ (تصویر ۵) و رامنگان ۲ (تصویر ۶) است (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) (نقشه ۱). قابل ذکر است که در میان محوطه های بررسی شده ی سربیشه، در محوطه ی دامدانه هیچ نگاره ای حیوانی یافت نشد و نقوش نقر شده دربرگیرنده ی نقوش نمادین و کتیبه هایی مربوط به دوران اسلامی را شامل می شود.



نقشه ۱) پراکنش نقوش صخره ای در سربیشه (قربانی، ۱۳۹۲: ۲۶۱)



تصویر ۲). نمایی از صخره محوطه تنگل اُستاد

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۲)



تصویر ۱) نمایی از صخره محوطه بیژانم

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۰۹)



تصویر ۴) نمایی از صخره محوطه ماخونیک
(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)



تصویر ۳) نمایی از صخره محوطه دامداده
(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸)



تصویر ۶) نمایی از صخره محوطه رامنگان ۲
(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

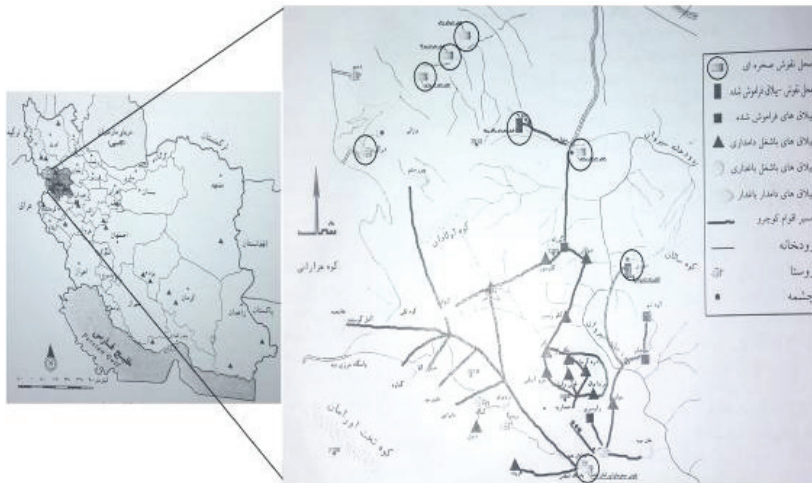


تصویر ۵) نمایی از صخره محوطه رامنگان ۱
(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

غرب ایران (اورامان)

منطقه ی اورامان در جنوب غربی استان کردستان و در جنوب مریوان واقع شده است. کوهستان های سنگی مرتفع با دره های عمیق و تنگ، مشخصه ی ناهمواری های این منطقه است. در این منطقه اختلاف بین قلّه ی کوه و قعر درّه بسیار زیاد است. کوه اورامان تخت با ارتفاع ۲۷۰۰ متر و رودخانه ی سیروان با ارتفاع ۹۰۰ متر بیشترین و کمترین ارتفاع را از سطح دریا دارند. منطقه از لحاظ مطالعات باستان شناسی و

مردم‌نگاری، با اهمیت است. از دلایل این امر می‌توان به شیوه‌ی زندگی مردمان این ناحیه اشاره نمود که به روش کوچ عمودی و نیمه کوچ‌روی انجام می‌شود. ارتفاع زیاد از سطح دریا، پایین بودن دمای سالانه و پراکندگی مراتع از جمله عواملی است که موجب غلبه‌ی شیوه‌ی زندگی نیمه کوچ‌روی در منطقه شده است. این شیوه‌ی زندگی در زاگرس به ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد و پس از تغییرات ناگهانی آب و هوا برمی‌گردد که باعث افزایش رطوبت در این منطقه شده است. قراین تاریخی و علمی نشان می‌دهد که در منطقه‌ی جنوب کردستان، از پایان دوره‌ی پلیستوسن^۱ اکنون در برخی نقاط از جمله اطراف مریوان، هوا مرطوب تر شده است. منطقه‌ی مورد بررسی تا ۱۴۸۰۰ سال پیش علفزار بوده است که به تدریج با افزایش رطوبت محیط، تبدیل به بیشه‌هایی از درختچه‌ها و درختان کوچک و در حدود ۵۵۰۰ سال پیش به جنگل‌های بلوط غرب، بلوط زاگرس و بلوط ایرانی تبدیل شده است (طباطبایی و قصریانی، ۱۳۷۱: ۱۴۷-۱۴۸). بررسی و مطالعات انجام شده در منطقه‌ی اورامان منجر به هشت منطقه از مجموعه‌های نقوش صخره‌ای در منطقه گردید. مناطق مورد بررسی در منطقه‌ی اورامان شامل محوطه‌های اورامان تخت (دو محوطه)، سورن، پناهگاه صخره‌ای بردمیر، نقوش صخره‌ای بن قلا، پناهگاه مرتاش، نقوش صخره‌ای مرنخش و نقوش صخره‌ای رنگاورزیله است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۱) (نقشه ۲).



نقشه ۲) پراکنش نقوش صخره ای در اورامان (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۴)

موضوعات نگاره های حاصل از پژوهش

در میان نگاره های کشف شده بر روی سنگ ها و صخره ها، نقش بزکوهی به صورت تکی و همراه با دیگر نگاره ها نقر شده است. آثار یاد شده مجموعاً در موضوعات زیر دسته بندی شده اند:

- ۱) نقش بزهای کوهی در چرا؛ ۲) نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه؛
- ۳) نقش بز همراه با نقوش نمادین و ۴) نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم. در ادامه پژوهش، به بررسی نقوش پرداخته شده است (جدول ۱).

جدول ۱) بررسی نقوش از منظر موضوعات نگاره بز کوهی

موضوعات نگاره ها		
غرب ایران	شرق ایران	
P	P	۱. نقش بزهای کوهی در چرا
P	P	۲. نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه
P	P	۳. نقش بز همراه با نقوش نمادین
P	P	۴. نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم

۱- نقش بزهای کوهی در چراگاه

در نگاره‌های جانوری این دو حوزه، تنوع چشمگیری در سبک کار و موضوعات نگاره وجود دارد. یکی از این موضوعات نقش بزهای کوهی در چراگاه است (تصاویر ۷، ۸ و ۹). نقش بزهای کوهی در چراگاه در هشت محوطه کشف شده است. هنرمند برای ایجاد هر طرح، قاعده معینی را در نظر گرفته و به دلخواه و میل باطنی خود آن را نقش نموده است. نقش‌ها به صورت گروهی به نمایش درآمده‌اند که شاید نشانه‌ای برای نشان دادن گله و رمه‌ای در چراگاه باشد. نقش بزها در اکثر محوطه‌ها بسیار ساده و به دور از هرگونه تزیینی نقر شده‌اند. بر پشت بعضی از نقوش حیوانی (بز)، زائده‌ای نقر شده است. در برخی از نقوش می‌توان دید که به دلیل گذشت زمان و آسیب دیدگی سنگ، نقوش نیز آسیب دیده است (جدول ۲). در خصوص روش نقر، تمام نقوش به سبک پتروگلیف و کنده کاری نقر شده است.



تصویر ۷) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره بیژانم (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

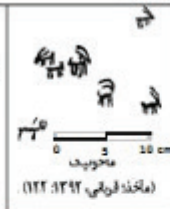
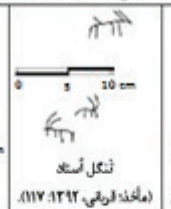


تصویر ۸) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره ماخونیک (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)



تصویر ۹) نقش بزهای کوهی در چراگاه در سنگ نگاره رامنگان ۱ (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

جدول ۲) بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در سربیشه و اورامان					
					شرق ایران (سربیشه)
رامنگان ۱ (مآخذ: قریبی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)	محوپد (مآخذ: قریبی، ۱۳۹۲: ۱۲۴)	نگل آستاد (مآخذ: قریبی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)	نگل آستاد (مآخذ: قریبی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)	بیژم (مآخذ: قریبی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)	
			غرب ایران (اورامان)		
پره‌پور (Lahafian, 2004: 5).	زانگورانه (مآخذ: قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۶)	اورامان تخت (مآخذ: قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵)			

۲- نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه

یکی از موضوعاتی که مربوط به نگاره بزکوهی است نقش این حیوان، همراه با نقوش انسانی است که در شکارگاه و در حال نبرد است. این نقوش در اورامان در میان انبوهی از نگاره‌های انسانی، حیوانی، نمادین و غیره کشف شد. در محوطه بن قلا ۲ به تصویر کشیدن صحنه شکارگاه و محاصره شدن توسط شکارچیان در آبشخور یا گذرگاه است که تصویر سه بزکوهی است که در میان دو شکارگر به دام افتاده‌اند و شکارگران از دو طرف به بزهای کوهی حمله کرده‌اند (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۷). صحنه به دام افتادن نگاره بزکوهی در رامنگان ۱ توسط سوارکار نیز یادآور صحنه شکار و شکارگاه است (تصویر ۱۰). یکی دیگر از صحنه‌های شکار در محوطه مرتاش است که تصویر سه اسب سوار در حال حرکت دیده می‌شود و برخلاف حرکت اسب، اسب سواران روی خود را به عقب برگردانده‌اند، در حالی که تیر و کمانی را که در دست دارند، در حال تیراندازی هستند و در قسمت پایین صحنه نیز نقش بزهای کوهی را در صحنه شکارگاه نشانگر است. همان طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های سواران اشکانی، مهارتی بود که در تیرانداختن داشتند، به طوری که حتی در حالت تاخت از روی زمین به عقب برمی‌گشتند و به سوی

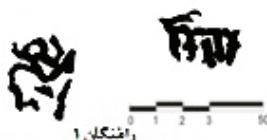
دشمن تیراندازی می کردند. با آن که این رسم قیقاج زدن، از قدیم میان سکاییان رایج بود چنان که از نقوش آنان بر روی سفال های یونانی برمی آید (شاپورشهبازی، ۱۳۷۶: ۳۵). این حالت تیراندازی بر روی اشیاء سیمین و زرینی از دوره های اشکانی و ساسانی به دست آمده، مشاهده شده است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۸۰). در محوطه ی سورن (کوسالان) نقوش در دو دسته ی انسانی و حیوانی طبقه بندی شده است که موضوع این صحنه به تصویر کشیدن شکارگاه است (جدول ۳). در خصوص روش نقر، تمام نقوش به سبک پتروگلیف و کنده کاری نقر شده است.



تصویر ۱۰) نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه در سنگ نگاره رامنگان ۱

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

جدول ۳) بررسی نقش بزهای کوهی در چراگاه در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش انسانی در حال شکارگاه در سریش و اورامان			
 رامنگان ۱ (مآخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).			شرق ایران (سریش)
 سورن (گوسالان) (Lahafian, 2013: 333).	 مرنانش (مآخذ: لسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵).	 بن فلاي ۲ (مآخذ: لسیمی، ۱۳۸۶: ۷۵).	غرب ایران (اورامان)

۳- نقش بز کوهی همراه با نقوش نمادین

از دیگر نقوش یافت شده نگاره بزکوهی، در ترکیب با نقوش نمادین است. این نقش در دو محوطه رامنگان ۲ و مرنخش به سبک پتروگلیف یافت شده است. در رامنگان ۲ نقش بزکوهی به سمت راست کشیده شده که شکلی هندسی داخل شاخ بز ترسیم شده است (تصویر ۱۱). بر روی بسیاری از ظروف سفالین دوران پیش از تاریخ هم چون سفال های مکشوفه از شوش (هزاره ی پنجم ق. م)، تپه حصار، تپه سیلک، تل باکون و دیگر اماکن پیش از تاریخ در زیر انحنای شاخ های بزرگ و اغراق آمیز، نشانه ی چلیپا شکسته، چلیپا و یا نشانه دایره خورشید ارائه شده است (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۲۹) (طرح ۱). از طرفی می دانیم که بز کوهی نزد برخی اقوام باستانی، مظهر یکی از عوامل سودرسان طبیعت، یعنی خورشید و به عنوان نمادی از آن معرفی شده است (همان: ۲۹). در محوطه مرنخش نقشی نمادین به صورت دایره نقر شده است و یک بز کوهی در وسط نقوش نمادین ترسیم شده است. این نقش نمادین شبیه به چرخ است. «چرخ در یونان باستان و شرق، نماد خورشید بود که از قرص خورشیدی پیشین تکامل یافته بود. پره های آن عبارت بود

از پرتوهای خورشید و گردش آن حاکی از مسیر خورشید در عرض آسمان بوده است» (هال، ۱۳۹۰: ۱۳۳). به این ترتیب، ارائه این دو نقش به تنهایی و یا به صورت ترکیبی از هردو، از ریشه های فرهنگی کهن و سابقه ای دیرینه برخوردار است (جدول ۴).



تصویر ۱۱) نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در شکارگاه در سنگ نگاره رامنگان ۲

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

جدول ۴) بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزکوهی همراه با نقوش نمادین در سریشه و اورامان  رامنگان ۲ (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).	شرق ایران (سریشه)
 مزنخش (Lahafian, 2004: 5).	غرب ایران (اورامان)



طرح (۱) نقوش حیوانی همراه با نقوش نمادین بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران
(بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۴)

۴- نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم

در میان نقوش، نقش بزهای کوهی همراه با نقوش حیوانی (اسب، پرنده و گراز) و حیواناتی نامعلوم و تعدادی نقوش نامشخص که به دلیل فرسایش سنگ، نقش نیز آسیب دیده، نقر شده است. این نقوش در دو محوطه‌ی تنگل اُستاد (تصویر ۱۲) و سورن (کوسالان) یافت شده است. این نقوش از نظر سبک پتروگلیف (کوبشی) و از نظر روش، اکثراً تک خطی هستند. در محوطه‌ی سورن (کوسالان) تصویر گرازی در حال حرکت دیده می‌شود که در میان آن، بزکوهی به سبک پتروگلیف (کوبشی) ترسیم شده است (جدول ۵).



تصویر ۱۲) نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در سنگ نگاره تنگل اُستاد

(قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

جدول ۵) بررسی نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم در سریپشه و اورامان		
 تنگل آستاد (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).	 تنگل آستاد (مأخذ: قریانی، ۱۳۹۲: ۱۱۷).	شرق ایران (سریپشه)
 سورن (کوسالان) (مأخذ: قسیمي، ۱۳۸۶: ۷۵).		غرب ایران (اورامان)

بحث و تحلیل

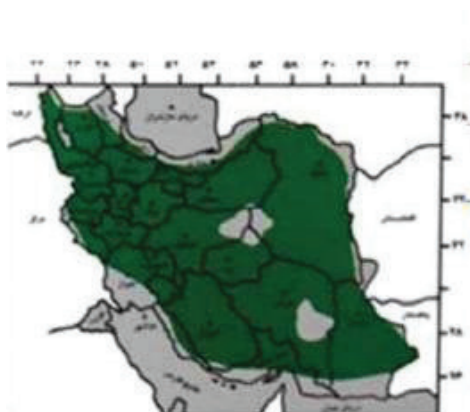
۱- نمادشناسی نگاره بزکوهی

بز، از نخستین جانورانی است که یازده هزار سال پیش در کوهپایه‌های زاگرس به دست انسان اهلی گردیده است (Zeder, 2008: 12). بز حیوانی است که تمام شرایط فوق را دارا بوده و احتمالاً از نخستین جانورانی است که در انقلاب نوسنگی به دست انسان اهلی گردید. بز می‌تواند در مناطق کوهستانی و تپه‌ماهورها به راحتی به سر ببرد

و مناطق نسبتاً خشک را نیز تحمل کند. پرورش این حیوان به منظور استفاده از گوشت آن، در سراسر ادوار فرهنگی پیش از تاریخ ایلام (دوره سبز، محمد جعفر) رواج داشته و بیشترین استخوان های به دست آمده، متعلق به بزهای جوان است که آن ها را در سنین پایین ذبح می کردند. نیایشگران ایلامی اغلب هنگام حضور در معابد، حیوانی مانند بز را به عنوان قربانی تقدیم خدا یا الهه می کردند. این حیوانات در معابد و زیگورات ها در مکان هایی که به این منظور ساخته شده بود، طی مراسمی سربریده می شد. هدف از پیش کش نمودن این قربانی ها، رفع بلایا و رسیدن به حاجات پیش کش دهنده بود (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۵۳، ۱۷۳). طرح های ترسیم شده توسط ایرانیان به خصوص نقش حیوان ملی ایران - بز کوهی - روح سادگی و دقت را به همگان القا می کند. این طرح ها و نقوش در آسیا منحصر به فرد هستند. انسان اولیه در وحشت و اضطراب دائمی به سر می برد. او از نیروی شیطان می ترسید و محرکی می خواست تا از او در برابر این نیروی جادویی محافظت کند. به همین دلیل، متوسل شد به انواع طلسم، تعویذ، افسون و نیز ارواح محافظ و تا سر حد پرستش آن ها نیز پیش رفت. مطالعه در مصنوعات ما قبل تاریخی انسان، به ما کمک می کند تا به میزان علاقه او در نشان دادن و معرفی آن چه که به عنوان خدا می پرستیده، پی ببریم. به عنوان مثال، نقاشی خورشید و حیوانات مرتبط با آن مانند "عقاب، شیر، گاو، گوزن و بز کوهی" در آثار سفالی که به هزاره ی چهارم پیش از میلاد برمی گردد، دیده می شود. مردم، به خصوص در قبایل "کاسی" لرستان، گردن بندهایی با آویز بز کوهی داشتند. این مردمان، به یک مدافع (محافظ) نیاز داشتند؛ چرا که از دیرباز معتقد بودند که طوفان، سیل، حیوانات وحشی و حتی انسان های دیگر، خانه ی او، احشام و محصولاتش را تهدید می کنند. لذا چون می خواستند در امان باشند، شروع کردند به پرستش الهه گان یا اشیاء و حیواناتی که در نظر آنان همانند خدایان بودند. گاهی اوقات فقط یکی از اعضای بدن حیوانات روی سفال ها حک می شد. مثلاً در سفال هایی که بین دوران ۳۰۰ تا ۴۰۰ پیش از میلاد ساخته شده اند، طرح هایی از شاخ گاو، گوزن و بز کوهی و یا بال و چنگال پرندگان، به همراه نقوش هندسی به چشم می خورد. هر یک از اقوام باستانی، بز کوهی را مظهر یکی

از، عناصر مفید طبیعت در نظر می گرفتند. مثلاً در لرستان، سمبل خورشید و گاهی اوقات هم نمادی از باران است؛ چرا که در آن زمان ماه را مرتبط با باران و خورشید را مربوط به گرما و خشکی می دانستند. هم چنین بین بز کوهی با آن شاخ های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه ای وجود داشت. به همین علت بود که اعتقاد داشتند شاخ های قوسی شکل بز کوهی می تواند باعث بارش باران شود. در شوش و عیلام باستان، بز کوهی سمبلی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی بود. در بین النهرین، بز به عنوان مظهری از خوی حیوانی "خدای بزرگ" برشمرده می شد. انسان های ماقبل تاریخ، مهارتی خارق العاده در ساخت ظروف سفالی داشتند. آن ها بهترین نوع ظروف سفالی را با استفاده از چرخ سفالگری و دست می ساختند. در برخی از این کارهای هنری، جنبه های گوناگونی از زندگی خود را به نمایش گذارده اند؛ مانند مذهب، اخلاق و هنر. با مطالعه این مصنوعات است که ما به روابط بین تمدن های مختلف پی می بریم. انسان باستان، مهارتی شگفت در ترسیم و تجسم حیوانات شاخدار داشت. شاید تبدیل صورت خدایان به نقاشی های حیوانی، یکی از دلایل تقدس بود که موضوعی برای کارهای هنری باستانی و سفالگران شد. بیشتر آثار هنری ماقبل تاریخ، در ابتدا با طرح های تزئینی و هندسی همراه بودند. پس از مدتی نقاشی حیوانات مجدداً رایج شد و سپس اشکال هندسی بار دیگر گسترش یافت. این دگرگونی در بیشتر تمدن های ایرانی دیده می شود (بهمنی، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۵).

این نقش با توجه به پراکندگی گستره ی این حیوان در ایران در سنگ نگاره های مناطق کوهستانی ایران دیده شده است (نقشه ۳). نقوش حیوانی از دیرباز در هنر ایرانی اهمیت داشته و این نقوش گاه به سبب کاربردشان از جنبه کشاورزی و تغذیه، به عنوان نمادی از خدایان، سلطنت و یا عناصری از کائنات به شمار آمده اند. نقوش حیوانی بزهای کوهی در حالت های مختلف بر روی کنده نگاره های این دو محوطه نقر شده است.



منطقه زیستی بزکوهی یونگ سنز
(مأخذ: تاجبخش و جمالی، ۱۳۷۴: ۱۰۶).



نقشه سنگ نگاره های ایران

(مأخذ: نامری فرد، ۱۳۹۴: <http://iranrockart.com>).

نقشه ۳) پراکندگی بزکوهی در طبیعت و سنگ نگاره های ایران (نگارندگان: ۱۳۹۴)

با توجه به اسناد و مدارک موجود و بررسی های انجام شده می دانیم که نقش بز تقریباً در تمامی مراکز فرهنگی دوران پیش از تاریخ، حضور مستمر داشته است. در فرهنگ ایران باستان، علاوه بر آن که بزکوهی نمادی از بهرام ایزد پیروزی است، شاخ او نیز یادآور و نشانه ماه است، از این رو، در میان شاخ هایش نمادی از آب (باران) و یا زمین که اشاره به رستنی ها است دیده می شود (تصویر ۱، جدول ۶). بزکوهی از جمله حیواناتی است که تصویر آن در هنر ماد و هخامنشی و هم چنین هنر برنزهای لرستان به صورت های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است و به نظر می رسد در فرهنگ و هنر این دوره نیز جایگاه ویژه ای داشته است. در لرستان نقش این حیوانات بر روی "بت های" کوچک فلزی در حالات مختلف و به صورت بسیار زیبا به نمایش درآمده است. تعداد قابل توجهی مجسمه متعلق به این حیوان را در قبرهای مربوط به هزاره اول پیش از میلاد پیدا کرده اند که یکی از زیباترین و جذاب ترین آن ها، مجسمه ای است که از قبر زیویه به دست آمده است. این مجسمه، بز را در حالت نشسته نشان می دهد که به صورت بسیار زیبایی از طلا ساخته شده است. نمونه دیگری که جایگاه اسطوره ای این حیوان را بهتر مشخص می کند، مجسمه ای است برنزی که از لرستان به دست آمده است و به قرن هشتم پیش از میلاد تعلق دارد. این مجسمه ترکیبی است از یک رب النوع برهنه که

بر روی سرش یک بز کوهی فوق العاده زیبا قرار گرفته است. وضعیت قرار گرفتن مجسمه بز بر روی سر این رب النوع، بدون شک نمایان گر جایگاه اسطوره‌ای بسیار مهم این حیوان است و بالاخره باید به تعداد بی شمار مجسمه‌های بز کوهی که در سرتاسر هزاره اول پیش از میلاد از تقریباً سرتاسر ایران در حالات و اندازه‌های مختلف پیدا شده‌اند، اشاره کرد. بخش عظیمی از این مجسمه‌ها به صورت ریتون^۱ هستند که از جنس فلزات مختلف (طلا، نقره، برنز و ...) ساخته شده‌اند و به هزاره‌ی اول پیش از میلاد تعلق دارند. تعداد قابل توجهی از نمونه‌های اخیر بویژه از شمال غرب به دست آمده‌اند که به منطقه مورد مطالعه‌ی ما بسیار نزدیک است (رفیع فر، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۲۲) (تصویر ۲ و ۳ و ۴ و ۵، جدول ۶).

در میان نگاره‌های هر دو حوزه مورد مطالعه پژوهش، یعنی (سربیشه و اورامان) شاخص‌هایی وجود دارد. از جمله این که، اصولی که بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، شاخ‌های بلند و کمانی است که همیشه به صورت جفت ترسیم شده‌اند و دارای زیبایی خاصی می‌باشند. نمایش نیم رخ در حیوانات و هم چنین دوری گزینی از ارائه تصاویر سه بعدی (پرداختن به ایجاد حجم) از دیگر اصولی است که در اغلب قریب به اتفاق این نقوش رعایت شده‌اند. نکته قابل توجه دیگر این که حالت و یا حالات نمادین در نقوش است که بدون شک، قراردادی بوده است. بز در اساطیر ایران باستان نیز یکی از نمادهای مشخص آبادانی و فراوانی است و نماد آب نیز بوده است که وجود آب خود منشأ فراوانی و آبادانی است. بز یکی از نمادهای ماه نیز می‌باشد و بر روی مهرها و ظروف دوره اشکانی، ساسانی و اسلامی به وفور دیده می‌شود و تقریباً همیشه به عنوان نگهبان درخت ماه در نظر گرفته شده است (همان: ۱۲۲) (تصویر ۶ و ۷ و ۸، جدول ۶). همان طور که ذکر شده براساس بررسی تطبیقی نقوش بزهای سربیشه و اورامان، هر کدام براساس موضوع نقش مایه مورد نظر، دارای نماد خاصی و با معنایی زیادی است که در بالا به آن پرداخته شده است.

۱. نوعی از ظروف آشامیدنی که اغلب به شکل حیوان ساخته شده و روزه‌ای در انتها دارد. در میان باستان شناسان تعاریف فوق و کم و بیش پذیرفته شده هستند: آیدت پرادا در کتاب هنر ایران باستان در مورد ریتون می‌نویسد: کلمه یونانی ریتون از مایع روان گرفته شده است، این کلمه در واقع تنها به ظروفی گفته می‌شود که از آن جریان باریک یک مایع بیرون می‌آید (دادور و مصباح اردکانی، ۱۳۸۹: ۷). گیرشمن می‌نویسد: ریتون‌های واقعی آن‌هایی هستند که علاوه بر دهانه ظرف سوراخی برای خروج مایع در آنان وجود دارد که در پوزه یا سینه حیوان قرار داده شده است (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۱۹-۲۳۰).

جدول ۶) نقش بزکوهی بر روی داده های فرهنگی ایران باستان (نگارندگان، ۱۳۹۴)

توالی نگاره بزکوهی بر روی داده های فرهنگی ایران		
تصویر ۱. الف. نقش مایه بزکوهی خلاصه شده همراه با نماد آب، یافته شده در تپه حصار، ۴۵۰۰ سال ق. م. تصویر ب. بز با مله در میان شاخه های در شوش		(مأخذ: افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).
تصویر ۲. نقوش سفالینه های ایران، هزاره چهارم ق. م		(Vandenberg, 1969).
تصویر ۳. نقش بزکوهی و قوچ بر روی جام، موزه جیرفت		(مأخذ: جانبازی، ۱۳۹۳: ۵۳).
تصویر ۴. کوزه نقره ای دوره هخامنشی		(مأخذ: ونگله کلکسیون جورج اورتیز، ۱۳۹۰: شماره ۵۵۴۴).
تصویر ۵. دسته ظرفی از مفرغ های لرستان		(مأخذ: میرشمن، ۱۳۷۱: ۳-۱).
تصویر ۶ بزکوهی ریتون اشکانی		(مأخذ: افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).
تصویر ۷. پیکرک بزکوهی طلا از دوره ساسانی		(مأخذ: طاووسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳).
تصویر ۸. سفالی زرین قام، گرگان، قرن ۳ و ۴ ه.ق. موزه ملی ایران		(مرتضایی و صدیقی زاده، ۱۳۹۱: ۵۳).

۲- ریخت شناسی نگاره بزکوهی

۱) پاهای بزکوهی: در تمامی محوطه‌ها دو پای بزکوهی و چهار پای حیوان بر روی صخره‌ها نقر شده است. تنها دو نگاره در دو محوطهٔ بیژانم و رنگاورژیل، بز با دو پا ترسیم شده است. اما در کل برای نشان دادن سم‌های شکافته سم بز- و حالت فیزیکی پا، تلاش بسیار کمی صورت گرفته است.

۲) بدن بزکوهی: در نقوش بزهای کوهی در حال چرا، به ندرت دارای ابعاد بدنی مستطیل شکل بودند. بیشتر نقوش به صورت یک خط و قوس، یکباره شکم و در انتها، پاها ترسیم شده است.

۳) ریش بزهای کوهی: نقش بزهای کوهی در هر دو حوزه فاقد ریش ترسیم شده است.

۴) سر بزهای کوهی: سرهای بزکوهی در هر دو حوزه معمولاً بسیار ساده و با بینی‌های دراز ترسیم شده است. نقش تمام بزهای کوهی به صورت نیم رخ ترسیم شده است.

۵) شاخ‌های بزکوهی: شاخ‌ها نیز به صورت‌های مختلفی نشان داده شده است: ۱. شاخ‌هایی که بخش فوقانی آن‌ها، ناهموار و موج و تا انتهای دُم‌شان به صورت کمائی است، بسیار معمول و رایج هستند. ۲. شاخ‌هایی که بخش فوقانی آن‌ها، دندانه دار و یا دارای برجستگی و برآمدگی است که به ندرت ترسیم شده است. ۳. شاخ‌هایی که از پایه (محل رویش سر) از هم جدا یا به هم مربوط و متصل شده‌اند. ۵. شاخ‌هایی که به صورت ساده و کوتاه ترسیم شده است.

۶) دُم بزهای کوهی: در تمامی محوطه‌ها، دُم بزهای کوهی رو به بالا و راست ترسیم شده است. تنها نگاره‌ای که متعلق به بزکوهی است و دُمش به پایین نقر شده است، در محوطهٔ رامنگان ۲ است.

۷) جهت بزهای کوهی: جهت نگاره‌ها به صورت تقریبی ۷۸ درصد به سمت راست ترسیم شده است.

۳- طرح نقوش

با بررسی تطبیقی نقوش انجام گرفته از منظر طرح و فناوری نتایج زیر حاصل شد: به لحاظ طرح و شیوه کار، هر دو حوزه منتخب ما از نوع پتروگلیف (کنده کاری) بوده و برای خلق آن ها از سطوح هموارتر صخره ها که موادشان متشکل از سنگ های سخت است، بهره جسته اند. در مورد سبک و شیوه ارائه نقوش، سبک به کار رفته در اکثر این آثار به صورت ساده بوده و در مورد نشانه شناسی آثار مورد مطالعه، بیشترین آن ها از نوع تصویرنگارها و اندیشه نگارها بودند. در این مجموعه ها به دلیل قدمت زیاد نقوش و نبود شرایط کافی برای حفاظت نقوش از گزند باد و باران و رطوبت، بر روی کلیه خطوط رسوبات نسبتاً ضخیمی تشکیل شده که کار شناسایی شیوه های به کار رفته در تولید آنها را مشکل کرده است، اما با توجه به آثار به جای مانده، احتمال این که از ابزارهای سنگی و فلزی برای ایجاد نقوش و حک کردن آثار استفاده شده باشد، بسیار محتمل است.

۴- ارتباط نقوش با کاروانیان و مسیرهای کوچ

ارتباط و پیوستگی قوی میان نقوش صخره ای با مسیرهای کوچ نشینان برقرار است. کوچک بودن نگاره ها، کنده شدن آنها بر روی هم و البته در فواصل زمانی بسیار زیاد، وسایل به کار گرفته شده ساده، استفاده از محل های به کار گرفته شده طبیعی و بویژه حک این نگاره ها در جایگاه های پراهمیت برای شکار و آبگاه و آبشخورها و گذرگاه های شکار، همگی نشان می دهد که تصویرگر، قصد به رخ کشیدن مهارت نگارگری و البته مجال فراوان برای این کار نداشته و نقوش غالباً در مواقع خاص، به وسیله شکارگران و یا گروه های کوچ روی که ارتباط مستقیمی با شکار داشته اند، در مدت کوتاهی خلق شده است. برای شناسایی به وجود آورندگان سنگ نگاره های این استان، می توان به وجود نقوش متنوع از جمله صحنه شکار و هم چنین وجود تصاویر متعدد بزکوهی که به عنوان اهداف اصلی شکار می باشند، اشاره نمود. ذکر این نکته ضروری است که این منطقه در دوره های بعد و خصوصاً در دوران اسلامی، یکی از توقف گاه های موقت کاروانیان و

مسافران مسیر کرمان و جنوب ایران بوده که به سمت شرق و شمال خراسان رهسپار بوده‌اند و در این دوره نیز نقوشی توسط کاروانیان بر روی این سنگ نگاره‌ها ترسیم شده است. ارتباط و پیوستگی قوی میان نقوش اورامان با ییلاق‌های قدیمی فراموش شده و مسیرهای کوچ‌نشینان برقرار است (قسیمی، ۱۳۸۶: ۷۹). وجود نقش‌های اولیه و اجرای آنها بر روی یکدیگر و نیز وجود کتیبه‌های متأخر، حاکی از آن است که تصویرسازی بر روی این سنگ با ارزش از گذشته‌های دور تا سال‌ها بعد استمرار داشته است و هر یک زبان حال سازندگان آن است.

۵- تحلیل نفر نگاره بزکوهی در دو محوطه

بزکوهی تقریباً در تمام استان‌های ایران و مناطق کوهستانی پراکنده است. با دقت و بررسی در نگاره‌ها مشاهده می‌شود که نقش بز در این محوطه‌های ذکر شده، همانند سایر مناطق همجوار و خارج از ایران، بیشترین فراوانی را دارد؛ با این تفاوت که از منظر نمایش و موضوعات نقوش و نگاره‌های این دو محوطه، شباهت‌های بسیاری به هم دارند و می‌توان مطالعات و مطابقت نقوش با هم را به شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی در زمان ایجاد نقوش نسبت داد و البته برخی محققین، به موضوع اسطوره‌ای و نمادین بزها در فرهنگ‌های مختلف توجه دارند. ولی گروه دوم، طرفداران بیشتری هستند و عمدتاً این افراد نقش این حیوان را یکی از قدیمی‌ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشری دانسته و نقش بز را تا دوره نوسنگی به عقب می‌برند. در واقع، بز از حیواناتی است که قابلیت اهلی شدن دارد و مقاومت بدنی آن‌ها زیاد است تا در شرایط مصنوعی خاصی که انسان برای آن‌ها به وجود می‌آورد، دوام بیاورند. ثانیاً خاصیت خوگرفتن و مأنوس شدن آن‌ها به افراد و محل زندگی‌شان آن قدر زیاد می‌باشد که حتی اگر آزاد و بی‌قید و بند هم بمانند، آموخته‌اند جایگاه خود را ترک نکنند و مهم‌تر از همه این‌که، در حال اسارت و زندگی خانگی نیز قادر به تولید مثل باشند (لینتون، ۱۳۵۷: ۸۷). بزکوهی علاوه بر تغذیه از علوفه صخره‌ها و دشت‌ها، درخت‌ها و سرشاخه‌های آن‌ها را نیز می‌خورد، ترسیم نقش بزکوهی در مقابل برگ و درخت، مؤید این گفته است. با نگاهی به نقوش

موجود در دو محوطه، به طور کلی در طول زمان از نقش مایه های جانوری کاسته و در فرایند زمان بر نقش مایه های انسانی افزوده شده و سپس هر چه به زمان های تاریخی نزدیک تر شده، نگارگران از نقوش انسانی کاسته و کتیبه ها را جایگزین این نقوش کرده اند. لذا با مقایسه نقش مایه های بزکوهی از سنگ نگاره ها تا دوران معاصر، می توان به این نکات دست یافت؛ همان طور که در دوران باستان از پیش از تاریخ تا دوران تمدن باستان، نقش نمادین بز کوهی در اعتقادات کم رنگ می شود، طراحی آن نیز به طبیعت گرایی نزدیک شده و اغراق در شاخ ها که از ویژگی های ترسیمی در دوران پیش از تاریخ بود، کم می شود (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۶۵) (طرح ۲). لذا با تمام این تفاسیر می توان گفت دلیل نقر نگاره بز کوهی در هر دو محوطه دو دلیل مذهبی و غیر مذهبی دارد (جدول ۷). در هدف ایجاد نقوش و نگاره بزکوهی در دو محوطه می توان گفت که استفاده از این هنر برای رفع شر و به خاطر تسهیل شکار و یا تکثیر جانوران اعتبار یافته است و دیگر نیازهای نقر این نقوش شامل نیاز به زیبایی، بیان خواسته های اعتقادی، ثبت وقایع و ارائه اطلاعات و اخبار بوده و این گونه تجلی می یابد.

جدول ۷) هدف از نقر نگاره بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

اهداف	اهداف نقر نگاره
۱. مذهبی	بز کوهی نماد باران است و شاخ های برگشته ی آن، نماد و نشانه ی ماه هستند که هلال آن را نشان می دهد. با توجه به شاخ های این حیوانات، تمامی آن ها نر هستند و بز ماده نقش نشده است و این امر، نشان دهنده ی این موضوع است که مردم می خواسته اند که زینگی این حیوان را نشان دهند که عامل و باعث باروری است و همین طور قدرت این حیوان که گاه به عنوان سنبیل محافظ و نگهدارنده است که مورد احترام و حتی پرستش بوده است. به همین دلایل بود که این حیوان کم کم دارای اهمیت می شود و حتی به مرتبه ی خدایی می رسد و آن را به عنوان یک حیوان مقدس مورد پرستش قرار می دادند و این امر، باعث شد که تصویر این حیوان را بر روی سفال ها و مکان های مختلف نقش کنند و این مهم در سنگ نگاره های دو محوطه شرق و غرب ایران قابل مشاهده است.
۲. غیر مذهبی	مردمان باستان به دلیل فراوانی نقوش بز و طبق شرایط اقلیمی و زیست محیطی به نقر نگاره پرداخته اند. چون این حیوان به عنوان یکی از مواد غذایی گوشتی، مورد استفاده بوده و از پوست و چرم آن استفاده می شده و آدمیان بهره مند می شده اند، برای آن اهمیت این چنینی قائل بودند و نقش آن را بر روی سفال به عنوان یک حیوان به دلایل زیبایی شناختی، تغذیه، پوشاک و ... که مورد استفاده بوده، نقش می کرده اند.

بررسی تطبیقی نگاره های دو محوطه ی مورد بررسی

در تطبیق تصویری نگاره بز کوهی در منطقه ی متفاوت، تفاوت ظاهری آشکاری مشاهده نمی شود. نکته ی مهمی که در روش ترسیم و نقر این نگاره وجود دارد، این اغراق در ترسیم شاخ بز در دو حوزه دیده می شود. در سربیشه شاخ بزها هم به صورت ساده و در بعضی موارد تا انتهای بدن کشیده شده اند  و در اورامان نیز شاخ بزها به صورت نیم رخ و به همان شیوه ذکر شده، نقر شده است  . روش نقر نیز به صورت پتروگلیف است. در جنس سنگ های سربیشه از نوع سنگ های آذرین و سنگ های رسوبی و دگرگونی است. جنس سنگ های محوطه ی اورامان از نوع سنگ های رسوبی (آهکی و کلسیت) است. این حیوان در هر دو منطقه ی کوهستانی پراکنده شده است و حیوانی است که به راحتی از صخره ها بالا می رود. لذا این نگاره به عنوان حیوان ملی ایران در اعصار مختلف، بنا به اهمیت دارای مفاهیم مختلفی در قالب هایی چون نماد رهایی، آزادی، معصومیت، باروری، آب و رویش گیاه می باشد. هر دو محوطه ذکر شده اهداف نقر نگاره هم دارای اهداف مذهبی و هم غیر مذهبی بوده است (جدول ۸).

جدول ۸) بررسی نگاره بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بررسی نگاره بز کوهی در سربیشه و اورامان				
محوطه	طرح	درصد شباهت نگاره ها	نوع سنگ ها	اهداف
۱. سربیشه	پتروگلیف (کوبشی)	۹۱ درصد	سنگ های آذرین، رسوبی و دگرگونی	اهداف مذهبی و غیر مذهبی
۲. اورامان	پتروگلیف (کوبشی)	۹۱ درصد	سنگ های رسوبی	اهداف مذهبی و غیر مذهبی



طرح ۲) مقایسه تغییرات شکل طبیعی بز کوهی و اشکال آن در هنر از دوران آغاز تاریخ تا گلیم

عشایر (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۶۴)

نتیجه گیری

ملاحظه دوران های مختلف تمدن ایران، با آشکار ساختن اهمیت تمدن های پیش از تاریخ این سرزمین، ما را در حیرت فرو می برد. کاوش گران در کاوش هایشان اشیای قابل توجهی پیدا کرده اند و از روی نمونه های سفالی و سنگی می توان برآوردهای اطمینان بخشی درباره تاریخ آثار و تمدن های مختلف به عمل آورد. با این تفاسیر با بررسی نقش مایه بز کوهی در دو محوطه شرق و غرب ایران، نتایج زیر حاصل شد:

قابلیت انطباق نقوش بزهای کوهی موجود بر سنگ نگاره‌های شرق و غرب ایران نشان از انسجام و پیوستگی هنر و فرهنگ غنی مردم این سرزمین است. بر اساس آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نقش مایه‌های بز کوهی بر روی سنگ نگاره‌های سربیشه و اورامان، ریشه در اعتقادات و باورهای زندگی مردمان پیشین دارد. نقوش براساس نوع موضوعات به چهار گروه تقسیم شده است که دربرگیرنده‌ی موضوعاتی هم‌چون: نقش بزهای کوهی در حال چرا، نقش بز کوهی همراه با نقوش انسانی در شکارگاه، نقش بز همراه با نقوش نمادین و نقش بزهای کوهی همراه با حیوانات و نقوشی نامعلوم است. نقوش تماماً به سبک پتروگلیف (کوبشی) نقر شده است. در خصوص ریخت‌شناسی نقوش، خصوصاً ریخت‌شناسی نقش بزهای نقر شده در دوماحوطه‌ی بررسی (سربیشه و اورامان)، می‌توان این چنین نتیجه گرفت: الف) نقش تمام بزها به صورت نیم‌رخ ولی در اکثر نقوش هر دو شاخ نقر شده است. هلن گاردنر^۱ می‌گوید: تصاویر گاو و گوسفند در غار لاسکو و دیگر غارها ... حکایت از وجود سنتی در نمایش شاخ‌های این جانوران دارد که پرسپکتیو^۲ پیچیده نامیده شده است، زیرا سرهای آن‌ها را به طور نیم‌رخ ولی شاخ‌هایشان را از زاویه‌ای کمی متفاوت - می‌بینیم. ب) تعدادی از بزها شاخ‌هایشان کوتاه و در برخی از محوطه‌ها تا انتهای دُم‌شان و به صورت کمائی نقر شده است. ج) بر روی پشت و زیر شکم برخی از بزها، زائده‌ای کوچک نقر شده است که شاید نماد نر بودن این نقش است. د) دُم بزها اکثراً کوتاه و برخی از بزها، دُم‌شان به بالا و برخی دیگر از نقوش به پایین نقر شده است. دلیل تنوع، فراوانی و تداوم نقش بز کوهی در سربیشه و اورامان و حضورشان در سنگ نگاره‌ها، اهمیت نمادین آن در دوران کهن است که از آن نمادی برای طلب باران و فراوانی ساخته و هم‌چون طلسمی در میان نقوش از دیرباز پنهان و محفوظ مانده است. اشکال متنوع تداوم و تکرار این نقش در سنگ نگاره‌ها، سفالینه و هنر فلزکاری کهن و پایداری نقوش، نشان از اهمیت آن در اعتقادات، زندگی و معاش مردمان گذشته داشته است.

1. Helen Gardner

2. perspective

منابع

- افضل طوسی، عفت السادات (۱۳۹۱). "گلیم حافظ نگاره بز کوهی از دوران باستان". *فصلنامه علمی پژوهشی نگره*، سال هفتم، ش ۲۱ (بهار): ۵۴-۶۷.
- اورتیز، جورج (۱۳۹۰). "وبگاه کلکسیون جورج اورتیز، ایران باستان، تاریخ، کوزه نقره ای دوره ی هخامنشی". [پیوسته] قابل دسترسی در:
<http://mrvnd-۲.persianblog.ir/> [۲۲/۱۰/۱۳۹۴]
- بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۸). "بررسی و مطالعه ی سنگ نگاره های نویافته دشت توس". *مطالعات باستان شناسی*، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۲۱-۴۴.
- بهمنی، پردیس (۱۳۸۳). *سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران*. گروه هنر دانشکده هنر و رساله، دانشگاه پیام نور: پارس بوک.
- تاجبخش، هدایت؛ جمالی، سیروس (۱۳۷۴). *نخجیران از آغاز تا امروز*. تهران: موزه ی آثار طبیعی و حیات وحش ایران.
- جانبازی، فاطمه (۱۳۹۳). "بررسی نقوش حیوانی در آثار تمدن جیرفت". *جلوه ی هنر*، دوره ۷، ش ۱ (بهار و تابستان): ۴۹-۶۲.
- دادور، ابوالقاسم؛ مصباح اردکانی، نصرت الملوک (۱۳۸۹). "بررسی شکل و فرم در ریتون های ایرانی (هزاره ی چهارم قبل از میلاد تا پایان دوره ساسانی". *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، دوره ۲، ش ۴۱ (بهار): ۵-۱۲.
- رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۴). *سنگ نگاره های ارسباران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم شناسی.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۲). *طرح ها و نقوش لباس ها و بافته های ساسانی*. تهران: گنجینه.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان سربیشه*. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۷۶). "اسب و سوارکاری در ایران باستان". *مجله*

- باستان شناسی و تاریخ. سال یازدهم، ش ۲۱ و ۲۲ (بهار و تابستان): ۲۷-۴۲.
- طاووسی، محمود؛ خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی (۱۳۹۱). "ردپای نقش مایه های تزئیناتی معماری بومی روستایی گیلان در سرزمین آماردها". نامه ی معماری و شهرسازی (دو فصلنامه ی دانشگاه هنر)، دوره ۴، ش ۸ (بهار و تابستان): ۳۷-۵۷.
 - طباطبایی، محمد؛ قصریانی، فرهنگ (۱۳۷۱). منابع طبیعی کردستان (جنگل ها و مراتع). کردستان: جهاد دانشگاهی کردستان.
 - عرب، مهسا (۱۳۸۵). "بررسی نقش نگاره های چهارپایان در ایران باستان". پایان نامه کارشناسی ارشد گرافیک، دانشکده هنر و معماری، پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا.
 - فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷). موزه هایی در باد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 - قربانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان شناسی و انسان شناختی نقوش صخره ای (سنگ نگاره های استان خراسان جنوبی). بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
 - قسیمي، طاهر (۱۳۸۶). "گزارش بررسی نقوش صخره ای در منطقه اورامان". باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۷۱-۸۰.
 - کریمی، فریبا (۱۳۸۶). "نگرشی نو به کنده نگاره های صخره ای ایران". باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳ (بهار و تابستان): ۲۰-۳۴.
 - گیرشمن، رومن (۱۳۷۱). هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی. ترجمه ی عیسی بهنام. تهران: علمی و فرهنگی.
 - لحافیان، جمال (۱۳۷۹). "سنگ نگاره های پیش از تاریخ کردستان". فصلنامه فرهنگ کردستان، سال اول، ش ۳ و ۴: ۱۴-۱۹.
 - لحافیان، جمال (۱۳۸۰). "اورامان پیش از تاریخ". فصلنامه فرهنگ کردستان، سال دوم، ش ۷ و ۸: ۵۹-۶۳.
 - لیتون، رالف (۱۳۵۷). سیرتمدن. ترجمه ی پرویز مرزبان، تهران: دانش.
 - مرتضایی، محمد؛ صداقتی زاده، ندا (۱۳۹۱). "بررسی نقوش جانوری سفالینه های

کهن شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی". نامه ی باستان شناسی، دوره دوم، ش ۲ (بهار و تابستان): ۴۷-۶۲.

– مهرآفرین، رضا (۱۳۷۵). "بررسی نشانه های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای /ستوانه ای/یلام". پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی گرایش دوران تاریخی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

– ناصری فرد، محمد (۱۳۹۴). "سنگ نگاره های ایران". [پیوسته] قابل دسترسی در:

<http://www.iranrockart.com>. [۱۲/۸/۱۳۹۴]

– هاشمی زاده، عبدالحسین (۱۳۸۵). سربیشه گوهر ناشناخته کویر. مشهد: نی نگار.

– هال، جیمز (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه ی رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

– Lahafian, J. (2004). "Petroglyphs of Kurdistan Rock Art". *Rock Art Research*, Vol. 21, No. 1: 3- 10.

– Lahafian, J. (2013). "Rock Art in Kurdistan Iran". *Arts*, Vol . 2, No. 4: 328 349.

– Vandenberg, L. (1969). "*Archeologie de l, Iran Ancien*". Tehran: Tehran university.

– Zeder, M. A. (2008). "Domestication and early agriculture in the Mediterranean Basin: Origins, diffusion, and impact". *PNAS*, Vol. 105, No. 33: 11597- 11604.

هنر خراسان در دوره سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ق.) (با تکیه بر موسیقی و نگارگری)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۰

مصطفی لعل شاطری^۱

چکیده

به گواه متون و نگاره‌های بازمانده از عصر تیموری، اوج شکوفایی هنر موسیقی و نگارگری در این دوره بویژه در خراسان و دربار سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ق.) و عصر وزارت امیر علیشیر نوایی بوده است. علاقه وافر سلطان حسین و حمایت‌های گسترده از هنرمندان این دو حوزه از یک سو، دربار را به محفلی پرونق جهت هنرنمایی موسیقی‌دانان و نگارگران درآورد و از دیگر سو، امکان رشد و ترویج سبک‌های فاخر این دوران را فراهم نمود. از این رو، تحول و تکامل موسیقی و نگارگری در خراسان عصر سلطان حسین بایقرا به جایی رسید که هنرمندان سایر بلاد برای فراگیری این هنرها و تکمیل آموزه‌های خود راهی هرات گردیدند. نوشته حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به متون تاریخی و نگاره‌های باقی مانده، به بررسی وضعیت موسیقی و نگارگری با تأکید ویژه بر دو شخصیت برجسته این دوره در خراسان، "عبدالرحمان جامی" و "کمال الدین بهزاد" و میزان و چگونگی تأثیر فعالیت آنان، در رونق این دو هنر اصیل ایرانی را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که رشد این دو هنر از کارکردی دو سویه برخوردار بوده است که طی آن هنرمندان مورد حمایت مادی قرار گرفته و متعاقباً خلق آثار ممتاز از سوی آنان، وجهه اجتماعی - فرهنگی ویژه‌ای را برای خراسان دوره سلطان حسین به ارمغان آورد که این مهم یکی از سیاست‌های حکمرانان تیموری محسوب می‌گردید.

واژگان کلیدی: سلطان حسین بایقرا، خراسان، جامی، بهزاد، موسیقی، نگارگری

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

عصر تیموری از باشکوه‌ترین ادوار حیات فرهنگی ایران در دوره اسلامی به شمار می‌آید. در این عصر، نوزایی فرهنگی عظیمی شکل گرفت و زمینه اعتلا و شکوفایی هنری در زمینه‌های متعدد فراهم آمد. تیمور (۷۷۱-۸۰۷ ق.) بنیان‌گذار این حکومت، خود آغازگر احیای فرهنگ و هنر و حمایت از هنرمندان عرصه‌های متعدد بویژه موسیقی‌دانان و نقاشان گردید. سیاست هنری او توسط جانشینانش از جمله شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ق.) دنبال شد تا جایی که هرات، پایتخت شاهرخ به مرکزی برای جذب هنرمندان مبدل گردید. در پی آشفتگی سیاسی پس از مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ ق. و نیز کاهش منابع مالی خاندان تیموری، در روند پیشرفت آفرینش‌های هنری وقفه‌ای ایجاد شد، اما با روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ق.) و برپایی مجالس فرهنگی و هنری و نیز حمایت بی دریغ او و امیرعلیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق.) از عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق.) و کمال الدین بهزاد (۸۹۸-۹۴۲ ق.)، دربار تیموری زمینه‌ساز اعتلا و شکوفایی هنر و سرمنشأ خلق آثاری بی نظیر در خراسان و با محوریت هرات گردید.

در دهه‌های اخیر، پژوهشگرانی از جمله یعقوب آژند (در نگارگری ایران)، رویین پاکباز (در نقاشی ایران از دیرباز تا امروز)، عبادالله بهاری (در کمال الدین بهزاد: ریشه و شاخه‌های هنرش)، شیلا کن‌بای (در نقاشی ایران)، آرتور آپم پوپ (در سیری در هنر ایران)، حسن محشون (در تاریخ موسیقی ایران) و هومان اسعدی (در مطالعه‌ای سازشناختی در رسالات و نگاره‌های موسیقایی تیموری) بررسی‌هایی صرفاً گذرا مبتنی بر بدیهیات در حوزه هنر عصر تیموری و بیش از همه با تأکید بر شخصیت تیمور انجام داده‌اند که بیشتر این مباحث، فارغ از توجه به بعد استناد، به روایات تاریخی بوده و هم‌چنین توجه کمی به هنر موسیقی و نگارگری خراسان در دوره سلطان حسین بایقرا داشته‌اند، با این‌که این عصر تجلی‌گاه بیش از پیش این دو هنر در قیاس با سایر هنرهای رایج در این دوره - محسوب می‌شود، به گونه‌ای که تأثیری ژرف بر ادوار پس از خود نهاد. بر این اساس، بررسی آن امری مهم و تا حد زیادی الزامی می‌باشد. در این

پژوهش سعی گردیده تا به این پرسش پاسخ داده شود که نقش و تأثیر دربار سلطان حسین بایقرا در تحولات هنری این دوره تا چه حد و افراد شاخص در هنر موسیقی و نگارگری در این دوره بویژه در خراسان، چه سرنوشتی داشته‌اند؟ در این مقاله تلاش می‌گردد از زوایای مختلف هنری - تاریخی و با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به بررسی جایگاه عمومی هنر و هنرمندان خراسان در دوره سلطان حسین بایقرا و سپس به نقش جامی و بهزاد در حوزه موسیقی و نگارگری این دوره پرداخته شود.

جایگاه هنر و هنرمندان در دوره سلطان حسین بایقرا

پس از درگذشت شاهرخ، جنگ قدرت میان شاهزادگان تا حد زیادی باعث رکود اوضاع فرهنگی و هنری در قلمرو تیموری شد. این وضعیت تا زمان سلطان حسین بایقرا ادامه داشت. تا این که در دوران فرمانروایی او، هرات، مانند دوره شاهرخ به مرکز بلامنازع نهضت‌های فرهنگی و هنری تبدیل شد (واله اصفهانی قزوینی، ۱۳۷۹: ۶۵۵؛ توشراتو، ۱۳۷۶: ۳۶؛ فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۱۲۲). در این رابطه گروسه^۱ (۱۳۵۳: ۷۷۱) می‌گوید: «فرزندان یکی از مخرب‌ترین مردان تاریخ مبدل شدند به پادشاهانی ایرانی و مردمی شاعر مشرب و سلاطین دوستدار علم و معرفت و کمال که تحت حمایت و حراست همین پادشاهان ادب پرور، تمدن ایران درخشندگی و لمعانی تازه یافت» و موجب شد تا این سلسله ترک نژاد نیمه صحراگرد به الگویی از فرهیختگی ارتقا یابند (لنتس، ۱۳۷۷: ۱۵۸، ۱۶۵).

سلطان حسین بایقرا، مدت‌ها قبل از رسیدن به سلطنت، پیوند عمیقی با هنر داشت و بعدها نیز نه تنها برای پیشبرد فعالیت‌های هنری تلاش بسیاری نمود، بلکه خود از زمره مردان هنرمند محسوب می‌گردید (گازگاهی، ۱۳۷۵: ۳۴۵). علاقه به مسائل فرهنگی و هنری باعث شد تا او طی دوران سلطنت، با احداث مدارس، مساجد، خانقاه‌ها، رباط‌ها، دارالشفاء‌ها و کتابخانه‌های متعدد برای استفاده عموم و نیز کاخ‌ها و باغ‌های زیبا و دلگشا، موجبات رونق و عظمت و مرکزیت فرهنگی این شهر را فراهم آورد، به گونه‌ای

1. Grousse.

که طالبان علم و هنر از سرزمین‌های گوناگون برای سود بردن از کتاب‌های نفیس انباشته در کتابخانه‌ها و حلقه‌های درس استادان هنر، به خراسان با مرکزیت هرات می‌آمدند (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۵۴۰؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۴؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۱۱: ۵۶۴۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴: ۱۱۱).

بی‌شک یکی از اقدامات مهم سلطان حسین بایقرا در راه اعتلای هنر، احداث مکان‌هایی برای اجتماع هنرمندان بود. او پس از استقرار در هرات، به ساختن باغ و کاخ جدیدی پرداخت و در آن دستور داد که ابتدا به "باغ مراد" و پس از توسعه آن به باغ "جهان آرا" معروف گردید (سمرقندی، ۱۳۸۳: ج ۲: ۱۰۰۹). این باغ عظیم، مکانی برای اجتماع هنرمندان و برپایی مجالس هنری با حضور هنرمندان متعدد بود، چنان که «در آن اوقات از ارباب حسن و ملاح و نغمه‌سرایان صاحب هنر، هر روز و هر شب در مجالس ارباب عیش و طرب جمع کثیر حاضر بودند و به نغمات دلگشای و ترنمات فرح‌افزای نشاط برنا و پیر و صغیر و کبیر را می‌افزودند» (میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۱۱: ۵۷۵۶ (تصویر ۱). علاوه بر این، سلطان حسین خود از ذوقی هنری بهره‌مند بود. در این باره گازرگاهی (۱۳۷۵: ۳۴۵) در وصف تبحر هنری سلطان حسین و چیرگی او بویژه در هنر موسیقی می‌نگارد: «او را نه همین در شعر و موسیقی دخلی بود بس، در هر یک از آن‌انی داشت که آن را در نمی‌یافت کس، الحانی چون تحریرات داودی دلگشای و بیانی چون انفاس عیسوی روح‌افزای».

علاوه بر علایق شخصی سلطان حسین، وزیر او امیرعلیشیر نوایی نیز در تجلی هنری هرات نقشی برجسته داشت، زیرا نوایی علاوه بر این که در عرصه فرهنگی، از جایگاهی رفیع برخوردار بود، به حمایت از هنرمندان نیز اهتمام می‌ورزید (Wilkinson, 2011: 82؛ نظامی‌باخزری، ۱۳۷۱: ۵۸؛ نوایی، ۱۳۸۱: ۳۷). وی در علم موسیقی نیز سرآمد دوران خود بود، به نحوی که خواندمیر (۱۳۷۲: ۲۴۳) گزارش می‌دهد: «عالی حضرت خداوندی [امیر علیشیر نوایی] را در علم موسیقی مهارت تمام حاصل است، اگر معلم ثانی ابونصر فارابی زنده بودی دف مثال، حلقه شاگردی امیر بی‌همال در گوش کشیدی». بر این اساس نوایی مجالس بی‌نظیری را برای گرد هم آوردن هنرمندان در خراسان

برپا می‌کرد و متعاقباً فرصت برای تمامی هنرمندان فراهم می‌شد تا با نشان دادن مهارت‌های هنری خویش، توجه ویژه نوایی و سپس سلطان را به خود جلب نمایند. علاوه بر علاقه نوایی به هنر و هنرمندان، حسین بایقرا نیز برای تربیت هنرمندان و حمایت از آنان به وزیر دستور داده بود و همین موضوع نیز بر توجه نوایی به اهل هنر می‌افزود (نوایی، ۱۳۶۳: ۸۹ - ۹۰؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۳۱۹-۳۲۰). چنین شرایطی باعث شد تا عصر طلایی موسیقی و نگارگری به وقوع پیوسته و شهرت دربار هرات در سراسر منطقه چنان گردد که بسیاری از هنرمندان و هنرجویان در آن جا به کسب علوم و فنون گوناگون از جمله فنون هنری مشغول شوند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۶ - ۱۹۷؛ خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۲ - ۶۳) و زمینه ظهور بزرگ‌ترین موسیقی‌دانان و نگارگران آن عصر و بلکه تمام اعصار ایران فراهم آید (pope, 1960: 9; Gray, 1977: 67).

موسیقی، موسیقی‌دانان و نقش جامی

گذری بر تاریخچه فعالیت‌های موسیقایی عصر تیموری نشان می‌دهد که تیمور پس از فتح بلخ در سال ۷۷۱ ق. و استقرار در سمرقند، این شهر را به کانونی برای هنرمندان تبدیل نمود (Subtelny, 2007: 28; Parker, 2010: 8; Golden, 2011: 97). یکی از خصایص ممتاز و مشهور فرهنگی تیمور، کوچ اجباری هنرمندان شهرهای مفتوحه به سمرقند و اعطای جایگاه و مقام رفیع به آنان بود (یزدی، ۱۳۷۹: ۲۱؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۹۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۳۵)، چنان‌که او پس از فتح بغداد و چیرگی بر سلطان احمد جلایر، هنرمندان این سرزمین و بویژه عبدالقادر مراغی موسیقیدان برجسته و به نام این عصر را به سمرقند فرستاد تا در دربار او به فعالیت‌های موسیقایی خود بپردازد (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۸۰؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۹۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۲۸).

با توجه به سیاست‌های اعمال شده از سوی تیمور، مبنی بر کوچ اجباری هنرمندان می‌توان گفت که با وجود حضور موسیقی‌دانان و نگارگران برجسته نقاط مختلف در سمرقند، آثار هنری دربار تیمور تا حد زیادی شتاب زده و کمی بی کیفیت بوده است،

زیرا از سویی می‌بایست اثر مورد علاقه تیمور در کوتاه‌ترین زمان خلق می‌شد و این موضوع بر کیفیت کار تأثیر می‌گذاشت و از سوی دیگر، بسترهای لازم برای پذیرش آثار این هنرمندان در جامعه فراهم نیامده بود. اما در دوره جانشینان تیمور، این آثار از اعتدال و ارزش بیشتری برخوردار شدند. چنان‌که در زمان شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، هنرمندان داوطلبانه به هرات وارد شده و متعاقباً به دلیل ایجاد جوی آرام و رشد باورهای فرهنگی - اجتماعی در سطوح مختلف مردم خراسان، این هنرمندان به فراگیری فنون و متعاقباً خلق آثاری ممتاز می‌پرداختند.

پس از تیمور، جانشینان او با وجود تنش‌ها و چالش‌های سیاسی - نظامی داخلی، تلاش کمتری برای کشورگشایی داشته و در نتیجه بیش از پیش به فعالیت‌های فرهنگی و هنری و حمایت و پرورش هنرمندان پرداختند. هنرپروری دربار شاهرخ را می‌توان نمونه‌ی بارز چنین رویکردی از سوی دولتمردان تیموری به شمار آورد (Vaughn findly, 2005: 102; Di cosmo, 2005:429; Soucek, 2000: 123).

در عصر شاهرخ، هرات جایگزین سمرقند گردید و به‌عنوان مهمترین مرکز هنری، مورد توجه هنرمندان آن عصر قرار گرفت و متعاقباً هنرمندان و بویژه موسیقی‌دانان در این شهر به خلق آثاری ممتازی پرداختند (Burton, Fazliglu, 2008: 6). (Hecker, 1993: 90; 1997: 23). فرزندان شاهرخ نیز هر یک به نوعی به حمایت از هنرمندان و اعتلای هنرهای گوناگون مشغول شدند، به‌گونه‌ای که دربار الگ بیگ (متولد به سال ۷۹۶ ق.) در ماوراءالنهر و بایسنقر (متولد به سال ۷۹۹ ق.) فرزند دیگر شاهرخ نمونه‌ای از دربارهای هنردوست و هنرپرور محسوب می‌شد (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۲۵؛ جعفری، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸).

پس از شاهرخ و فرزندان، دولتمردان دیگری از دربار تیموری که به حمایت از هنر و فرهنگ شهره‌باشند، ظهور نکردند و این در حالی بود که عصر تیموری، زمان بیشتری جهت رسیدن به نقطه اوج فعالیت‌های هنری نیاز داشت تا مجموعه‌ی میراث فرهنگی به جای مانده از تیموریان، در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا بار دیگر سامان یابد. هنر موسیقی در دوران حکومت سلطان حسین بایقرا و با همراهی امیر علیشر نوایی به

نقطه کمال و اوج خود رسید. نوایی خود از کودکی در راه فراگیری موسیقی قدم نهاده بود و نزد خواجه یوسف برهان به فراگیری این هنر پرداخت و در اندک زمانی در این فن، به تبحری منحصر به فرد دست یافت (نوایی، ۱۳۶۳: ۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۴۳). او در کنار بیشتر علوم و فنون متداول، به علم موسیقی از دو جنبه نظری و عملی آگاهی کامل داشت و به همین دلیل، موسیقی دانان را که در رشته های گوناگون موسیقی تبحر داشتند، مورد لطف و عنایت خود قرار می داد. سهم نوایی در پیشبرد موسیقی دربار سلطان حسین بر دو نوع بوده است، یکی ابداع برخی آهنگ ها و الحانی که الگو و سرمشقی در عرصه موسیقی برای سایر مناطق هم چون امپراطوری عثمانی گردید و دیگر تشویق و حمایت از هنرمندان مختلف این عصر و بویژه موسیقی دانان درباری (لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۶۶؛ Dale, 1996: 645؛ Soucek, 2000: 134؛ Belin, 1861: 222؛ Erkinow, 2008: 2, 76).

موسیقی دانان این دوره به دو دسته تقسیم می گردیدند. گروهی که در فن خود، مقام استادی داشته و در کنار آن گاه در هنرهای دیگر هم چون شاعری، خوشنویسی و غیره نیز توانایی داشتند و در دربار از شأن و مقام خاصی برخوردار بودند و گروهی که به مناسبت های خاص، صرفاً زینت آرای مجالس درباری و گاه مردمی بودند. با وجود این، هر دو گروه، مورد حمایت سلطان حسین و نوایی قرار داشتند (Kia, 2012: 1؛ Simidchieva, 2003: 509؛ Subtenly, 2003: 465-66).

بنا به گزارش متون تاریخی از جمله موسیقی دانان این دوره که با نوایی و دربار در ارتباط بوده و مورد لطف قرار گرفتند، می توان به "استاد گل محمد" که در نواختن عود، مهارتی تمام داشت، اشاره نمود. او از نوجوانی به خدمت نوایی درآمد و با حمایت وزیر به یادگیری انواع موسیقی پرداخت و در این علم به مرتبه ای بلند دست یافت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۴۳-۲۴۵). "شیخ نایی" از دیگر اساتید و هنرمندان این دوره است که موسیقی را از سنین پایین با حمایت نوایی آغاز و در ساز نی، استاد و چیره دست شد (همان: ۲۴۴). "حافظ قزاق" نیز در زمره هنرمندانی بود که حمایت های وزیر فرهیخته شامل حال او شده و باعث شد تا او در نواختن قانون، بی مثال و مانند گردد (همان: ۲۴۳).

علاوه بر این، موسیقی دانان دیگری هم چون، "مولانا بنایی" که رساله در علم موسیقی را به رشته تحریر درآورده و در مجالس و مراسمی که نوایی بویژه در دربار برپا می کرد، حضور می یافت. "خواجه عبدالله مروارید" که مدتی در دیوان وزارت، مشغول و در نوازندگی قانون، استادی تمام بود. "استاد قل محمد" که بنا به توصیه نوایی به موسیقی روی آورده و در نواختن غیچک (قیچک یا غیژک یکی از سازهای زهی در موسیقی ایرانی است که مانند کمانچه با آرشه نواخته می شود) تبحری خاص یافت. "میرک زعفران" که در آهنگ سازی یکه تاز بود. "پهلوان محمد" که علاوه بر ورزش در موسیقی و آواز بی مانند بود و ارتباطی نزدیک با امیرعلیشیر داشت و هم چنین هنرمندان دیگری که گویا از نظر هنری در درجه دوم قرار داشته اند هم چون "استاد سید احمد" نوازنده غیچک، "استاد حسین" متبحر در آواز و نواختن عود، "میرحبیب الله" در نواختن عود، "سید عماد" در قانون، "ملاسلطان محمد خندان" در نی، "ملانظام بدر" در آواز، "محمدعلی" در عود و طنبور، "مولانا سالمی" در تصنیف سازی، "حافظ بصیر" در آواز و غیره ارتباطی بسیار صمیمانه با نوایی و دربار داشتند و مورد حمایت او و سلطان قرار گرفته بودند (بیانی کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۰؛ نثاری بخاری، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۸۳؛ بنایی، ۱۳۶۸: ۹؛ واصفی، ۱۹۶۱: ج ۱، ۵۳۱؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۵۹۳۵؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۱۰۶، ۱۶۰، ۲۳۲، ۲۵۵، ۲۷۹، ۲۸۱؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۳۲۰؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۴، ۳۴۸؛ صفوی، ۱۳۷۱: ۱۶۷).

با تأملی در نگاره های بازمانده، این گونه استنباط می شود که معمولاً ترکیب گروه ها محدود بوده است و گاه شامل دو تا چهار نفر می شده اند که به نواختن سازهایی از قبیل غیچک، چنگ، عود و دایره در کنار یکدیگر می پرداخته اند و در این بین، از سازی ضربی، هم چون دایره یا دف برای نگه داشتن وزن و آهنگ تصنیف، سود می برده اند (تصویر ۱) و گاهی نیز تک نوازی بویژه در حلقه درآویش، همراه با آواز می زدند (تصویر ۲). در این دوره، رواج هم نوازی سازهای مختلف در کنار یکدیگر، نشان اوج هنر موسیقایی بوده است، زیرا پیروی از علم هماهنگی (هارمونی) سازها در هنگام نواختن در کانون توجه قرار داشته است.

به نظر می‌رسد عواملی چند باعث رشد موسیقی در خراسان دوره سلطان حسین بایقرا شد. از جمله آن‌ها، حمایت‌های مادی و غیرمادی دربار، وجود جو رقابت بین هنرمندان و استادان، وجود مکاتب بزرگ هنری، تسامح موجود در جامعه اواخر عصر تیموری، اشباع هنرمندان ایرانی از شیوه‌های هنری گذشته و بروز خلاقیت‌های فردی در مقابل مقبولیت جمعی است. هنر موسیقی در این دوره، دارای ویژگی دوگانه است. عده‌ای به این هنر به عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی و اشتغال‌های دولتی نگاه می‌کردند و گروهی فارغ از منافع مادی و تنها به خاطر ارضای حس درونی و به سبب علاقه به این هنر و تولید آثار هنری، به موسیقی اشتغال داشتند. ویژگی اول را بیشتر، طیف فرودست جامعه و ویژگی دوم را بیشتر، قشرهای بهره‌مند دارا بودند.

حمایت‌های سلطان حسین بایقرا و نوایی از موسیقی‌دانان این عصر، در روابط نزدیک با جامی به اوج رسید. نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق.)، عارف شهیر و از اقطاب نقشبندیه در قرن نهم، بی‌شک یکی از هنرمندان بی‌نظیر این دوره می‌باشد که در اکثر علوم از جمله موسیقی از تبحری منحصر به فرد برخوردار بود. با این حال، علل و عواملی چند، رابطه دوسویه بین دربار تیموری و عبدالرحمن جامی را الزامی ساخت. سلطان حسین بایقرا به دلایل متعدد از جمله، ذوق هنری خود، به حمایت از جامی برخاست و در مقابل جامی نیز گاه، این الطاف را با ستایش سلطان در اشعارش جبران می‌نمود (جامی، ۱۳۷۵: ۱۲-۱۳)، اما صمیمی‌ترین و نزدیک‌ترین رابطه جامی در دربار تیموری با نوایی بود که به صورت رابطه مریدی و مرادی تجلی یافت. امیرعلیشیر از دوران جوانی، دست ارادت و اخلاص به جامی داده و از محضر او، کسب فیض و در مجالس و مباحث جامی شرکت کرده و از او درخواست تحریر و تصنیف و یا ترجمه اثری را می‌کرد (نوایی، ۱۳۷۵: ۵۴؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۵۶؛ خواندمیر، ۱۳۷۸: ۷۹؛ نوایی، ۱۳۸۱: ۲۹).

بنا به نوشته‌های جامی، او از دوران جوانی با موسیقی آشنا بود و در آن تبحر داشت (جامی، ۱۳۷۰: ۱۸۱)، چنان‌که بکارگیری اصطلاحات و آلات موسیقی در اشعارش، شاهدی بر این ادعاست:

چو طنبور از تو نالان بود جامی فراقت زاد فی الطنبور نغمه
 ز گوشمال غمت تیز گشت ناله ام نوای زیر ز بربط به گوشمال بر آید
 مطرب خوش چهره را بر لب نوای ارغنون ساقی گل چهره را بر کف شراب ارغوان
 برو مطرب که در چنگ غم هجران چو عود امشب دل و جان ساز کرده زآه و ناله زیر
 و بم با هم (جامی، ۱۳۴۱: ۳۳۴، ۵۳۳، ۵۹۴، ۶۵۷)
 و یا:

بانگ دفینه خوش بود خواجه زر شمار را مفلس دردخواه را خوشتر از آن صدای دف
 (جامی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۰۴)

نوایی با اطلاع از چیره دستی جامی در علم موسیقی مصمم شد تا او را با دربار، همراه و به نگارش کتابی جامع در این باره تشویق کند. نوایی (۱۳۸۱: ۳۶) این ماجرا را در "خمسه المتحیرین" چنین بیان می کند: «فقیر بر این عزم شد که این فن به طرز علمی مدون و در رساله ای مرتب شود. به مولانا علیشاه بوکه، که استاد بی نظیر در این فن بود، سفارش شد که ایشان اگر بتوانند، در این موضوع چیزی بنویسند. اگر چه آن بی چاره را کثرت افیون از عقل و کار دور ساخته بود، با این حال کتابی با نام اصل الوصول تصنیف کرد و میر مرتاض و خواجه شهاب الدین مروارید و مولانا نباتی [بنایی] هم در این فن رساله ها نوشته اند، اما چون همگی در اظهار استعداد خود کوشیده بودند، بهره مندی مبتدی از آنها دشوار بود. از آن جایی که حضرت مولانا به این فقیر همواره عنایت و التفات داشتند، رساله موسیقی و ادوار را نوشتند که در این فن مفیدتر و تکمیل تر از این رساله ای نیست». لازم به ذکر است گویا اصل الوصول، کتابی تک نسخه بوده است، زیرا در حال حاضر، اطلاعاتی از این اثر در دست نیست.

به نظر می رسد جز علایق شخصی، فعالیت های موسیقایی جامی در چارچوب موسیقی اهل تصوف سماع، که یکی از ده رکن تصوف محسوب می شود، برای او حائز اهمیت بوده است. یکی از فرق صوفیانه که در دوران سلطان بایقرا و وزیرش نوایی در هرات رواج داشت نقشبندیه بود. جامی نیز به این سلک درآمده و با فوت مرشدش، "سعدالدین

کاشغری" به سال ۸۶۰ ق.، یکی از اقطاب نقشبندیه گردید. جامی، سماع را مباح می‌دانست و توانست تا حدودی آزادانه، مجالس سماع را که در آن زمان در حلال و حرام بودنش، بحث فراوانی بود و اغلب از یک فرد منقبت خوان و نوازندگان نی و دف تشکیل می‌شد، برپا نماید^۱ (تصویر ۲) (Netton, 2003: 12-13؛ Keeneth, 2004: 174-75؛ Trimingham, 1971: 195؛ Gross, 1988: 93؛ Elias, 1998: 601؛ Lingwood, 2011: 233).

به احتمال فراوان، اهمیت حلقه‌های همراه با سماع، رساله موسیقی و اشعار حاوی مطالب موسیقایی جامی، بیش از آن که بیانگر محتوای فنی و موسیقایی آن باشد، بازتاب اوضاع موسیقایی عصر تیموری و بویژه خراسان، در دوره سلطان حسین بایقرا و اهمیت موسیقی در عرصه‌های مختلف این دوره است. علاوه بر این نشان می‌دهد که حمایت‌های دربار از اعتلای موسیقی در ابعاد گوناگون در گسترش مردمی این هنر تأثیر داشته و عکس‌العمل‌های مخالف را نیز بی‌اثر می‌ساخته است.

با این حال، حمایت و توجه دولت‌مردان و دربار تیموری به هنر و هنرمندان را نمی‌توان صرفاً به علایق هنری آنان ارتباط داد و اهداف سیاسی منتج از این رویکرد را نادیده انگاشت. کسب مشروعیت، بویژه در عصری که حضور قدرتمند تصوف و صوفیان با نگاه موافق برخی فرق به برخی هنرها و جایگاه والای رهبران صوفی در میان مردم وجود داشته است، بی‌شک از دغدغه‌های اصلی حکومت گران تیموری بود. از طرفی، بقا و جاودانگی نام خود و نیاکان از طریق حمایت و آماده‌سازی زمینه‌های متنوع هنری از سوی برخی دولت‌مردان تیموری، در این رشد هنری موثر بوده است.^۲

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: (مشهدی، ۱۳۷۱: ۲۱؛ هجویری غزنوی، ۱۳۷۳: ۵۲۳؛ واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ج ۱، ۲۷۸).

۲. با ضعف سیاسی دربار سلطان حسین بایقرا، موسیقی درباری نیز به سردی گرایید و پس از آن، موسیقی دانان برجسته دربار تیموریان در هرات به مناطق دیگری، هم‌چون دربار عثمانی، ازبکان و نیز دربار مغولان هند (گورکانیان)، روی آوردند و در اندک زمانی، تأثیرات موسیقی تیموریان بر موسیقی این نواحی آشکار گردید و به عنوان نمونه و الگویی برای فرهنگ‌ها و ممالک هم‌جوار مبدل شد (Haneda, ۱۹۹۷: ۱۳۲؛ اسعدی، ۱۳۸۰: ۴۵).

هنر نگارگری و شکوفایی بهزاد

سبک نگارگری تیموری به احتمال زیاد در بغداد در دوره سلطان احمد توسعه یافته بود^۱ (گری، ۱۳۹۰: ۳۸۲). بر مبنای گزارش منابع، تیمور، بهترین نقاشان را در پایتخت خود از میان هنرمندان این دیار گردآورده و برای آنان، جایگاهی خاص قائل شد (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۰۷؛ کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۴۶)، به نحوی که استاد عبدالحی که روزگاری در بغداد در دستگاه جلایریان از نقاشان به نام محسوب می شد، پس از تصرف بغداد و کوچ اجباری هنرمندان به سمرقند، در دستگاه حکومتی تیموریان، دارای مقامی رفیع گردید و شاگردان فراوانی را تربیت کرد (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱۴).

با این همه، عصر درخشان نگارگری ایران از زمان شاهرخ و فرزندانیش بایسنقر و الغ بیک و ابراهیم سلطان آغاز شد و مهمترین شاهزاده تیموری که در این راه، گام‌هایی مثبت برداشت، میرزا بایسنقر، فرزند شاهرخ بود (Diba, 2001: 11؛ Soudavar, 1992: 84-91؛ Robinson, 1982: 25). او با پرداخت دستمزدهای فراوان و اعطای انعام‌های شاهانه، استادان برجسته نگارگری را نزد خود دعوت و آنان نیز برای او ظریف‌ترین آثار هنری را پدید می آوردند. چنان که شاهنامه بایسنقری با بیست و دو نگاره، بیانگر اوج هنری این دوره محسوب می شود (بینیون، ۱۳۶۷: ۱۵۵؛ رابینسن، ۱۳۷۶: ۲۳).

در دوره شاهرخ و جانشینانش، روابط محکمی بین ایران و چین به وجود آمد و سبک نقاشی این دوره را تحت تأثیر قرار داد، اما هوشمندی نگارگران ایرانی به گونه‌ای بود که تنها عناصر موافق با کار خود را از آن وام گرفتند. در آغاز قرن نه قمری، نقاشی ایرانی با گونه‌ای از سبک بین‌النهرینی درآمیخت. در نتیجه، پرسپکتیو^۲ محدود شد به ترتیب بندی پیکره‌ها به صورت نیم رخ‌هایی که روی هم قرار گرفته بودند (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۵). نقاش ایرانی در این دوره، نه تنها تقلیدهای هنری و سبک‌های نقاشی چین را که وارد ایران شده بود مورد جذب و اقتباس قرار داد، بلکه در مسیر

۱. برای اطلاع بیشتر از اوضاع نگارگری قبل از تیموریان در عصر ایلخانان رجوع کنید به: (لعل شاطری، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۲).

۲. Perespective [ژرف‌نمایی]: نظام بازنمایی فضای سه بُعدی واقعیت است بر پهنه‌ی دو بعدی تصویر. دو موضوع اساسی در این نظام تصویری عبارت است از: ۱- اشیاء هر چه دورتر از چشم نگرنده باشند، کوچکتر به نظر می آیند. ۲- خط‌های متوازی ظاهراً در دور دست به هم می‌رسند (پاکباز، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

تکاملی خود، سرانجام استقلالی را نمایان کرد که منعکس کننده روح هنری ایرانیان بود. چنان که بررسی ویژگی‌های تصویری دو مکتب مهم و اصلی این دوره، یعنی هرات - در پرتو حمایت‌های سلطان حسین بایقرا - و دیگری شیراز، گواه این امر است (Binyon, 1971: 49; Robinson, 1976: 139).

با این وجود، شکوفایی مکتب هرات نتیجه طبیعی روند مصورسازی مکاتب تبریز و بغداد و تا حدودی مکمل و در امتداد مکتب شیراز بود. مکتب هرات را می‌توان به دو دوره‌ی تحول قبل و بعد از حکومت سلطان حسین بایقرا تقسیم کرد، به نحوی که بی‌شک اوج آن، حضور بهزاد در دربار سلطان حسین و خلق آثاری بدیع در نگارگری این دوره بود. در خصوص ویژگی‌های این مکتب می‌توان بیان داشت که آثار از صحنه‌های قوی و پر تحرکی نسبت به نگاره‌های هم‌زمان خود در شیراز برخوردار است. زیرا هنرمندان از ترکیب‌های متقارن در صحنه‌ها کمتر بهره برده‌اند. در عین حال، طراحی دقیق و توجه به بازسازی مناظر خیال‌انگیز طبیعت و ارتباط آن با معماری، هم‌چنین پیوند عمیق نقاشی با ادبیات و عرفان ایرانی و نیز ارائه اشکال و شکل‌های انسانی در کمال ظرافت، از دیگر ویژگی‌های بارز آن می‌باشد. علاوه بر این، دقت در به‌کارگیری در رنگ و تناسب رنگ‌ها و با کوچک‌سازی مساحت رنگ آمیزی شده و تکرار، نگارگران موفق شدند تناقض و تباین خروج از قاعده رنگ آمیزی را در تصاویر خود کاهش دهند، چنان‌که آثار مکتب هرات، آراسته‌ترین شیوه مصورسازی را با نمودهای گویایی از زندگی روزانه اجتماعی مردم را در خود تجمیع نمود که این امور، دست‌آوردهای مهمی را برای مکتب هرات در پی داشت (صادق پور، ۱۳۹۲: ۹۰؛ ابراهیمی ناغانی، ۱۳۸۸: ۱۶؛ مظفری خواه، ۱۳۹۱: ۱۱).

مکتب هرات در دوران سلطان حسین بایقرا، با توجه خاص نوایی به کمال خود رسید و متعاقباً استادان بی‌مانندی در دربار ظهور کردند. اساتید نگارگر این دوره با ویژگی‌های فنی خاص خود، حیاتی بی‌مانند به این هنر داده و تغییرات برجسته‌ای در آن ایجاد کردند که این موضوع، عامل تفاوتی میان نگارگران قبل و بعد از آنان گردید و این دوره را نسبت به سایر ادوار تاریخ ایران، متمایز کرد (Herrmann, 1990: 265؛ پاکباز، ۱۳۹۰: ۸۰-۸۴).

از جمله این افراد می توان به "خواجه میرک نقاش" که «در علم تصویر و تذهیب نظیر نداشت و در فن کتاب نویسی رایت بی مثلی برافراشته بود» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۴۸)، "شاه مظفر" که به خلق آثاری با سبکی منحصر به فرد می پرداخت (دوغلان، ۱۳۸۳: ۳۱۸) "قاسم علی چهره گشا" که از ملازمین دربار و نوایی بود، به طوری که به دلیل تعلیم این هنر به نوایی، بسیار مورد توجه او بود (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۴۲)، "مولانا حاجی محمد نقاش" که ذوفنون زمان خود بود (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۵۹۷۴) و می توان به استادانی هم چون "مولانا هوایی"، "مولانا مانی"، "مولانا فضلی"، "مولانا شربتی" و "مولا یاری" اشاره نمود (دوغلان، ۱۳۸۳: ۳۱۸-۳۱۹؛ نوایی، ۱۳۶۳: ۴۲، ۶۷، ۸۲، ۱۰۳، ۱۲۰، ۱۵۴). به احتمال فراوان، نقاشان دربار سلطان حسین بیش از این تعداد بودند، چنان که خواندمیر (۱۳۷۲: ۲۴۲) در خاتمه خلاصه الاخبار در کثرت نگارگران این عصر بیان می دارد که اگر نام تمامی آنان را ذکر نماید، او را به زیاده گوئی و درازنویسی منسوب می کنند. اما آن چه هست بی شک مهمترین و تأثیرگذارترین هنرمند این عصر و بزرگترین استاد نقاشی ایران و مشهورترین نگارگر جهان اسلام، "کمال الدین بهزاد" بوده است.

بهزاد، اواخر دهه ۸۶۰ ق. در هرات چشم به جهان گشود و در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و آقامیرک هروی (خواجه میرک نقاش) که از بستگان بهزاد و مردی با استعداد و صاحب هنر و در آن هنگام در زمره کتابداران سلطان حسین بایقرا محسوب می شد، تربیت و سرپرستی او را بر عهده گرفت و به او فن نگارگری آموخت (Mostsfa, 1959: 6؛ Thackston, 2001: 15؛ Soucek, 1989: 114). خواجه

میرک به تربیت بهزاد اهتمام کامل نهاد و بهزاد که هنرمندی مستعد بود، از هنر استاد خود و "پیر سید احمد تبریزی" بهره های فراوان برد. به علاوه، دربار هرات نیز باعث شد که در اندک زمانی، آوازه هنری بهزاد به دستگاه سلطان حسین بایقرا و وزیرش برسد و در پی آن، بهزاد در حدود سن بیست سالگی توانست خود را به عنوان هنرمند و نقاشی توانا معرفی نماید (آریان، ۱۳۶۲: ۲۵؛ محمدحسن، ۱۳۶۴: ۸۰؛ عارف عثمانوف، ۱۳۸۰: ۸۹؛ بهاری، ۱۳۸۳: ۱۱).

بر همین اساس در ۲۷ جمادی الاول ۸۸۹ ق. به موجب فرمان سلطان حسین

بایقرا، به سمت کلانتر (رئیس) کتابخانه سلطنتی هرات منصوب شد (قزوینی، ۱۳۳۲، ج ۲: ۲۷۰-۲۷۳؛ آژند، ۱۳۸۹: ۳۷۱). این انتصاب، زمانی صورت گرفت که او در حدود سی سال سن داشت و همین موضوع نشان دهنده استعداد و توانایی بالای هنری او می باشد. حال این که در آن زمان، هنرمندان نام آور و چیره دستی، چون حاجی محمد نقاش، استاد ولی الله و یا سلطان علی مشهدی از اساتید بی بدیل خوشنویسی محسوب می شدند و سبک تمامی آنان نیز، دارای ارزش خاص و در کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی مشغول به کار بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۳۸؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۹۷۳).

بهزاد پس از ورود به کتابخانه سلطنتی دربار در دوره ای هشت ساله از ۸۸۶ تا ۸۹۴ ق. به سبک شخصی خود دست یافت و آن را به تکامل رسانید و پس از آن تا سال ۹۱۶ ق. در سایه حمایت های بی دریغ نوایی به خلق بهترین آثار خود پرداخت (پاکباز، ۱۳۹۰: ۸۱) و گاه با حضور در نزد سلطان حسین بایقرا موجبات شور و شغف سلطان را ایجاد می کرد. چنان چه، سلطان حسین «او را مانی ثانی لقب نموده هرگاه این پادشاه عالی جاه را غمی یا المی پیرامون خاطر گردیدی و غبار قبضی بر مرآت ضمیر منیر رسیدی استاد مشارالیه صورتی برانگیختگی و پیکری برآمیختی که به مجرد نگاه کردن حضرت پادشاه در وی، آینه طبعش از رنگ کدورت و صفحه خاطرش از نقوش کلفت فی الحال متجلی گشتی» (واصفی، ۱۹۶۱، ج ۲: ۹۰۱). بر این اساس، گاه بهزاد به ترسیم محیط دربار و چهره سلطان حسین می پرداخت که در نوع خود، اثری یگانه و بی نظیر محسوب می شد (تصویر ۳).

بی شک از عوامل مهمی که سبب رشد و پرورش استعداد هنری کمال الدین بهزاد شد و او را به عنوان نگارگری مشهور و زبردست معرفی نمود، حمایت و تشویق های همه جانبه سلطان حسین و نوایی بود، چنان که در باب هنر او و جایگاه نوایی در رشد و ترقی بهزاد آمده است: «مظهر بدیع صور است و مظهر نوادر هنر، قلم مانی رقمش ناسخ آثار مصوران عالم و بنان معجز شیمش ما حی تصویرات هنروران بنی آدم:

موی قلمش ز اوستادی

و جناب استادی به یمن تربیت و حسن رعایت امیر نظام الدین علیشیر به این مرتبه

جان داده به صورت جمادی

ترقی نمود و حضرت خاقان منصور را نیز به آن جناب التفات و عنایت بسیار بود» (میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۶۰۰۷).

بهزاد پس از رسیدن به کمال و رشد نسبی در هنر نگارگری، یکی از ملازمان مخصوص نوایی در مجالس درباری خراسان که به وسیله این وزیر برپا می گردیده و اغلب حضار آن هنرمندان بوده اند، شد. او در یکی از این مجالس، نقاشی بسیار زیبایی به نوایی هدیه کرد. به گونه ای که نوایی «از عندلیب طبعش بر شاخسار شوق و ذوق نوای الاحسن الاحسن برخاست:

نقاش بُدی خانه مُنقَش کردی ای وقتِ تو خوش که وقتِ ما خوش کردی
بعد از آن، روی به حضار مجلس کرد و گفت: عزیزان را در تعریف و توصیف این صحیفه لازم التشریف به خاطر چه می رسد؟ مولانا فصیح الدین که استاد میر و از جمله مشاهیر اهل خراسان بود فرمود که مخدوماً من این گل های شکفته رعا را دیدم، خواستم که دست دراز کنم و گلی برکنم و بر سر دستار خود مانم. مولانا صاحب دارا که مصاحب و رفیق میر بود گفت: مرا نیز این داعیه شده بود اما اندیشه کردم که مبادا دست دراز کنم و این مرغان از سر درختان پرواز کنند ... بعد از آن استاد بهزاد را اسب با زین و لجام مناسب و اهل مجلس را هر کدام لباس های فاخر اندام فرمودند» (واصفی، ۱۹۶۱، ج ۲: ۹۰۸ - ۹۱۰).

بهزاد تا سال ۹۱۱ ق. که سال درگذشت سلطان حسین بایقرا بود، ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده داشت و در این بیست سال، آثار شگرفی از خود برجای نهاد. او در نمایش موضوعات محفلی، توانایی بسیار داشت و ابتکاراتی از خود بروز داد. به طوری که هر آن چه را که نوایی از راه ذكاء و ادراک شرح می نمود و آن چه را جامی از راه شعر و تصوف درمی یافت و انشاء می کرد، بهزاد از راه نگارگری مجسم می ساخت. هر چند زکی ولیدی طوغان (۱۳۷۷: ۵۴) بر این باور است که امیرعلیشیر نوایی، نقاشی چین را نمونه و الگو می دانست و به آن آثار، توجه ویژه ای داشت و هنرمندان زیر نظر خود را به آن سبک ترغیب می نمود، اما بهزاد، سبکی را با توجه به علایق و گرایش های هنری خاص خود و در پرتو حمایت های دربار رایج کرد که الگویی برای تمام ملل آسیایی گردید و گویا همین

امر نیز، باعث تغییر نظر و طبع نوایی و حمایت‌های هر چه بیشتر وی از سبک خلق شده به وسیله بهزاد بود (Robinson, 1992: 149؛ Bahari, 1996: 47).

با این حال، می‌توان بیان داشت که علاوه بر اهمیت هنری آثار تولیدی در این دوره، به احتمال فراوان، قابلیتِ کاربردی این آثار در تعاملات بین‌المللی نیز، مد نظر قرار داشته است، چنان که موجبات اعتبار فرهنگی را برای دربار سلطان حسین فراهم می‌آورد. بر این اساس، در زمینه فرهنگی، هر میزان نوآوری صورت می‌گرفت، بر عمق اعتبار فرهنگی و به تبع آن به اعتبار سیاسی دربار افزوده می‌شد.

بهباد، ساختار نگاره‌های خود را به گونه‌ای ترکیب‌بندی نمود که بتواند به عوامل انسانی، رفتار طبیعی اندام‌ها و حالات افراد توجه داشته باشد و نیز صحنه‌هایی غنی از تصاویر اجزای ساختمان‌ها، البته با رنگ‌بندی نوین خلق نماید. چنان‌چه او برخلاف نگارگران پیشین به جهان واقعی توجه نمود و توانست حالات خاص و ظریف آن‌چه را که مشاهده می‌کرد، با وضوح کامل تشخیص دهد و چنین امری مستلزم ارتباط متقابل و متعادل هنری بود که فقط از طریق به کارگیری اسلوب هندسی استقرار اجزا ممکن می‌شد. بهزاد، این اسلوب را در ساختار کلی ترکیب‌بندی اثر وصف‌آرایی پیکره‌ها وارد کرد (پاکباز، ۱۳۹۰: ۸۲). در حقیقت از جمله خصوصیات منحصر به فرد نگاره‌های او، این است که احساسات ذاتی خود را از زیبایی حرکات اطراف به کار اضافه می‌کرد و به یک هماهنگی کامل از حرکت دست می‌یافت، حتی اگر گاهی، پیکره‌های آثار او زیبارو و لطیف نباشند، اما از نظر پیچیدگی و هماهنگی بسیار پیشرفته‌اند (تصویر ۴).

اوج نوآوری بهزاد در نگاره‌های نسخه بوستان سعدی (۸۹۳ ق.) و نسخه خمسه نظامی (۸۹۹ ق.) که در سال‌های حضور بهزاد در دربار سلطان حسین و الطاف نوایی بود به منصف ظهور رسید. هر چند، آثاری که امضاء بهزاد را دربردارد، از حد شمار افزون است، ولی نمی‌توان به درستی همه آنها اعتماد کرد، زیرا در بسیاری از نگاره‌ها که به نظر می‌رسد واقعاً به دست بهزاد امضاء شده باشد، او به نام "عمل‌العبد بهزاد" امضاء کرده است (تصویر ۳) و بیشتر در این آثار، نام خود را به صورت کمرنگ و در بخشی نامشخص از نگاره گنجانده است (Tomas, 1989: 260-261؛ Arnold, 1930: 18-20؛ کونل، ۱۳۷۸: ۸۳-۸۷).

کن بای، ۱۳۷۸: ۷۶).

با دقت در نگاره‌های بازمانده از بهزاد می‌توان دریافت که در سایه حمایت‌های بی‌شائبه نوایی، بهزاد، هنر نگارگری درباری را از قانونمندی و خشکی تصاویر رهانید. به نحوی که او، دریچه جدیدی بر روی مکتب نگارگری گشود و مسیر این هنر کهن ایرانی را متحول ساخت و این موضوع، مگر در سایه همراهی دربار سلطان حسین بایقرا و بویژه وزیر هنردوست او از بهزاد، به وقوع نمی‌پیوست.

از وجود دربار هنرپرور خراسان در عصر تیموری و تعداد بسیار زیاد موسیقی دانان و نگارگران و وجود مراکز و نهادهایی با سبک‌های متنوع و مخصوص به خود، می‌توان دریافت یادگیری این دو هنر تا حدودی همگانی بوده و این موضوع در جامعه‌ی تیموری از کمالات شمرده می‌شده است. از این رو، خراسان در زمان حکمرانی طولانی تیمور و شاهرخ و ابوسعید، نوعی رونق هنری و به عبارت دیگر، نوعی ثبات کلی را در زمینه فعالیت‌های هنری و حمایت از هنرمندان نسبت به گذشته بدست آورد. با این همه، توسعه بیشتر این هنر به سبب مشکلات داخلی و خارجی که دولت تیموریان با آن مواجه بود از جمله تهاجمات ترکمانان، منازعات طولانی مدت برای جانشینی و مصادره‌ها و غیره به تأخیر افتاد تا سرانجام با روی کار آمدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ ق.)، بیشتر گونه‌های هنری و بویژه موسیقی و نگارگری در خراسان به اعتلا و کمال خود دست یافت و این امر به صورت جدی در جامعه مطرح گردید.

نتیجه

یکی از ویژگی‌های عصر تیموری، رونق برخی از حوزه‌های هنری بود. در این میان، اوج و شکوفایی دو هنر موسیقی و نگارگری در دوره سلطان حسین بایقرا و وزیر هنردوست او، نوایی به وقوع پیوست. به گونه‌ای که در این دوره، رواج موسیقی و نگارگری، مکتب‌های آموزشی، رساله‌ها و آثار گوناگون و خلق سبک‌های منحصر به فرد در این دو حوزه به طور عمده با محوریت عبدالرحمن جامی و کمال‌الدین بهزاد در خراسان به وقوع پیوست و پیشرفت هنری در زمینه موسیقی و نگارگری این دوره

به ندرت در دیگر دوره‌های تاریخی تکرار شد. یکی از مهمترین عوامل رشد هنرمندان، حمایت گسترده سلطان حسین بایقرا و نوایی بود. چنان که هنرمندان این دو حوزه، فارغ از دغدغه‌های گوناگون، تمام سعی خود را در راستای شکوفایی هنر خود به کار بستند. در این میان، مهمترین موضوع، امکاناتی بود که دربار هردوست بایقرا در خراسان در اختیار آنان قرار داد، به گونه‌ای که بسیاری از هنرمندان از جمله بهزاد و جا می توانستند در هنر خود به اوج شکوفایی دست یابند. علاوه بر این، حمایت‌های دربار موجب گردید تا هنر برخی از این هنرمندان بدون محدودیت در میان مردم نیز رسوخ کرده و رواج یابد و این موضوع تا حد زیادی به دلیل رشد فرهنگی - اجتماعی اقشار مختلف خراسان بود. با این حال، فارغ از طبع هردوست دربار، می باید این مهم را در نظر داشت که نمایاندن اقتدار پادشاه تیموری و ترغیب مردم بر اطاعت هر چه بیشتر از فروانروا و اموری از قبیل نشان دادن گستره قدرت، شکوه دربار و کسب اعتبار فرهنگی در کنار علاقه به ابعاد مختلف هنر در توجه به هنرمندان و هنر آنان، در حمایت دربار بایقرا از عرصه‌های مختلف هنری نیز تأثیر داشته است. به عبارتی دیگر، می توان این امر را از سویی در علایق هنری دربار و از سویی، در سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و حکومتی در راستای کسب وجهه بین‌المللی جست‌جو نمود. با این همه، هنر دربار هرات، بر خلاف عهد رنسانس در اروپا که ارزش‌های مادی را منعکس می کرد، متناسب و مبتنی با فرهنگ اسلامی - ایرانی بود و ارزش‌های ایرانی را در خود پروراند.

منابع

- آریان، قمر (۱۳۶۲). *کمال الدین بهزاد*. تهران: هنر و فرهنگ.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۹). *نگارگری ایران*، ج ۱. تهران: سمت.
- ابراهیمی ناغانی، حسین (۱۳۸۸). "مطالعه تطبیقی شکل انسان در نگارگری مکتب هرات و نقاشی قاجار". *جلوه هنر*، سال اول، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۳-۲۸.
- ابن عربشاه، احمد بن محمود (۱۳۵۶). *عجایب المقدور فی النوائب التیمور*. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اسعدی، هومان (۱۳۸۰). "مطالعه ای سازشناختی در رسالات و نگاره های موسیقایی تیموری". *ماه‌ور*، سال ششم، ش ۲۴ (تابستان): ۶۱-۹۸.
- بهاری، عبادالله (۱۳۸۳). "کمال الدین بهزاد: ریشه و شاخه های هنرش". در: *مجموعه مقالات همایش بین المللی بهزاد*. تهران: فرهنگستان هنر: ۹۵-۱۰۸.
- بیانی کرمانی، عبدالله بن محمد (۱۳۹۰). *مونس الاحباب*. به کوشش علی میرافضلی. تهران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.
- بنایی، علی بن محمد (۱۳۶۸). *مقدمه رساله در موسیقی*. با مقدمه داریوش صفوت و تقی بینش. تهران: نشر دانشگاهی.
- بینیون، لورنس (۱۳۶۷). *سیر تاریخ نقاشی ایران*. ترجمه محمد ایرانمنش. تهران: امیرکبیر.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۰). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: زرین و سیمین.
- پوپ، آرتور آپم (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*. ترجمه نجف دریابندری، ج ۱۰. تهران: علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۱). *دایره المعارف هنر (نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک)*. تهران: فرهنگ معاصر.
- توشراتو، امیر (۱۳۷۶). *هنر ایلیخانی و تیموری*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۴۱). *کلیات دیوان جامی*. به کوشش هاشم رضی. تهران: پیروز.

- (۱۳۷۰). *نفحات الانس من حضرات القدس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات.
- (۱۳۷۵). *مثنوی هفت اورنگ*. به تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: مهتاب.
- (۱۳۷۸). *دیوان جامی*، ج ۲. تصحیح اعلاخان افصح زاده. تهران: میراث مکتوب.
- (۱۳۸۷). "نقاشی ایران از دوره تیموری تا پایان قاجار: نگاه به بنیان‌های نوگرایی نقاشی ایران". *کتاب ماه هنر*، ش ۱۲۶ (اسفند): ۶۰-۷۱.
- (۱۳۹۳). *تواریخ ملوک و انبیا مشهور به تاریخ جعفری و تاریخ کبیر*. به اهتمام نادر مطلبی کاشانی. قم: مورخ.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۸۰). *زبدة التواریخ*، ج ۲. تصحیح کمال حاج سید جوادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۷۲). *مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار*. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- (۱۳۷۸). *مکارم الاخلاق*. به تصحیح محمداکبر عشیق. تهران: میراث مکتوب.
- (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*، ج ۴. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام.
- دوغلات، حیدر میرزا (۱۳۸۳). *تاریخ رشیدی*. به تصحیح عباس قلی غفاری فرد. تهران: میراث مکتوب.
- رابینسن، ب. و. (۱۳۷۶). *هنر نگارگری ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- زکی ولیدی طوغان، احمد (۱۳۷۷). "امیرعلیشیر بزرگترین شخصیت ادبی ترک". ترجمه مریم ناطق شریف. *نامه پارسی*، سال سوم، ش ۳ (پاییز): ۳۹-۵۷.
- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات*، ج ۲. به تصحیح محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.

- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). *تذکره الشعرا*. به تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، ج ۲. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادق پور، ابوالفضل (۱۳۹۲). "رنگ در مکتب هرات تیموری با رویکردی بر آثار کمال الدین بهزاد و مولانا علی". *کتاب ماه هنر*، ش ۱۷۹ (تابستان): ۹۳-۸۶.
- صفوی، سام میرزا (۱۳۷۱). *تذکره تحفه سامی*. به تصحیح رکن الدین همایون فرخ. تهران: شرکت سهامی کتب ایران.
- عارف عثمانوف، عبدالمجید محمد رحیموف (۱۳۸۰). "استاد کمال الدین بهزاد". *هنر و معماری*، ش ۴۸ (تابستان): ۸۹-۹۳.
- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۲). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- قزوینی، محمد (۱۳۳۲). *یادداشت های قزوینی*، ج ۲. تهران: بی نا.
- کاوسی، ولی الله (۱۳۸۹). *تیغ و تنبور*. تهران: متن.
- کلاویخو، رویی گونسالس (۱۳۳۷). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کن بای، شیلا (۱۳۷۸). *نقاشی ایران*. ترجمه مهدی حسینی. تهران: دانشگاه هنر.
- کونل، ارنست (۱۳۷۸). "تاریخ نگارگری و طراحی". ترجمه و گردآوری یعقوب آژند. در: *سیر و صور نقاشی ایران*. تهران: مولی: ۱۳۵-۱۵۴.
- گازرگاهی، امیرکمال الدین حسین (۱۳۷۵). *مجالس العشاق*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: زرین.
- گری، بازیل (۱۳۹۰). "هنرهای تصویری در دوره ی تیموری". ترجمه یعقوب آژند. در: *تاریخ ایران به روایت کمبریج*. گردآورنده پی تر جکسن. تهران: امیرکبیر، ۳۸۰-۴۱۴.
- گروسه، رنه (۱۳۵۳). *امپراطوری صحرانوردان*. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۳). "موسیقی عصر تیموری با تکیه بر نگاره ها و روایات تاریخی". پژوهش های علوم تاریخی، سال ششم، ش ۱۰ (پاییز و زمستان): ۵۹-۷۸.
- ----- (۱۳۹۴). "تأثیر هنر چین بر مصورسازی کتب در عصر ایلخانان (۷۵۶-۶۶۳ ق)". مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال سوم، ش ۵ (بهار و تابستان): ۷۹-۱۰۸.
- لنتس، توماس (۱۳۷۷). دوازده رخ. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۷). جامی. تهران: طرح نو.
- محشون، حسن (۱۳۸۸). تاریخ موسیقی ایران. تهران: فرهنگ نو.
- محمدحسن، زکی (۱۳۶۴). تاریخ نقاشی در ایران. ترجمه ابوالقاسم سحاب. تهران: سحاب.
- مشهدی، سلطانعلی (۱۳۷۱). اربعین نورالدین عبدالرحمان جامی. تصحیح کاظم مدیرشانه چی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مظفری خواه، زینب (۱۳۹۱). "بررسی فضا در نگارگری ایرانی با تأکید بر منتخبی از آثار بهزاد". مطالعات هنر اسلامی، سال هشتم، ش ۱۶ (بهار و تابستان): ۷-۲۰.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمد (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفا، ج ۱۱. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- نثاری بخاری، حسن (۱۳۷۷). مذکر/حباب. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: نشر مرکز.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳). منتخب/التواریخ. تصحیح ژان اوبن. تهران: اساطیر.
- نظامی باخزری، عبدالواسع (۱۳۷۱). مقامات جامی. به تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: نشر نی.
- نوایی، امیرعلیشیر (۱۳۶۳). تذکره مجالس/النفایس. به کوشش علی اصغر حکمت. تهران: منوچهری.
- ----- (۱۳۷۵). دیوان/امیرعلیشیرنویسی. به اهتمام رکن الدین همایون فرخ. تهران: اساطیر.

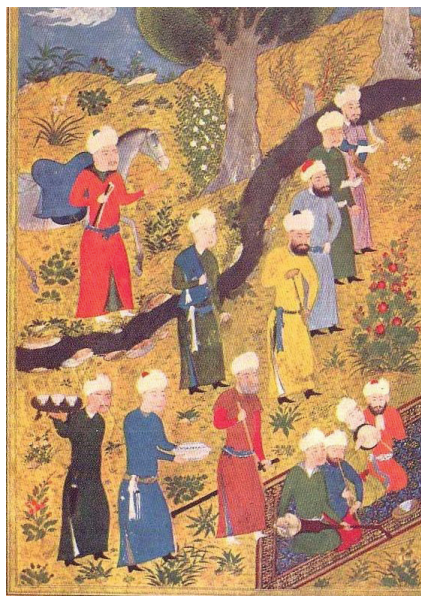
- (۱۳۸۱). *خمسۀ المتحیرین*. ترجمه محمد نخجوانی. به کوشش مهدی فرهانی منفرد. تهران: فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- واصفی، زین الدین محمود (۱۹۶۱). *بدایع الوقایع*. با مقدمه الکساندر بالدیرف. مسکو: بی نا.
- واعظ کاشفی، کمال الدین حسین (۲۵۳۶). *رشحات عین الحیات*، ج ۱. تهران: نوریانی.
- واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف (۱۳۷۹). *خلد برین*. تهران: میراث مکتوب.
- هجویری غزنوی، علی بن عثمان (۱۳۷۳). *کشف المحجوب*. تصحیح ژوکوفسکی. تهران: طهوری.
- یزدی، شرف الدین علی (۱۳۷۹). *سعادت نامه*. به کوشش ایرج افشار. تهران: میراث مکتوب.
- (۱۳۸۷). *ظفرنامه*، ج ۱. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: مجلس.
- Arnold, T. W. (1930). *Bihzad and Painting in the Zafar-namah*. London: limited.
- Bahari, Ebadollah (1996). *Bihzad, Master of Persian Painting*. London: Tauris.
- Beline, M. (1861). "Notice Biographique et Litteraire Sur Mir Ali Sher Navai". *Journal Asiatique*, Vol. 17, No. 1:197-229.
- Binyon, Lawrence (1971). *Persian Miniature Painting*. New York: Dover.
- Burton, Audrey (1997). "Descendants et successeurs de Timour : la rivalité territoriale entre les régimes ouzbek, safavide et moghol". *Cahiers d'Asie central*, Vol. 3, No. 4: 23-39.
- Dale, Stephen (1996). "The Poetry and Autobiography of the Bcibur-ncama". *Asian Studies*, Vol. 55, No. 3: 635-664.

-
- Diba, Layla (2001). “Invested with life: Wall painting and imageri before the qagars”. *Iranian studies*, Vol. 34, No. 4: 5-16.
 - Di cosmo, Nicola (2005). *Mongols, Turks, and Others*. Leiden: Bostsn.
 - Elias, Jamal (1998). “Sufism”. *Iranian Studies*, Vol. 31, No. 3: 595-613.
 - Erkinov, Aftandil (2008). “Poets and the Meaning of Poetry in Contemporary Uzbek Society”. *Anthropology of the Middle East*, Vol. 3, No. 3: 1-9.
 - Golden, Peter (2011). *Central Asia in World History*. Oxford: University Press.
 - Gray, Basil (1977). *Parsian Painting*. New York: Oxford Univercity Press.
 - Gross, Jo-Ann (1988). “The Economic Status of A Timurid Sufi Shaykh: A Matter of Conflict or Perception?”. *Iranian Studies*, Vol. 21, No. 2: 84-104.
 - Haneda, Masashi (1997). “Emigration of Iranian Elites to India during the 16-18th centuries”. *Cahiers d’Asie central*, Vol. 3, No. 4: 129-143.
 - Hecker, Felicia J. (1993). “A Fifteenth-Century Chinese Diplomat in Heart”. *Journal of the Royal Asiatic Society*, Vol. 3, No. 3: 85-98.
 - Herrmann, Gottfried (1990). “Zur Biographi des persischen malers Kamal ad_Din Bihzad”. *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Vol. 23, No. 2: 261-272.

-
- Kia, Chad (2012). "Sufi orthopraxis: visual language and verbal imagery in medieval Afghanistan". *Word & Image: A Journal of Verbal*, Vol. 28, No. 1: 1-18.
 - Lewisohn, Leonard (2003). *The Heritage of Sufism*. London: Middle Eastern Studies, SOAS.
 - Lingwood, Chad (2011). "The qebla of Jami is None Other than Tabriz: Abd al Rahman Jami and Naqshbandi Sufism at the Aq Qoyunlu Royal Court", *Persianate Studies*, Vol. 4: pp 233-245.
 - Netton, Ian Richard (2003). *Sufi Ritual: The Parallel Universe*. Richmond: Curzon Press.
 - Parker, Charles (2010). *Global Interactions in the Early Modern Age, 1400 1800*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - pope, Arthur Upham (1960). "A Ddendum a on the discovery of falsifications and the recognition of authenticity". *Asia institute*, Vol. 3: 1-10.
 - Robinson, Basil William (1976). *Islamic Painting and the Art the Book*. London: Faber and Faber.
 - ----- (1982). "A Survey of Persian painting (1350-1896)". *Art Societe dans le monde iranien*. Vol. 26, No. 2: 13-89.
 - ----- (1992). *Miniatures Peranes, Textiles, Ceramiques, Ofevrerie Rassembles ar Jean Pozzi*. Geneva: Musee d'art et d'histoire.
 - Simidchieva, Marta (2003). "Imitation and Innovation in Timurid Poetics: Kashifi's Badayifi al-afkar and its Predecessors, al-Mujam and Hadaiq al-sihr". *Iranian Studies*.

Vol. 36, No. 4: 509-530

- Soudavar, A. (1992). *Art of the parsian courts*. New York: Rizzoli.
- Subtelny, Maria (2003). “Husayn Vafiiz-i Kashifi: Polymath, Popularizer, and Preserver”. *Iranian Studies*, Vol. 36, No. 4: 463-467.
- ----- (2007). *Timurid in transitions: Turko-persian politics and acculturation In Medieval ran*. Leiden: Brill.
- Soucek, Priscilla (1989). “Kamal-Al-Din Behzad”. In: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IV: 114-116.
- Soucek, Svat (2000). *A History of Inner Asia*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thackston, Wheeler (2001). *Album Prefaces and Other Documents on the History of Calligraphers and Painters*. Leiden: Brill.
- Tomas, W. (1989). *Timur and the Princely Vision, Persian Art and Culture in the Fifteenth Century*. Los Angeles: Museum of Art.
- Trimingham, J. Spencer (1971). *The Sufi Orders in Islam*. Oxford: Clarendon Press.
- Vaughn Findley, Carter (2005). *The Turks in World History*. Oxford: Oxford University Press.
- Wilkinson, J. (2011). “Persian painting”. *Journal of The Royal Central Asian Society*, Vol. 18, No. 1: 81-82.



تصویر (۱) گروهی از نوازندگان (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۸۸۲)



تصویر (۲) سماع دراویش (Lewisohn, 2003: 1)



تصویر ۳) تک چهره سلطان حسین بایقرا، هرات ۹۰۵-۹۳۰ ق. (کاوسی، ۱۳۸۹: ۳۳۳)



تصویر ۴) بوستان سعدی، گریز یوسف از زلیخا (پاکباز، ۱۳۹۰: ۱۰۲)

رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۹

ابوالفضل مشکینی^۱

محدثه معززبرآبادی^۲

چکیده

رشد و توسعه به عنوان یک مقوله ی اقتصادی- اجتماعی، نخست به وسیله اقتصاددانان مطرح شد و سپس به علوم دیگر راه یافت. هدف اصلی توسعه کاهش نابرابری های منطقه ای و تسریع رشد اقتصادی است. سطح بندی و رتبه بندی با استفاده از روش های علمی باعث شناخت نابرابری های ناحیه ای می شود. شناخت و بررسی توانایی ها و امکانات نواحی و رتبه بندی آن ها، نخستین گام در برنامه ریزی و توسعه نواحی به شمار می رود. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری شامل کلیه شهرستان های استان خراسان رضوی می باشد. به منظور تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان، تعداد ۲۴ متغیر تعیین گردید. با توجه به معیارهای مورد بررسی، داده های مورد نیاز از سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ استان خراسان رضوی به دست آمده است. داده های حاصل از آمارنامه با استفاده از فنون و روش های آماری تحلیل عاملی در نرم افزارهای SPSS و ARCMAP مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، تعیین میزان توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی و رتبه بندی آن ها به لحاظ میزان برخورداری از شاخص های مختلف توسعه با استفاده از روش تحلیل عاملی است. نتایج این پژوهش به طور کلی نشان می دهد که در سطح شهرستان های استان خراسان رضوی

۱. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس- تهران

abolfazl.meshkini@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس- تهران

mohadesemoazez@yahoo.com

عدم تعادل های منطقه ای و نابرابری به لحاظ متغیرهای مورد مطالعه، به وضوح دیده می شود؛ به گونه ای که شهرستان توسعه یافته با شهرستان محروم ۱۰,۴۲ امتیاز اختلاف نشان می دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شهرستان مشهد با امتیاز ۵/۵۵ در رتبه اول و شهرستان های گناباد و درگز و نیشابور به ترتیب در رتبه های دوم، سوم و چهارم قرار گرفتند و شهرستان زاوه با امتیاز ۴/۷۸- در رتبه بیست و هفتم به عنوان محروم ترین شهرستان شناخته شد.

واژگان کلیدی: خراسان رضوی، تحلیل عاملی، شاخص های توسعه

مقدمه

رشد و توسعه به عنوان یک مقوله ی اقتصادی- اجتماعی، نخست به وسیله اقتصاددانان مطرح شد و سپس به علوم دیگر راه یافت. از جمله دشواری های همیشگی در بررسی ادبیات توسعه اقتصادی و دگرگونی های اجتماعی، مشخص کردن مفهوم توسعه و رشد است. توسعه را می توان فرایندی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی می شود (کهنسال و رفیعی دارانی، ۱۳۸۸: ۴۶). تغییرات اجتماعی- اقتصادی دهه های اخیر عدم تعادل منطقه ای و تمرکز بیش از حد امکانات در برخی نقاط و محرومیت دیگر نقاط را در پی داشته است. در نتیجه، برخی مناطق در مقایسه با سایر مناطق یک کشور عملکرد بهتری داشته، در نتیجه از رشد و توسعه مطلوب تری برخوردار بوده اند. برنامه ریزی ناحیه ای (منطقه ای) سعی در ایجاد تعادل هایی بین و درون ناحیه ای دارد؛ بنابراین در فرایند برنامه ریزی ناحیه ای باید کل ناحیه را به طور جامع در نظر گرفت (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۱۴۴). بررسی و شناخت وضعیت نواحی، قابلیت ها و تنگناهای آن در برنامه ریزی ناحیه ای از اهمیت بسزایی برخوردار است. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، نوعی ضرورت، جهت ارائه طرح ها و برنامه ها محسوب می شود، به طوری که استفاده از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و غیره می تواند معیار مناسب هم برای تعیین جایگاه آن نواحی و هم چنین عاملی در جهت رفع مشکلات و نارسایی های مبتلا به خود

برای نیل به رفاه اقتصادی و سلامت اجتماعی جهت رسیدن به توسعه باشد (تقوایی و بهاری، ۱۳۸۹: ۱۶). شناخت نابرابری و عدم تعادل در چارچوب محدوده های جغرافیایی مختلف (کشور، استان و شهرستان)، پی بردن به اختلافات و تفاوت های موجود و سیاست گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری ها، از وظایف اساسی متولیان توسعه مناطق جغرافیایی به شمار می رود. برنامه های توسعه باید به دنبال بهبود و ارتقای سطح زندگی باشد. کاهش تفاوت های منطقه ای به منظور جلوگیری از حرکات و جابه جایی نیروی انسانی و سرمایه، در فراهم سازی زمینه های توسعه بسیار مؤثر است (علوی، و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۰). شیوه های مختلفی برای تعیین درجه توسعه یافتگی و همگنی مناطق وجود دارد که می توان به روش های تاکسونومی عددی، اسکالوگرام^۱، تحلیل خوشه ای، تحلیل عاملی و ... اشاره نمود. در میان روش های فوق روش تحلیل عاملی، یکی از پیچیده ترین و در عین حال در زمره بهترین روش هاست. روش مذکور نه تنها برای طبقه بندی پدیده هایی با ویژگی های متعدد قابل استفاده است، بلکه معیاری برای دسته بندی پدیده ها از نظر میزان توسعه یافتگی شان نیز به شمار می آید (تقوایی، نوربخشی و زنگی آبادی، ۱۳۸۶: ۱۷). هدف پژوهش حاضر، تعیین میزان توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی و رتبه بندی آن ها به لحاظ میزان برخورداری از شاخص های مختلف توسعه با استفاده از روش تحلیل عاملی است. بر این اساس این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که وضعیت توسعه یافتگی در شهرستان های استان خراسان رضوی چگونه است؟

اهمیت و ضرورت

توسعه را باید جریانی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواست های افراد گروه های اجتماعی در داخل نظام، از حالت

نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع و حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می یابد. به منظور رسیدن به این مقصود و کامیابی در این راه، باید به برنامه ریزی توسعه اهمیت داده شود (سرور و خلیجی، ۱۳۹۴: ۹۱). مشکلات عظیم جامعه شهری در کلان شهرها از یک سو، و حرکت های جهانی از سوی دیگر، بیانگر آن است که تحولات زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و شکلی باید آن چنان رخ دهد و ادامه یابد که متضمن توسعه پایدار و ساماندهی و تداوم کیفیت ها باشد (پورجعفر، خدایی و پورخیزی، ۱۳۹۰: ۳۱). واقعیت این است که از لحاظ شاخص های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین جوامع، تفاوت آشکاری وجود دارد. قطعاً ظهور هر پدیده اجتماعی حاصل تقابل عوامل و زمینه های گوناگون داخلی و بیرونی جامعه از گذشته تا حال است که به نوبه خود، این تقابل و احوال جدید، جامعه را شکل می دهد. با این حال، تفاوت ها و نابرابری های منطقه ای از جنبه های مختلف و عدم شناسایی کامل این نابرابری ها و تفاوت ها مانع از برنامه ریزی دقیق شده است (تقوایی و کیارستمی، ۱۳۸۱: ۲۹). استان خراسان رضوی یکی از استان های مرزی کشور است. بنابراین، اهمیت و ضرورت برنامه ریزی برای این استان به شدت احساس می شود. در این پژوهش، شهرستان های این استان به لحاظ ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با استفاده از ۲۴ شاخص مختلف، میزان توسعه یافتگی مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

پیشینه پژوهش

در زمینه توسعه یافتگی و روش های رتبه بندی توسعه یافتگی، مطالعات زیادی صورت گرفته است که می توان به مطالعات زیر اشاره نمود:

جو و ماریا (Joao & Maria, 2001) در پژوهشی با روش تحلیل عاملی جهت آشکار نمودن نابرابری های منطقه ای، مناطق کشور پرتغال را در مقاطع زمانی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵ به لحاظ توسعه رتبه بندی نموده اند.

راوی و اکسیو (Ravi & Xiao-Bo, 1998) در پژوهشی به بررسی نابرابری منطقه ای

در روستا - شهرهای چین در بازه زمانی ۱۹۸۳-۱۹۹۵ پرداخته اند که با استفاده از مجموعه داده های یکسان، به بررسی نابرابری شهر و روستا می پردازد. نتایج نشان می دهد که سهم نابرابری روستا از شهرها بیشتر است.

فلیشر، لی و ژو (Fleisher, Li & Zhao, 2008) به تحقیق و بررسی نابرابری منطقه ای در چین پرداخته اند. در این تحقیق، مناطق بر اساس نابرابری در توسعه انسانی و رشد اقتصادی درجه بندی شده اند.

تقوایی و بهاری (۱۳۸۹) در پژوهشی با روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای به سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران مبادرت نموده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین شهرستان های استان به لحاظ شاخص های توسعه اختلاف وجود دارد و شهرستان های استان مازندران را در پنج سطح طبقه بندی کرده اند که شهرستان های سوادکوه و رامسر در سطح بسیار برخوردار و شهرستان های نکا و گلوگاه در سطح بسیار محروم واقع شده اند.

مؤمنی و قهاری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی وضعیت توسعه یافتگی شهرستان های استان فارس در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ پرداخته اند. در این پژوهش از روش های آماری تاکسونومی عددی^۱، ضریب ویلیامسون^۲ و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که در طول دوره آماری، از تعداد شهرستان های توسعه یافته کاسته شده و بر تعداد شهرستان های محروم افزوده شده است.

موحد، فیروزی و روزبه (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای پرداخته اند. در این پژوهش، با استفاده از ۲۵ شاخص توسعه شهری، شهرستان ها رتبه بندی شده اند. بر مبنای شاخص های انتخابی، شهرستان های استان خوزستان در سه سطح دسته بندی شده اند: سطح اول شامل شهرستان های آبادان، اندیمشک، اهواز، بهبهان، رامهرمز، شوشتر، امیدیه (توسعه یافته)؛ سطح دوم شامل شهرستان های ایزه، خرمشهر، دشت آزادگان، شادگان، مسجد سلیمان، شوش و باغملک (نیمه محروم)

و سطح سوم شامل شهرستان های دزفول، لالی، هندیجان، رامشیر و گتوند (محروم) می باشند.

نسترن و فتاحی (۱۳۸۸) در پژوهشی به سطح بندی شهرستان های استان گلستان از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی پرداخته اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان دهنده عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان های این استان می باشد، به شکلی که شهرستان های گرگان، بندرگز و کردکوی از لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات نسبت به دیگر شهرستان های بندر ترکمن، مینودشت، آزادشهر و آق قلا در رتبه آخر قرار دارند.

روش پژوهش

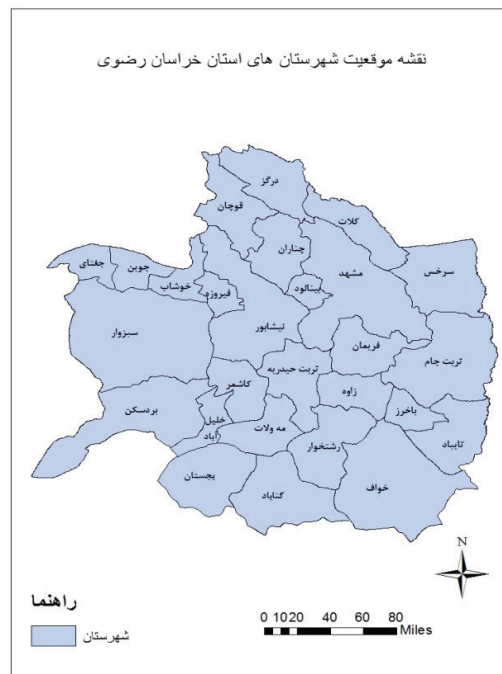
این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن توصیفی- تحلیلی است. جامعه آماری شامل کلیه شهرستان های استان خراسان رضوی می باشد. به منظور تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان، تعداد ۲۴ متغیر تعیین گردید. با توجه به معیارهای مورد بررسی، داده های مورد نیاز از سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ استان خراسان رضوی به دست آمده است. داده های حاصل از آمارنامه با استفاده از فنون و روش های آماری تحلیل عاملی در نرم افزارهای SPSS و ARCMAP مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

منطقه مورد مطالعه

استان خراسان رضوی با مساحت بیش از ۱۱۶ هزار کیلومتر مربع که بین مدار جغرافیایی ۳۳ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. استان خراسان رضوی از شمال و شمال شرقی به طول ۵۳۱/۶ کیلومتر با کشور ترکمنستان و از شرق به طول حدود ۳۰۲ کیلومتر با کشور افغانستان مرز مشترک دارد و از لحاظ مرزهای داخلی، از شمال غربی با استان خراسان شمالی، و از

جنوب با استان خراسان جنوبی و از غرب و نیمه شمال غربی به استان سمنان محدود می باشد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰، این استان شامل ۲۷ شهرستان، ۶۹ بخش، ۷۲ شهر و ۱۶۳ دهستان بوده است. بلندترین نقطه استان، قله بینالود در ۳۶۱۵ متری و پست ترین نقطه استان در دشت سرخس با ارتفاع ۲۹۹ متر از سطح دریا واقع شده است (سازمان آمار ایران، ۱۳۹۰).

این استان به عنوان یکی از مهم ترین استان های کشور، به لحاظ منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و مذهبی محسوب می شود. بنابراین با توجه به اهمیت کلیدی آن در توسعه کشور و نیز موقعیت خاص منطقه ای، بررسی وضعیت آن در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. شکل ۱، موقعیت شهرستان ها را در استان خراسان رضوی نشان می دهد. هم چنین جدول ۱، مساحت و جمعیت شهرستان های استان خراسان رضوی را نشان می دهد.



شکل ۱) نقشه موقعیت شهرستان های استان خراسان رضوی (مأخذ: نگارندگان)

جدول (۱) جمعیت و مساحت شهرستان های استان خراسان رضوی

شهرستان	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت
باخزر	۱۸۹۶/۶۵	۵۳۵۸۲
بجستان	۳۸۱۵/۵۷	۳۰۶۶۴
بردسکن	۷۱۱۷/۴۰	۷۲۶۲۶
بینالود	۱۱۸۵/۲۶	۵۸۴۸۳
تایباد	۲۹۲۹/۰۷	۱۰۸۴۲۴
ترت جام	۸۱۶۷/۸۲	۲۶۲۷۱۲
ترت حیدریه	۳۶۷۱/۸۰	۲۱۰۳۹۰
جغتای	۱۷۱۷/۱۸	۴۷۹۲۰
جوین	۱۶۵۶/۰۵	۵۴۱۳۹
چناران	۳۰۸۰/۰۴	۱۲۵۶۰۱
خلیل آباد	۱۱۳۵/۷۸	۴۹۱۱۱
خواف	۹۷۹۶/۷۳	۱۲۱۸۵۹
خوشاب	۱۷۷۰/۶۶	۳۷۹۱۴
درگز	۳۷۶۵/۲۷	۷۴۳۲۶
رشتخوار	۳۵۹۷/۶۱	۶۰۶۳۲
زاوه	۲۵۷۴/۴۷	۷۱۶۷۷
سبزوار	۱۲۵۵۸/۰۰	۳۱۹۸۹۳
سرخس	۵۳۹۴/۹۰	۸۹۹۵۶
فریمان	۳۳۵۳/۷۲	۹۳۹۳۰
فیروزه (تخت جلگه)	۱۶۰۵/۰۵	۴۲۷۳۹
قوچان	۳۸۵۴/۹۸	۱۷۹۷۱۴
کاشمر	۳۳۴۹/۹۶	۱۵۷۱۴۹
کلات	۳۵۰۲/۹۲	۳۸۲۳۲
گناباد	۵۷۶۷/۷۹	۸۰۷۸۳
مشهد	۹۱۴۲/۲۴	۳۰۶۹۹۴۱
مه ولات	۳۳۲۳/۳۴	۴۸۹۰۰
نیشابور	۶۷۶۳/۱۴	۴۳۳۱۰۵

روش ها

روش های مختلفی برای سطح بندی سکونت گاه ها و تعیین درجه توسعه یافتگی آن ها وجود دارد. روش هایی که دامنه پیچیدگی آن ها از روش های نسبتاً ساده مبتنی بر شمارش تعداد نهادهای خدماتی و وزن دهی به آن ها، مانند روش گاتمن^۱ شروع می شود و تا روش های پیچیده ای که نیازمند در نظر گرفتن متغیرهای مختلف است، مانند تحلیل عاملی تغییر می کند. هم چنین برای تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق، روش های متعدد دیگری از جمله شاخص ترکیبی منابع انسانی، تاکسونومی عددی^۲، امتیاز استاندارد شده و غیره نیز وجود دارد (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۶).

تحلیل عاملی

تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی از روش های آماری چندمتغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده هاست. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می پردازد و در نهایت آن ها را در قالب عامل های عمومی محدودی دسته بندی کرده و تبیین می کند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۲۸۲). از طرف دیگر، می توان با استفاده از این روش تعیین کرد که هر یک از این عوامل تا چه اندازه در ایجاد این اختلاف، نقش دارند (توفیق، ۱۳۷۲: ۵۳). هدف از به کارگیری روش تحلیل عاملی، به دست آوردن وزن یا درجه اهمیت هر شاخص به صورت کمی و استخراج شاخص های ترکیبی غیر همبسته، تحت عنوان عامل هاست (اکبری، و زاهدی کیوان، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در روش تحلیل عاملی، این مزیت وجود دارد که هیچ محدودیتی در تعداد متغیرها وجود ندارد و تعداد آن ها را می توان در صورت داشتن آمار و اطلاعات مربوط، به حد کافی افزایش داد. در این روش، ورود متغیرهای جدید ایرادی به عامل و شاخص تلفیقی وارد نمی نماید، زیرا متغیر جدید، بعد دیگری از توسعه را علاوه بر ابعاد مطرح شده در متغیرهای قبلی می افزاید (معینی، ۱۳۷۷: ۴۵).

1. Guttman

2. Numerical taxonomy

مراحل انجام روش تحلیل عاملی

به منظور استفاده و به کارگیری روش تحلیل عاملی مراحل زیر را باید به ترتیب طی نمود:

- انتخاب متغیرها برای تحلیل عاملی
- محاسبه ماتریس همبستگی
- استخراج مجموعه عوامل اولیه
- استخراج مجموعه عوامل نهایی به وسیله چرخش عوامل
- محاسبه امتیازات عاملی
- رتبه بندی شهرستان ها بر اساس مجموع امتیازات به دست آمده از تحلیل عاملی.

تحلیل خوشه ای

روش تحلیل خوشه ای مکمل تحلیل عاملی بوده و در ادامه آن به کار گرفته می شود. پس از طی مراحل مختلف روش تحلیل عاملی و تقلیل شاخص ها به عوامل معنی دار، هر یک از شهرستان ها امتیازی را کسب می نمایند و بر اساس این امتیازها و با استفاده از تحلیل خوشه ای می توان شهرستان ها و مناطق را در گروه های مختلف جای داد (تقوایی، ۱۳۸۱: ۲۳). تحلیل خوشه ای یکی از روش های پرکاربرد در مطالعات جغرافیای ناحیه ای است. در واقع، روشی برای سطح بندی مناطق، شهرستان ها، روستاها و ... است، به طوری که در این سطح بندی، مکان های واقع در یک سطح، شباهت زیادی با همدیگر دارد. سطح بندی مکان های همگن در روش به شیوه های مختلفی صورت می گیرد. تعیین ضریب همبستگی و اندازه گیری فاصله، بویژه فاصله اقلیدسی از مهم ترین روش های تغییر مکان های همگن می باشد (حکمت نیا، و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۳۶). معیار تعیین تعداد خوشه ها و هم چنین مقدار فاصله واقعی یا فاصله مقیاس بندی که در این جا از صفر تا ۱۰ در نظر گرفته شده است، به نظر پژوهشگر مربوط است (منصورفر، ۱۳۸۵: ۴۲۵).

یافته های پژوهش

در پژوهش حاضر، برای رتبه بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از ۲۴ شاخص برای ۲۷ شهرستان استفاده شده است. با توجه به این که در روش تحلیل عاملی، شاخص هایی که با همدیگر بستگی دارند در یک عامل خلاصه می شوند؛ بنابراین، اگر برخی از شاخص های انتخابی با همدیگر بستگی بالایی داشته باشند، جای هیچ گونه نگرانی نیست. در این پژوهش، شاخص های مذکور با توجه به امکانات اطلاعاتی و آمارهای موجود و قابل دسترس جهت سطح بندی ۲۷ شهرستان استان خراسان رضوی به شرح زیر ارائه شده است: نرخ شهرنشینی، نسب جمعیت شهرستان به کل استان، بعد خانوار، درصد مهاجران وارد شده به شهرستان، نرخ سواد، درصد افراد با تحصیلات عالی، درصد شاغلان بخش بهداشت به کل شاغلین، درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلین، نرخ اشتغال، درصد متخصصان به کل شاغلان، درصد مقامات عالی رتبه به کل شاغلان، درصد زنان باسواد، درصد مردان باسواد، درصد شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان، تراکم جمعیت، نسبت تعداد کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت تعداد اماکن مذهبی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت تعداد پزشک به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت تعداد مؤسسات درمانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت تعداد تخت مؤسسات درمانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت تعداد آزمایشگاه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر، نسبت راه به مساحت شهرستان، نسبت راه روستایی به مساحت شهرستان، تعداد اعضای کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر.

تشکیل ماتریس داده ها: ماتریسی که از قرارگیری ۲۷ متغیر در ستون و ۲۷ شهرستان استان خراسان رضوی در سطرها تشکیل شده است. متغیرهای مورد مطالعه در این تحلیل، ۲۴ متغیر می باشد که همه آن نرم سازی شده اند و به منظور تعیین این مطلب که ماتریس داده ها برای تحلیل عاملی مناسب است آزمون بارتلت^۱ و KMO برای آن ها محاسبه شده است.

مقدار KMO همواره بین صفر و یک در نوسان است. در صورتی که کمتر از ۰/۵

باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، داده‌ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص، بزرگتر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود. بر اساس نتیجه آزمون KMO که مقدار آن برابر با ۰/۶۰۷ می‌باشد، داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل‌های زیربنایی و بنیادی می‌باشند. هم‌چنین نتیجه آزمون بارتلت (۱۰۱۴/۴۶۰) نیز فرض یکسان بودن ماتریس ضرایب همبستگی را آزمون می‌کند.

جدول ۲ متغیرهای پژوهش و چگونگی همبستگی متغیرها با یکدیگر به ترتیب اشتراک اولیه^۱ و اشتراک استخراجی^۲ را نشان می‌دهد. اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چندقسده برای متغیرهای مربوطه با استفاده از عامل‌ها به عنوان پیش‌بینی کننده است. به دلیل این که ستون اشتراک اولیه، اشتراک‌ها را قبل از استخراج عامل (یا عامل‌ها) بیان می‌کند، تمامی اشتراک‌های اولیه برابر با یک است. هر چه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگ‌تر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نمایش می‌دهند (موحد، فیروزی و روزه، ۱۳۹۰: ۴۹).

جدول ۲) همبستگی بین متغیرها

متغیرها	اشتراک اولیه	اشتراک استخراجی
نرخ شهرنشینی	۱/۰۰۰	۰/۸۱۲
نسب جمعیت	۱/۰۰۰	۰/۹۳۸
بعد خانوار	۱/۰۰۰	۰/۸۶۱
درصد مهاجران وارد شده	۱/۰۰۰	۰/۷۲۴
نرخ سواد	۱/۰۰۰	۰/۸۵۰
درصد افراد با تحصیلات عالی	۱/۰۰۰	۰/۸۷۸
درصد شاغلان بخش بهداشت به کل شاغلین	۱/۰۰۰	۰/۷۹۹

1. Initial
2. Extraction

درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلین	۱/۰۰۰	۰/۶۴۳
نرخ اشتغال	۱/۰۰۰	۰/۶۷۶
درصد متخصصان به شاغلان	۱/۰۰۰	۰/۹۷۲
درصد مقامات عالی رتبه به شاغلان	۱/۰۰۰	۰/۹۷۴
درصد زنان باسواد	۱/۰۰۰	۰/۷۹۶
درصد مردان باسواد	۱/۰۰۰	۰/۸۷۷
درصد شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان	۱/۰۰۰	۰/۹۴۹
تراکم	۱/۰۰۰	۰/۹۷۰
تعداد کتابخانه عمومی	۱/۰۰۰	۰/۹۵۳
تعداد اماکن مذهبی	۱/۰۰۰	۰/۸۸۷
تعداد پزشک	۱/۰۰۰	۰/۹۸۱
تعداد مؤسسات درمانی	۱/۰۰۰	۰/۴۹۷
تعداد تخت	۱/۰۰۰	۰/۹۶۱
تعداد آزمایشگاه	۱/۰۰۰	۰/۹۷۷
نسبت راه به مساحت شهرستان	۱/۰۰۰	۰/۶۸۳
نسبت راه روستایی به مساحت شهرستان	۱/۰۰۰	۰/۸۲۸
تعداد اعضای کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	۱/۰۰۰	۰/۹۵۶

(منبع: یافته های تحقیق)

در مرحله بعدی در تحلیل عاملی تعیین مقادیر است. جدول ۳، مقادیر ویژه و واریانس شاخص های تأثیرگذار را نشان می دهد. در این جدول، شش عامل دارای مقادیر ویژه بزرگ تر از یک هستند و در تحلیل باقی می مانند. بنابراین نتایج نشان می دهد که ۲۴ متغیر مورد نظر در تحلیل، قابل تقلیل به شش عامل بوده است و عامل اول به تنهایی می تواند ۴۴ درصد از واریانس ۲۴ متغیر را تبیین کند. در مجموع، این شش عامل می توانند ۸۵ درصد از واریانس (تغییرپذیری) متغیرها را تبیین کنند که نشانگر

رضایت بخش بودن تحلیل عاملی و متغیرهای مورد مطالعه می باشد.

جدول ۳. مقادیر ویژه و واریانس شاخص های تأثیرگذار

مؤلفه	مقادیر ویژه اصلی			مجموع مربعات بارگزاری شده			مجموع مربعات چرخشی بارگزاری شده		
	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی	مجموع	واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۱۰/۷۶۱	۴۴/۸۳۹	۴۴/۸۳۹	۱۰/۷۶۱	۴۴/۸۳۹	۴۴/۸۳۹	۹/۸۲۱	۴۰/۹۲۰	۴۰/۹۲۰
۲	۲/۶۰۵	۱۰/۸۵۵	۵۵/۶۹۴	۲/۶۰۵	۱۰/۸۵۵	۵۵/۶۹۴	۲/۳۴۰	۹/۷۴۹	۵۰/۶۶۹
۳	۲/۳۲۹	۹/۷۰۵	۶۵/۳۹۹	۲/۳۲۹	۹/۷۰۵	۶۵/۳۹۹	۲/۲۱۵	۹/۲۳۰	۵۹/۹۰۰
۴	۱/۹۶۹	۸/۲۰۵	۷۳/۶۰۳	۱/۹۶۹	۸/۲۰۵	۷۳/۶۰۳	۲/۱۱۵	۸/۸۱۱	۶۸/۷۱۰
۵	۱/۵۱۳	۶/۳۰۶	۷۹/۹۰۹	۱/۵۱۳	۶/۳۰۶	۷۹/۹۰۹	۲/۰۸۰	۸/۶۶۵	۷۷/۳۷۵
۶	۱/۳۰۸	۵/۴۵۱	۸۵/۳۶۰	۱/۳۰۸	۵/۴۵۱	۸۵/۳۶۰	۱/۹۱۶	۷/۹۸۵	۸۵/۳۶۰
۷	۰/۸۹۷	۳/۷۳۹	۸۹/۰۹۹						
۸	۰/۶۶۶	۲/۷۷۶	۹۱/۸۷۴						
۹	۰/۵۸۱	۲/۴۲۰	۹۴/۲۹۴						
۱۰	۰/۳۵۰	۱/۴۵۷	۹۵/۷۵۱						
۱۱	۰/۳۱۰	۱/۲۹۳	۹۷/۰۴۴						
۱۲	۰/۲۴۸	۱/۰۳۴	۹۸/۰۷۸						
۱۳	۰/۱۷۴	۰/۷۲۶	۹۸/۸۰۴						
۱۴	۰/۱۰۱	۰/۴۲۱	۹۹/۲۲۴						
۱۵	۰/۰۷۲	۰/۲۹۹	۹۹/۵۲۳						
۱۶	۰/۰۴۷	۰/۱۹۸	۹۹/۷۲۰						
۱۷	۰/۰۲۷	۰/۱۱۳	۹۹/۸۳۴						
۱۸	۰/۰۲۰	۰/۰۸۲	۹۹/۹۱۶						
۱۹	۰/۰۱۴	۰/۰۵۸	۹۹/۹۷۴						
۲۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۶	۹۹/۹۹۱						
۲۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۹۹/۹۹۶						
۲۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۹۹/۹۹۹						
۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰							
۲۴	۴E-005/۳۸۵	۰/۰۰۰							

بعد از تعیین تعداد عامل ها، به منظور تفسیر آسان عامل ها، باید عامل های به دست آمده در مرحله مقدماتی را چرخش داد. برای چرخش عامل ها می توان از سه روش واریماکس^۱، کوارتیماکس^۲ و اکواماکس^۳ استفاده کرد. در این پژوهش، از روش واریماکس برای چرخش عامل ها استفاده شده است، زیرا تغییرات را میان عامل ها به طور یکنواخت توزیع می کند در نتیجه، واریانس بیشتری از جامعه آماری را پوشش می دهد. جدول ۴، ماتریس همبستگی بین عامل های استخراج شده با مقدار ویژه بالاتر از یک را بعد از چرخش نشان می دهد. مقدار همبستگی عامل ها بین ۱- تا ۱+ نوسان دارد. بعد از چرخش عامل ها، درصد واریانسی که توسط هر عامل تعیین می گردد تغییر می کند، اما درصد تجمعی کل واریانس ثابت می ماند.

جدول ۴) ماتریس همبستگی بین عامل ها بعد از چرخش

	Component					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
نرخ شهرنشینی	۰/۵۱۱	۰/۵۹۴	۰/۱۹۲	-۰/۰۶۰	۰/۳۳۵	۰/۲۱۳
نسب جمعیت	۰/۹۸۰	۰/۰۳۵	-۰/۰۱۳	۰/۰۵۷	۰/۰۹۴	۰/۰۹۴
بعد خانوار	-۰/۱۰۸	-۰/۲۱۶	-۰/۳۱۸	-۰/۰۸۳	-۰/۴۶۹	۰/۶۸۹
درصد مهاجران وارده شده	-۰/۰۹۸	۰/۰۴۷	۰/۸۱۲	-۰/۱۲۶	-۰/۰۰۴	-۰/۱۹۰
نرخ سواد	۰/۵۰۶	۰/۲۳۹	۰/۵۲۳	-۰/۰۱۷	۰/۴۸۷	۰/۱۶۳
درصد افراد با تحصیلات عالی	۰/۳۲۴	۰/۸۲۷	-۰/۲۷۷	-۰/۰۱۵	-۰/۱۰۹	-۰/۰۲۵
درصد شاغلان بخش بهداشت به کل شاغلین	۰/۰۰۸	۰/۸۴۷	۰/۰۴۹	۰/۱۸۷	۰/۱۷۹	۰/۱۱۱
درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلین	-۰/۵۱۸	۰/۴۳۱	-۰/۱۸۱	۰/۱۹۲	-۰/۲۴۴	۰/۲۴۶
نرخ اشتغال	-۰/۱۸۷	-۰/۲۳۰	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۹	-۰/۰۲۰	-۰/۷۶۶
درصد متخصصان به شاغلان	۰/۰۹۵	۰/۰۷۸	-۰/۰۲۵	۰/۹۷۱	۰/۱۰۲	-۰/۰۵۰
درصد مقامات عالی رتبه به شاغلان	۰/۲۶۷	۰/۰۹۱	۰/۰۱۱	۰/۹۳۷	۰/۱۰۹	-۰/۰۶۹
درصد زنان باسواد	۰/۰۷۲	۰/۰۴۱	-۰/۴۰۷	۰/۱۰۶	-۰/۷۷۹	۰/۰۶۸
درصد مردان باسواد	-۰/۳۶۴	-۰/۰۵۲	-۰/۲۸۹	-۰/۲۱۵	-۰/۷۷۶	-۰/۱۰۲
درصد شاغلان بخش صنعت به کل شاغلان	۰/۹۷۴	-۰/۰۴۹	-۰/۰۲۹	۰/۲۰۲	۰/۰۹۴	۰/۰۰۵
تراکم	۰/۹۷۴	-۰/۰۵۲	۰/۰۶۲	۰/۰۴۰	۰/۰۷۹	۰/۰۸۹
تعداد کتابخانه عمومی	۰/۹۱۶	۰/۲۰۰	۰/۰۲۵	۰/۲۲۸	۰/۱۴۵	-۰/۰۲۹
تعداد اماکن مذهبی	۰/۸۹۸	۰/۲۸۰	۰/۰۳۳	۰/۰۲۶	۰/۰۱۴	-۰/۰۱۵
تعداد پزشک	۰/۹۷۹	۰/۰۵۸	۰/۰۰۸	۰/۰۶۳	۰/۰۹۵	۰/۰۸۴
تعداد موسسات درمانی	۰/۶۵۴	۰/۱۱۵	۰/۲۱۷	۰/۰۴۵	۰/۰۶۶	۰/۰۴۴
تعداد تخت	۰/۹۶۸	۰/۰۴۱	-۰/۰۳۸	۰/۰۶۹	۰/۱۰۵	۰/۰۷۴
تعداد آزمایشگاه	۰/۹۷۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۰۲	۰/۰۷۴	۰/۰۷۶	۰/۱۱۸
نسبت راه به مساحت شهرستان	۰/۰۶۶	۰/۰۵۱	-۰/۰۱۴	-۰/۰۴۶	۰/۲۶۴	۰/۷۷۷
نسبت راه روستایی به مساحت شهرستان	۰/۱۵۹	-۰/۲۳۸	۰/۸۵۲	۰/۱۳۳	-۰/۰۴۸	۰/۰۳۶
تعداد اعضای کتابخانه عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	۰/۹۵۱	۰/۱۴۱	۰/۰۴۱	۰/۰۵۰	۰/۱۶۲	-۰/۰۰۳

(منبع: یافته های تحقیق)

جدول ۵، جدول ماتریس تبدیل عامل نام دارد. در این ماتریس، برای محاسبه عامل چرخش یافته از ماتریس چرخش نیافته به کار می رود. در این جدول اگر مقادیر به صفر نزدیک باشد نتیجه می گیریم که چرخش نسبتاً کوچک است، اما اگر مقادیر بالاتر

از ۵۰٪ باشند، نشان می دهد که از چرخش بزرگ تر استفاده شده است.

جدول ۵) ماتریس تبدیل عامل

عامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	۰/۹۴۳	۰/۱۶۴	۰/۰۹۱	۰/۱۴۲	۰/۲۲۳	۰/۰۷۷
۲	-۰/۱۳۱	۰/۶۳۳	-۰/۵۹۲	۰/۱۸۵	۰/۰۶۰	۰/۴۳۹
۳	-۰/۲۷۵	۰/۳۴۷	۰/۴۳۶	۰/۵۴۷	۰/۴۸۲	-۰/۲۸۹
۴	۰/۰۹۹	-۰/۳۱۳	-۰/۵۲۲	۰/۶۱۰	-۰/۲۱۰	-۰/۴۵۱
۵	۰/۰۹۰	۰/۵۸۵	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۵	-۰/۳۹۱	-۰/۶۳۱
۶	۰/۰۲۰	۰/۱۰۸	۰/۴۲۳	۰/۴۱۸	-۰/۷۲۰	۰/۳۴۱

(منبع: یافته های تحقیق)

محاسبه امتیازات عاملی و رتبه بندی شهرستان ها: بعد از انجام مراحل ذکر شده، با جمع امتیازات عاملی، شاخص ترکیبی که از جمع جبری امتیازات عاملی شش گانه برای هر شهرستان به دست می آید را محاسبه نموده و سپس رتبه بندی شهرستان ها بر اساس شاخص ترکیبی به دست آمد. رتبه بندی انجام شده بر مبنای تقسیمات سیاسی-اداری سال ۱۳۹۰، نشان دهنده این است که شاخص های مورد بررسی در شهرستان های استان خراسان رضوی دارای نابرابری فضایی می باشد. با توجه به جدول ۶، شهرستان مشهد با امتیاز ۵/۵۵ در رتبه اول و شهرستان های گناباد و درگز و نیشابور به ترتیب در رتبه های دوم، سوم و چهارم قرار گرفتند و شهرستان زاوه با امتیاز ۴/۷۸- در رتبه بیست و هفتم به عنوان محروم ترین شهرستان شناخته شد. همان طور که مشاهده می شود اختلاف بین اولین و آخرین شهرستان، نشان دهنده اختلاف فاحش بین شهرستان های استان می باشد.

پس از استفاده از روش تحلیل عاملی، با استفاده از روش تحلیل خوشه ای، سطوح همگن مشخص شدند (شکل شماره دو). در این روش، شهرهایی که بیشترین همگونی و هماهنگی از نظر امتیازهای عاملی دارند، در چند خوشه دسته، طبقه بندی می کند. ذکر این نکته ضروری است که این روش مکمل تحلیل عاملی بوده که در ادامه تحلیل عاملی باید به کار گرفته شود. همان گونه که در جدول شماره ۸ مشاهده می شود شهرستان های استان خراسان رضوی، به سه گروه خوشه های همگن طبقه بندی شده اند

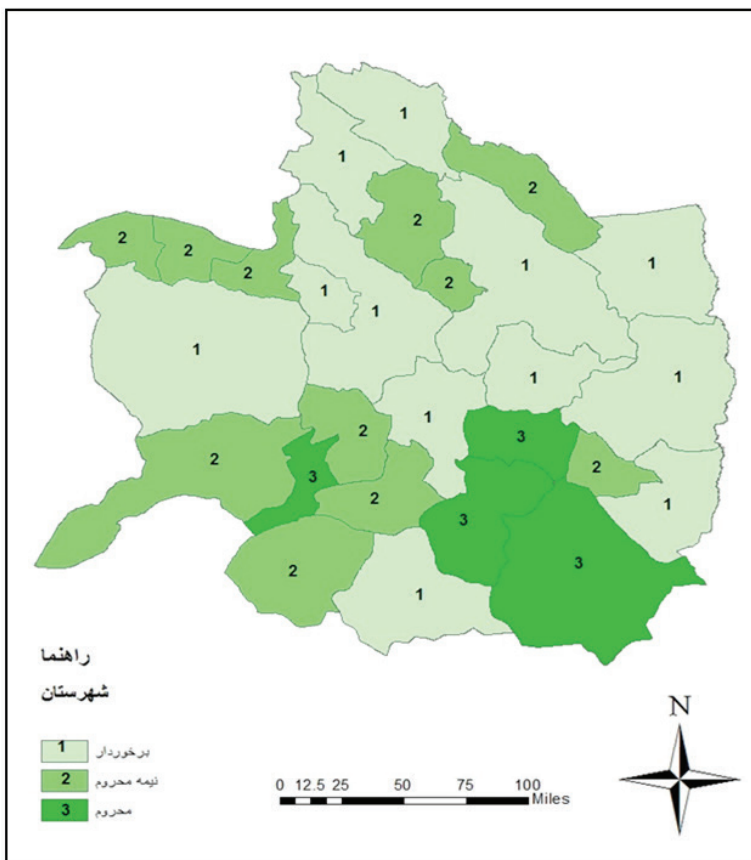
که به ترتیب برخوردار (سطح ۱)، نیمه محروم (سطح ۲) و محروم (سطح ۳) دسته بندی شده اند. سطح برخوردار شامل شهرستان های مشهد، نیشابور، گناباد، سبزوار، قوچان، فیروزه، فریمان، سرخس، درگز، تربت حیدریه، تربت جام و تایباد می باشد، سطح نیمه محروم شامل شهرستان های باخرز، بجستان، بردسکن، بینالود، جغتای، جوین، چناران، خوشاب، کاشمر، کلات و مه ولات می باشد، سطح محروم شامل شهرستان های خلیل آباد، خواف، رشتخوار و زاوه می باشد.

جدول ۶) مقدار شاخص ترکیبی و رتبه شهرستان ها

رتبه	شاخص ترکیبی	شهرستان
۱	۵/۵۵	مشهد
۲	۳/۵۶	گناباد
۳	۲/۶۲	درگز
۴	۲/۵۲	نیشابور
۵	۲/۳۴	فریمان
۶	۲/۲۲	فیروزه
۷	۱/۷۸	تایباد
۸	۱/۶۸	سبزوار
۹	۱/۵۲	قوچان
۱۰	۱/۳۷	سرخس
۱۱	۰/۸۶	تربت حیدریه
۱۲	۰/۸۲	تربت جام
۱۳	۰/۴۲	کاشمر
۱۴	-۰/۰۹	کلات
۱۵	-۰/۱۷	بینالود
۱۶	-۰/۶۲	چناران
۱۷	-۰/۸۵	بجستان
۱۸	-۱/۵۵	بردسکن
۱۹	-۱/۶۸	باخرز
۲۰	-۱/۷۰	مه ولات

خوشاب	-۱/۸۸	۲۱
جغتای	-۱/۹۲	۲۲
جوین	-۱/۹۹	۲۳
خواف	-۳/۱۰	۲۴
خلیل آباد	-۳/۱۸	۲۵
رشتخوار	-۳/۶۵	۲۶
زاوله	-۴/۸۷	۲۷

(منبع: یافته های تحقیق)



شکل ۲) نقشه تقسیم بندی شهرستان های استان خراسان رضوی برحسب تحلیل خوشه ای

جمع بندی و نتیجه گیری

به منظور تعیین سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان خراسان رضوی، متغیرهای مورد نظر شناسایی شد. در این پژوهش، ۲۴ متغیر انتخابی توسعه از طریق روش تحلیل عاملی به شش عامل کاهش یافته و سهم هر عامل در توسعه شهرستان مشخص گردید. در مجموع، این شش عامل ۸۵ درصد از واریانس جامعه را قادر است محاسبه و تفسیر کند و سپس با استفاده از چرخش عامل ها و محاسبه مجموع هر یک از عوامل رتبه بندی شهرستان ها انجام گرفت که بر اساس رتبه بندی و سطح بندی انجام شده، شهرستان مشهد در رتبه اول به عنوان برخوردارترین شهرستان و شهرستان زاوله در رتبه بیست و هفتم به عنوان محروم ترین شهرستان معرفی شدند. در نهایت با استفاده از روش خوشه ای، شهرستان های استان خراسان رضوی در سه سطح طبقه بندی شدند که در هر سطح شهرستان هایی که از لحاظ متغیرهای مورد مطالعه همگن بودند قرار گرفتند. نتایج این پژوهش به طور کلی نشان می دهد که در سطح شهرستان های استان خراسان رضوی، عدم تعادل های منطقه ای و نابرابری به لحاظ متغیرهای مورد مطالعه، به وضوح دیده می شود؛ به گونه ای که شهرستان توسعه یافته با شهرستان محروم ۱۰/۴۲ امتیاز اختلاف نشان می دهد. توزیع فضایی سطوح توسعه یافتگی حاکی از آن است که از لحاظ دسترسی به شاخص های توسعه، هر چه از مرکز استان به سمت پیرامون خصوصاً به سمت نواحی جنوبی استان حرکت کنیم، از شدت برخورداری کاسته می شود و به نواحی محروم اضافه می شود و این امر، بیانگر نابرابری منطقه ای است که در اثر قطب رشد به وجود آمده است و باعث تشدید نابرابری منطقه ای شده است. نخستین گام برای برنامه ریزی صحیح و متوازن، شناسایی وضع موجود می باشد و پس از آن، تخصیص اعتبارات به مناطق محروم ضروری است.

از آن جا که استان خراسان رضوی دارای شرایط محیطی متفاوتی بوده و هم چنین دارای قابلیت ها و ظرفیت های زیادی است، بر اساس ویژگی هر شهرستان می توان امکانات لازم برای توسعه را با برنامه ریزی ناحیه ای متعادل و شناسایی نقاط ضعف و قوت هر شهرستان را فراهم آورد. در نتیجه، به منظور ایجاد توازن و تعادل نسبی در

سطح توسعه هر شهرستان، باید توسعه بخش های محروم در اولویت برنامه ریزی و محرومیت زدایی قرار گیرند. در این بررسی شهرستان های خلیل آباد، خواف، رشتخوار و زاوه به ترتیب با امتیازهای ۳/۱۸-، ۳/۱۰-، ۳/۶۵- و ۴/۸۷- محروم ترین نواحی شناخته شدند که در برنامه ریزی های توسعه، توزیع اعتبارات عمرانی بایستی متناسب با نیاز این گونه مناطق باشد.

منابع

- اکبری، نعمت الله؛ زاهدی کیوان، مهدی (۱۳۸۷). کاربرد روش های رتبه بندی و تصمیم گیری چندمعیاره. تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
- پورجعفر، محمدرضا؛ خدائی، زهرا؛ پورخیری، علی (۱۳۹۰). "رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه ها، شاخص ها، و بارزه های توسعه پایدار شهری". *مطالعات توسعه اجتماعی/ایران*، سال سوم، ش ۳ (تابستان): ۲۵-۴۱.
- تقوایی، مسعود؛ بهاری، عیسی (۱۳۸۹). "سطح بندی و سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان مازندران با استفاده از مدل تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای". *جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، سال بیست و سوم، ش ۴۸ (زمستان): ۱۵-۳۸.
- تقوایی، مسعود؛ صبوری، محمد (۱۳۹۱). "تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان های استان هرمزگان". *جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، سال بیست و سوم، ش ۴۶ (تابستان): ۵۳-۶۸.
- تقوایی، مسعود؛ کیارستمی، قاسم (۱۳۸۱). "تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی در شهرستان ها و بخش های استان تهران". *جهاد*، ش ۲۵۴ (آذر و دی): ۲۸-۳۲.
- تقوایی، مسعود؛ نوربخش، حسن؛ زنگی آبادی، علی (۱۳۸۶). "سطح بندی میزان توسعه شهری استان چهار محال بختیاری با استفاده از تکنیک های پیشرفته تحلیل عاملی و تحلیل خوشه ای". *فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، سال شانزدهم، ش ۶۲ (تابستان): ۱۷-۲۶.

- توفیق، فیروز (۱۳۷۲). "تحلیل عاملی و تلفیق شاخص های منطقه ای". مجله آبادی وزارت مسکن و شهرسازی، ش ۱۰ (بهار): ۳۸-۴۷.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴). برنامه ریزی ناحیه ای. تهران: سمت.
- حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. یزد: علم نوین.
- سازمان آمار ایران (۱۳۹۰). آمارهای استان خراسان رضوی. تهران: مرکز آمار ایران.
- سرور، رحیم؛ خلیجی، محمد (۱۳۹۴). "سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کهگیلویه و بویراحمد". پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، ش ۲۱ (تابستان): ۸۹-۱۰۲.
- علوی، علی، و دیگران (۱۳۹۲). "تحلیل نابرابری منطقه ای استان گلستان با رویکرد عدالت اجتماعی". پژوهش های بوم شناسی شهری، سال سوم، ش ۵ (بهار و تابستان): ۸۹-۱۰۴.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷). برنامه ریزی توسعه منطقه ای (تئوری ها و تکنیک ها). تهران: خوشبین.
- کهنسال، محمدرضا؛ رفیعی دارانی، هادی (۱۳۸۸). "سنجش درجه ی توسعه یافتگی کشاورزی شهرستان های استان خراسان رضوی". فصلنامه اقتصاد کشاورزی، سال سوم، ش ۴ (زمستان): ۴۵-۶۶.
- معینی، مهدی (۱۳۷۷). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای. تهران: گویا.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۵). روش های پیشرفته آماری همراه با برنامه های کامپیوتری. تهران: دانشگاه تهران.
- موحد، علی؛ فیروزی، محمدعلی؛ روزبه، حبیبی (۱۳۹۰). "تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی و خوشه ای". مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال سوم، ش ۵ (تابستان): ۴۳-۵۶.
- مؤمنی، مهدی؛ قهاری، غلامرضا (۱۳۹۲). "تحلیلی بر وضعیت توسعه یافتگی

شهرستان های استان فارس". *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، سال سوم، ش ۹ (بهار): ۵۳-۶۶.

– نسترن، مهین؛ فتاحی، سارا (۱۳۸۸). "سطح بندی شهرستان های استان گلستان از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی". *جغرافیا و مطالعات محیطی*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۴۳-۵۵.

- Fleisher, Belton M.; Li, Haizheng; Zhao, Min Qiang. (2008). *Human capital, economic growth, and regional inequality in China*. Bonn: Institute for the Study of Labor (IZA).
- Joao, Oliveira, S.; Maria, Manuela, L. (2001). "A Multivariate Methodology to Uncover Regional Disparities". *European Journal of Operational Research*, Vol. 145: 121-135.
- Ravi, Kanbur; Xiaobo, Zhang. (1998). "Which regional inequality? The evolution of Rural-Urban and inland-costal inequality in China, 1983-1995". *Department of Agricultural Resource and Managerial Economics Cornell University*«, Vol. 27: 686 701.

تحلیل کیفی مشارکت به روش مثلث سازی

مورد مطالعه: مشارکت شهرداری مشهد با سازمان های مردم نهاد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۷

مجتبی ملایی^۱

مریم اسکافی^۲

چکیده

هدف از اجرای این تحقیق شناسایی عوامل زمینه ساز مشارکت فعالانه تشکل های مردمی است. در راستای این هدف، محقق به بررسی وضعیت مشارکت سازمان های مردم نهاد با شهرداری در حوزه برنامه های فرهنگی - اجتماعی پرداخته است. بررسی و مطالعات انجام شده نشان می دهد که موانع زیادی بر سر راه مشارکت بین شهرداری و این گونه سازمان ها وجود دارد که بررسی آن دارای حائز اهمیت زیادی است. تحقیق حاضر از نوع پژوهش کیفی و جامعه آماری آن، سازمان های مردم نهادی هستند که حداقل یک بار با شهرداری همکاری کرده اند. نتایج این تحقیق بیانگر موارد متعددی است که هریک به گونه ای بر مشارکت مؤثر است. محقق از مقولات حاصل شده دو مدل طراحی نمود. یکی از مدل ها براساس تحلیل مسائل اجتماعی در نظریه بودون است و مدل دوم براساس نظریه مبنایی است که شامل ۶ نوع متغیر (شرایط زمینه ای، شرایط علی، شرایط مداخله ای، پدیده، راهبردهای مقابله ای و پیامدها) است. نتیجه نهایی این است که تنها در صورتی که نوع تعامل شهرداری با سازمان های مردم نهاد از نوع مشارکت حداکثری متقابل باشد هر دو طرف رضایت کامل دارند، اما همان طور که نتایج نشان می دهد متأسفانه نوع مشارکت موجود بین این دو سازمان در حال حاضر از نوع مشارکت شعاری است که تنها در ظاهر و در زبان بسیار قوی اما در عمل، اصول مشارکت به علل متعددی که در این مقاله بیان شده، رعایت نمی شود.

واژگان کلیدی: سازمان های مردم نهاد، شهرداری، مشارکت، تحلیل کیفی، مثلث سازی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه پیام نور مشهد
۲. استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد، نویسنده مسؤول
meskafi629@gmail.com

بیان مسأله

شهر مشهد به عنوان دومین شهر پرجمعیت کشور، با نرخ رشد ۱۴ درصد روبه رو بوده و در نظام سلسله مراتب شهری ایران، در رتبه دوم بعد از تهران قرار دارد که به دلیل اعتبار فرمانطقه ای و عوامل مختلفی هم چون قراردادن در مسیر راه های تجاری و ارتباطی کشورهای آسیای میانه و افغانستان، جمعیت آن همواره در حال افزایش است. این رشد سریع، هشداری برای مدیران شهرداری است. زیرا رشد جمعیت، رشدنیازهای اساسی شهروندان را به دنبال دارد که یکی از مهم ترین آنها، نیازهای اجتماعی-فرهنگی است. همان طور که پورموسوی (۱۳۹۰: ۱۵) در تحقیق خود ذکر کرده است: «یکی از انتقادهای اساسی و جدی که همواره متوجه مدیران شهری بوده، عدم توجه به مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی در طرح های توسعه ای است، به همین سبب صاحب نظران و متفکران اجتماعی معتقدند به رغم سرمایه گذاری و هزینه های هنگفت در شهرهای ایران، کیفیت زندگی بهبود چندانی نسبت به گذشته نیافته است و حتی محدودیت ها و مشکلات شهروندان بیشتر شده است، زیرا برنامه های توسعه ای شهرها در دهه های گذشته، مهم ترین عناصر حیات اجتماعی شهرها یعنی باورها، ارزش ها و هنجارها را نادیده گرفته است». این موضوع باعث ایجاد شکاف بین وضع موجود و مطلوب شده است. از نظر صدیق اورعی (۱۳۹۰: ۹۱)، شهروندی، عضویت مالکانه در اجتماع محلی و شهری است. اگر اجتماع محلی و شهری به معنی دقیق کلمه وجود داشته باشد و روابط اجتماعی اعضای این گروه های دارای تعامل و همبستگی و سرزمین مشترک، تا حد ممکن افقی و در حداقل ضروری، عمودی باشد، شرط لازم برای وجود شهروندی فراهم است و آنگاه شهرداری باید میانجی مطالعه و اطلاع رسانی نیازها و انتظارات شهروندان از یک سو و حضور داوطلبانه و مشارکتی آنان در ارزیابی امکانات و مقدرات و گفتگوی فراگیر و مستمر درباره استحقاق ها و شیوه ها، از سوی دیگر باشد.

مفهوم مشارکت در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم شهروندی است و تحقق شهروندی فعال و واقعی با مشارکت همه ی اعضای جامعه امکان تبلور می یابد. امروزه ارتباط مردم با حکومت و دولت ها و جلب مشارکت هر چه بیشتر مردم در امور مختلف،

از طریق نهادهایی صورت می گیرد که به سازمان های مردم نهاد معروف گردیده اند و به عنوان نهادها و مؤسساتی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تأمین اهداف توسعه از جایگاه ویژه ای برخوردارند. در این راستا سازمان های مردم نهاد (NGO/سمن) به عنوان مجامعی برآمده از دل مردم، به صورت خودجوش و دارای هدفی مشترک و خیرخواهانه با گرایشات غیرسیاسی، غیردولتی و غیرانتفاعی می توانند نقش های مهم و اساسی را در برقراری و گسترش امنیت انسانی ایفاء نمایند. با این همه، به نظر می رسد، آن چه مشاهده می شود، بیانگر اهمیت این نوع سازمان ها در نگاه مدیران شهرداری نیست. به طوری که بانک جهانی (۱۹۹۳)، «فقدان مشارکت جامعه را علت شکست تلاش های زیاد توسعه جامعه در کشورهای در حال توسعه می داند» (Ahmadi & et al. 2013: 971). توکویل^۱، به عنوان نسخه ای برای پیشرفت، «همکاری دولت با سازمان های غیردولتی، را عامل قوت دولت های ضعیف دانست» (Naomi Brass, 2010: 2). مشارکت در حال حاضر، یکی از مهم ترین و اصلی ترین موضوعاتی است که در توسعه و حکمرانی و مدیریت شهری نقش بسیار مؤثری دارد و هرچه می گذرد، توجه به آن بیشتر می شود. در تحقیقات زیادی از جمله اصغرپور (۱۳۸۶)، صدقی و شریف زاده (۱۳۸۷) و پورموسوی (۱۳۹۰) نشان داده شده است که با وجود تلاش های زیاد برای مشارکت مردمی، مشارکت فعال و واقعی مردم در اداره امور شهرها با شهرداری ضعیف است، تا حدی که یکی از اهداف کلان در آخرین برنامه توسعه پنج ساله، موضوع تقویت مشارکت عامه مردم و اتخاذ تدابیر لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه است. توجه به مشارکت در کشورهای دیگر در حدی است که تحقیقات مختلفی از مشارکت خواهرشهرها از جمله رساله ارشد گرنلند بوسرما^۲ (۲۰۱۵) در رابطه با اثرات مورد انتظار و واقعی مشارکت، مشارکت بین شهرداری داخلی و منطقه ای (Dunmade, 2014)، مشارکت شرکت های خصوصی و جماعت ها در کشورهای در حال توسعه (Forsyth, 2005) به عمل آمده است، در حالی که در ایران، موضوع مشارکت هنوز در مراحل اولیه مانند تعریف دقیق مشارکت، جایگاه ضعیفی دارد.

1. Tocqueville

2. Graafland-Boersma-1

در بررسی علل مشارکت، تحقیقات زیادی انجام شده است. از جمله دانش و عزیزاللهی (۱۳۸۷) ذکر کرده‌اند که هنگامی که هم دولت و هم سازمان‌های مردم‌نهاد به جای نقش‌های متضاد دارای نقش‌های مکمل باشند، تشریک مساعی امکان‌پذیر خواهد بود. در بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، نظریه‌های مختلفی نیز شواهد زیادی ارائه کرده‌اند. از جمله نظریه‌های کلاسیک مربوط به جامعه مدنی معتقدند ارائه خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد، دولت را قوی‌تر می‌کند. دو کار تجربی توکویل، دموکراسی در آمریکا و کار پاتنام^۱ و دیگران، کار ساخت دموکراسی: سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن، فراوان‌ترین این آثارند (Naomi Brass, 2010: 19). «از نظر پاتنام، جامعه مدنی، یک دولت قوی می‌سازد» (Putnam & et al. 1993: 182، نقل از Naomi Brass, 2010: 19). این دانشمندان به جای تمرکز به سازمان غیردولتی به عنوان جامعه مدنی یا سازمان‌های خصوصی، معتقدند که این‌گونه سازمان‌ها حمایت برای اقتدار سیاسی موجود را افزایش می‌دهند (Martin 2004: 10، نقل از Naomi Brass, 2010: 21). «سازمان‌های غیردولتی هم‌چنین می‌توانند به سادگی از ظرفیت دولت با کاهش بار مالی و مدیریتی حمایت کنند» (Bratton, 1989، نقل از Naomi Brass, 2010: 21). با توجه به این که سازمان‌های متعدد، مسؤول صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد هستند و با توجه به این که، سازمان‌های مردم‌نهاد متعددی در مناطق مختلف شهری در حوزه‌های مختلف مشغول فعالیت هستند و توانسته‌اند اعتماد مردم را برای مشارکت جلب کنند، اما در مشارکت با شهرداری طوری که شایسته است، دیده نمی‌شوند. این سازمان‌ها از آن‌جا که مردمی و عام‌المنفعه‌اند، توانسته‌اند به خوبی با مردم رابطه برقرار نمایند و می‌توانند در سطح کلان، اثر موثری در مشارکت مردمی داشته باشند و به عنوان واسطی بین مردم و شهرداری به طور بسیار قوی‌تر عمل کنند، اما به نظر می‌رسد، وضعیت این سازمان‌ها، در شهر مشهد به گونه‌ای است که بسیاری از این سازمان‌ها به علت موانع موجود، حتی حاضر نیستند که مجوز بگیرند و بدون مجوز مشغول فعالیت‌اند و ناشناخته مانده‌اند. از طرفی شهرداری نیز همه سازمان‌های مردم‌نهاد موجود و فعال را به رسمیت نشناخته است و

حاضر به همکاری با بسیاری از این سازمان ها نیست. پیداست که موانع زیادی بر سر راه مشارکت بین شهرداری و این گونه سازمان ها وجود دارد که برخی به شهرداری ارتباط دارد و بخشی از آن نیز مشکلاتی است که خود سازمان های مردم نهاد ایجاد کرده اند. از این رو، بررسی این موانع و علل کم رنگ بودن نقش سازمان های مردم نهاد در برنامه های فرهنگی - اجتماعی در شهرداری حائز اهمیت بالایی است.

وحیدیان (۱۳۹۲) در گزارشی با عنوان «سازمان های مردم نهاد، رکن سوم توسعه پایدار»، به تعریف و شرح وضعیت و خدمات و اساسنامه این نوع سازمان ها پرداخته است. سازمان های مردم نهاد (سمن) به سازمان هایی داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، عام المنفعه و خیرخواهانه اطلاق می شود که بر اساس اساسنامه مشخص در حوزه های خاص به فعالیت مشغولند. ویژگی مهم آنها غیرسیاسی بودن شان است. سمن ها تحت عنوان شخصیت حقوقی سازمان خود، حق انجام فعالیت سیاسی را ندارند. خیرخواهانه بودن آنها به این معناست که هدف از تشکیل این سازمان ها کسب درآمد اقتصادی نیست و اگر درآمدی به دست آوردند باید در راستای اهداف خیرخواهانه عمومی یا حل مشکلی از اجتماع که در اساسنامه قید شده است، هزینه کنند.

از طرف دیگر، واکاوی تحقیقات نشان می دهد که نقش مشارکت مردم به صورت فردی (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰) پررنگ تر است. البته نقش تشکل ها در موضوعات مختلف نیز انجام شده است، اما هیچ کدام به طور خاص به مشارکت از کانال ان. جی. او. ها (NGO) در حوزه برنامه های فرهنگی - اجتماعی اشاره نکرده اند. تنها یک طرح پژوهشی توسط کمیلی و حسن زاده (۱۳۹۳) در حوزه فرهنگی - اجتماعی در شهر مشهد انجام شده است که آن نیز به طراحی الگوی تعاملی مطلوب شهرداری با این گونه سازمان ها پرداخته است، در حالی که پدیده اولیه قبل از تعامل، مشارکت است که به طور مفصل به آن پرداخته نشده است؛ ضمن این که نقش تشکل های فرهنگی - مذهبی مثل مساجد پررنگ تر از سمن ها بوده است. بنابراین محقق سعی کرده است، به این سؤال پاسخ دهد که علل کاهش مشارکت برخی از سازمان های مردم نهاد در حوزه برنامه های فرهنگی - تفریحی با شهرداری چیست؟ تحقیقات داخلی و خارجی زیادی در این زمینه انجام

شده است. نتایج در جدول ۱ تا ۴ آمده است.

جدول ۱) مشخصات پیشینه تجربی داخلی

دسته بندی موضوعی	نویسنده (نویسندگان)	سال اجراء	محل بررسی	روش تحقیق
نقش مشارکت شهروندان در مدیریت	احمدی و دیگران	۲۰۱۳	تهران	کیفی
	رجبی و حصاری نژاد	۱۳۹۲	-	توصیفی - تطبیقی
	خبازی	۱۳۹۲	خلخال	پیمایشی
	باباخانی، یزدانی نسب و نوری	۱۳۹۲	تهران	پیمایشی
	هاشمیان	۱۳۸۹	مشهد	توصیفی - تبیینی
وضعیت و نقش سازمان های غیردولتی	علائمی	۱۳۹۳	ایران	توصیفی - تحلیلی
	مظفر و قتادیان	۱۳۸۸	-	توصیفی - تحلیلی
	ظفری و دیگران	۱۳۸۵	اهواز	پیمایشی
مدیریت شهری	حاجی پور	۱۳۸۵	-	اسنادی
	پورموسوی، مشکینی و مؤذن	۱۳۹۲	تهران	توصیفی - تحلیلی
	اسدیان و ابراهیم زاده	۱۳۹۲	کاشمر	توصیفی - تحلیلی

جدول ۲) جمع بندی کلی پیشینه های تجربی داخلی و کاربرد آن در مقاله حاضر

دسته ها	نام دسته	عوامل مؤثر بر مشارکت	کاربرد در رساله
دسته اول	نقش مشارکت شهروندان در مدیریت	عوامل فردی عوامل ساختاری	عدم درک از مشارکت نبود الگوهای کاری موانع قانونی مشارکت مقررات و استانداردهای فنی
دسته دوم	وضعیت و نقش سازمان های غیردولتی	تقویت ارزش های قومی و فرهنگی و فعال کردن سازمان های مردم نهاد	فعال کردن سازمان های مردم نهاد مشارکت
دسته سوم	مدیریت شهری	جستجوی تعامل و مشارکت و نگاه فرایندگرا	جستجوی تعامل و مشارکت نگاه فرایندگرا مشارکت

جدول ۳) مشخصات پیشینه تجربی داخلی

دسته بندی موضوعی	نویسنده (نویسندگان)	سال اجراء	محل بررسی	روش تحقیق
مشارکت سازمان های مردم نهاد در بخش های مختلف	اریستا	۲۰۱۲	فیلیپین	کیفی
	نائومی برس	۲۰۱۰	کنیا	ترکیبی
	باو و کاجر	۲۰۱۰	نروژ	کیفی
	فورستی	۲۰۰۵	تایلند و فیلیپین	اسنادی
	فولگنس	۲۰۰۵	تانزانیا و مینلاند	کمی و کیفی
	نات داکال	۲۰۰۲	نپال	توصیفی - تحلیلی
	هابسن	۲۰۰۰	شهر پون در هند	توصیفی
	بسلی و قنک	۱۹۹۹	-	تحلیلی
مشارکت های مختلف بین شهرداری ها	گرفلند و بوسرما	۲۰۱۵	نیوزیلند	پیمایش
	جوجویس و استاسکیناس	۲۰۱۱	لیتوانی	پیمایش
	جانسون و ویلسون	۲۰۰۹	انگلستان و اوگاندا	اسنادی

جدول ۴) جمع بندی کلی پیشینه های تجربی خارجی و کاربرد آن در رساله حاضر

دسته ها	نام دسته	عوامل مؤثر بر مشارکت	کاربرد در رساله
دسته اول	مشارکت سازمان های مردم-نهاد در بخش های مختلف	ضعف در درک فرایند ساختار مشارکت فقدان برنامه ریزی مشارکتی نبود توافق نامه رسمی بین دولت و سمن ها مشکلات دیوان سالاری دولت و تأخیر در پاسخگویی به سمن ها در تحویل خدمات	فقدان برنامه ریزی مشارکتی ↓ مشارکت ← ضعف درک فرایند ساختار مشارکت ← مشکلات دیوان سالاری ← نبود توافق نامه رسمی
دسته دوم	مشارکت های مختلف بین شهرداری ها	مدیریت عملکرد	مدیریت عملکرد مستقل شهرداری ← مشارکت

مزیت و تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات داخلی و خارجی این است که:

- ۱- به روش کیفی انجام شده است.
- ۲- واحد تحلیل سازمان های مردم نهاد هستند.
- ۳- سازمان های مردم نهاد از سایر سازمان های خصوصی متمایز شده است.
- ۴- از روش مثلث سازی استفاده شده است.

- ۵- علل کاهش مشارکت سمن ها با شهرداری بررسی خواهد شد.
- ۶- حوزه کاری سمن ها، برنامه های فرهنگی - اجتماعی است.
- ۷- از روش جدید تحلیل مضمون در تحلیل استفاده شده است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پژوهش کیفی محسوب می شود. جامعه آماری آن، سازمان های مردم نهادی هستند که طبق تعریف، به صورت خیرخواهانه بدون نیت کسب منفعت مالی در شهر مشهد به طور فعال در زمینه برنامه های فرهنگی - اجتماعی در حال فعالیت هستند و ضمناً فعالیتی سیاسی انجام نمی دهند و حداقل یک بار با شهرداری همکاری کرده اند. نمونه گیری از نوع هدفمند است. با تعداد چهار نفر از مسؤولان و مدیران شهرداری مصاحبه عمیق، با هفت متخصص مصاحبه گروهی و با تعداد هفت نفر مسؤول سازمان های مردم نهاد نیز مصاحبه عمیق انجام شد. یعنی در مجموع با ۱۸ نفر مصاحبه انجام شد. روش گردآوری اطلاعات، طرح همسوسازی (مثلت سازی)^۱ است که یکی از چهار نوع طرح های اصلی و شناخته شده ترین و متداول ترین رویکرد در روش ترکیبی است. همان طور که برانن (Brannen, 2005: 14) ذکر کرده است، دو نوع دسته کلی در طرح های همسوسازی وجود دارد. دسته اول طرح های هم زمان است که شامل شش نوع متفاوت است و دسته دوم، طرح های همسوسازی متوالی یا پی درپی است که که شامل ۱۲ نوع متفاوت است که در تحقیق حاضر، از یکی از این انواع استفاده شده است. این نوع، که نوع سه از این دسته است، روشی است که در آن، منابع داده های کیفی توسط داده های کیفی دنبال می شوند. برانن (Ibid: 15) نیز اشاره کرده است که «یکی از انواع روش های ترکیبی، استفاده از روش های کیفی متفاوت در گردآوری اطلاعات است». در این رساله از همسوسازی در سه روش مصاحبه ی گروهی، مشاهده مشارکتی و مصاحبه های عمیق استفاده شده است. گام های طی شده در این روش عبارتند از: الف) ابتدا برای رسیدن به شبکه علی احتمالی، مصاحبه گروهی با متخصصان صورت گرفت.

ب) با توجه به پاسخ‌های متخصصان در گام اول، با تعدادی از متخصصان و مدیران، مصاحبه عمیق فردی انجام شد تا به پاسخ‌های دقیق‌تر و مشخص‌تر پی برده شود.

ج) برای رسیدن به اطلاعات دقیق‌تر و بررسی انتظارات متقابل به مصاحبه‌های عمیق با مسؤولان سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف پرداخته شد.

د) در نهایت، محقق که خود عضوی از کارکنان شهرداری است و از نزدیک با این گونه سازمان‌ها ارتباط کاری دارد، سعی کرده است از ابتدای کار به مشاهده‌ی جامع از نوع مشارکتی بپردازد و با مقایسه مشاهدات خود با نتایج مصاحبه‌های عمیق و گروهی، واقعیت را همان‌طور که هست، بررسی کند.

بنا بر نظر حریری (۱۳۸۵: ۲۰۶) «در مشاهده‌ی مشارکتی، پژوهشگر از نظر عضویت در گروه مورد مطالعه، می‌تواند یکی از سه نقش زیر را به عهده گیرد: پژوهشگر کاملاً عضو، پژوهشگر عضو فعال و پژوهشگر عضو حاشیه‌ای». در این تحقیق، محقق نقش پژوهشگر عضو فعال را دارد. «این نقش مربوط به پژوهشگرانی است که با فعالیت‌های اصلی محیط تحت مشاهده، سروکار بیشتری می‌یابند. پژوهشگران در این نقش بدون این که خود را کاملاً متعهد به ارزش‌ها و اهداف گروه بدانند، مسؤولیت‌های گروهی را می‌پذیرند. در جریان مشاهدات، پژوهشگران ارتباط نزدیکی با اعضای گروه برقرار می‌کنند و به همین دلیل، مشاهدات معمولاً جنبه آشکار پیدا می‌کند» (همان: ۲۰۶-۲۰۷). همان‌طور که حریری بیان کرده است، محقق براساس سؤالات اصلی پژوهش و با استفاده از مشاهدات گزینشی خود توانسته است «مشاهدات خود را به مسیرهای هدفمند سوق دهد و ویژگی‌ها و روابط میان عناصر مورد مطالعه را مرکز توجه خود» (همان: ۲۱۱) قرار داده است. از طرف دیگر با انجام مشاهدات متمرکز توانسته است جنبه‌هایی را در محیط تشخیص دهد که بیشتر از سایر موارد، توجه آنها را به خود جلب می‌کند. «در این مرحله وجوه عمیق‌تر و باریک‌تری از رفتارها، افراد، زمان‌ها، مکان‌ها، احساسات، ساختارها و یا فرایندها در کانون توجه مشاهده‌گر قرار می‌گیرد و مشاهدات، جنبه متمرکز می‌یابند و ممکن است مسائلی مطرح شوند که تعیین‌کننده مسیر مشاهدات بعدی باشند» (همان: ۲۱۰).

- برای تأمین روایی مصاحبه‌ها، گام‌های زیر انجام شد:
- الف) جلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان تا عقاید و نظرات خود را به طور واقعی بیان نمایند.
- ب) انتخاب زمان و مکان مناسب که مصاحبه‌شونده به دور از هرگونه نگرانی، با حوصله‌ی کامل پاسخ دهد.
- ج) موضوع مورد مطالعه، موضوعی نبوده است که محقق در آن ذی نفع باشد، بنابراین مصاحبه‌شونده دلیلی نمی‌بیند تا حقیقت را نگوید.
- د) از آن‌جا که موضوع مورد مطالعه، دغدغه‌ی محقق بوده است، اعتماد مصاحبه‌شونده را بیشتر جلب می‌کند.
- ه) موضوع مورد مطالعه، مسأله‌ای اجتماعی است که به زندگی خصوصی مصاحبه‌شونده برنمی‌گردد تا حساسیتی ایجاد نماید و مانع صحبت از آن چه واقعاً رخ داده، بشود.
- برای اعتبار مصاحبه‌گروهی، محقق سعی کرده است با استفاده از مصاحبه‌های عمیق فردی و مشاهده، پاسخ‌ها را کنترل نماید.
- پایایی مشاهدات محقق نیز از روش‌های زیر تأمین گردیده است:
- الف) تکرار مواردی از کاهش مشارکت و فراوانی مشکلات و نارضایتی سازمان‌های مردم‌نهاد و عوامل ایجادکننده‌ی آن در طول سال‌های اشتغال و ارتباط با سازمان‌های مردم‌نهاد، تا حدی که تبدیل به دغدغه ذهنی محقق شده است.
- ب) انجام مصاحبه‌های مختلف (در رابطه با صحت مشاهدات خود) با مسؤولانی که محقق، آشنایی چندانی با آنها در مسیر کاری خود نداشته و نیز افرادی با سنین متفاوت و دو جنس مختلف نیز، حاکی از وجود مسأله تحقیق بود، زیرا اگر هریک از مصاحبه‌شوندگان، مشاهده‌گر دیگری تلقی شود، پایایی مشاهدات محقق، تأیید می‌گردد.
- به طور کلی، به منظور قابلیت اطمینان یا قابلیت وابستگی ابتدا مراحل زیر انجام شد:
- الف) مطالعه اکتشافی به مدت چند ماه انجام شد تا به این طریق، سؤالات تحقیق و سؤالات مصاحبه تثبیت شد.

ب) در مصاحبه ها همه سؤالات از همه پرسیده شد و صدای آنان با اجازه خودشان ضبط شد.

ج) در مرحله بعد توسط دونفر از همکاران، مصاحبه ها پیاده و پس از این مرحله از دو کدگذار برای کدگذاری متن های مصاحبه ها استفاده و عمل کدگذاری و ویرایش آن، در چندین مرحله انجام شد.

د) کدها و همه جملات مربوط به آن کدها کنار هم قرار گرفت و بدین ترتیب پوشه های موضوعی تهیه شد که اگر هر شخص دیگری که آنها را مطالعه کند، هم با موضوع به خوبی آشنایی پیدا کند و هم به نتایج یکسان برسد.

در نهایت، تحلیل داده ها با استفاده از رمزگذاری مضمونی که شباهت زیادی به کدگذاری نظری در نظریه مبنایی دارد، انجام می گیرد. «در این شیوه گروه هایی به عنوان نمونه انتخاب می شوند که به نظر می رسد دیدگاه های آنها در مورد موضوع تحت مطالعه، بیشترین اطلاعات را برای تحلیل فراهم خواهد کرد، به همین دلیل، این گروه ها از قبل تعریف می شوند و در هر گروه برای انتخاب موردهای تحت مطالعه، نمونه گیری نظری انجام می گیرد.

یافته های تحقیق

یافته های اولیه

در وهله اول به مشخصات مصاحبه شوندگان پرداخته می شود که در جدول های ۵، ۶ و ۷ به طور فهرست وار آمده است. با تعداد چهار نفر از مسؤولان و مدیران شهرداری مصاحبه عمیق، با هفت متخصص مصاحبه گروهی و با تعداد هفت نفر مسؤول سازمان های مردم نهاد نیز مصاحبه عمیق انجام شد.

جدول ۵) مشخصات اجمالی مصاحبه شوندگان و نمونه های تحقیق

دسته ها	نام	سمت	مدت فعالیت
مدیران و مسئولان شهرداری در مصاحبه عمیق	نفر اول	مدیر اسبق فرهنگسرای سلامت	۲ سال
		کارشناس خانواده سازمان ملی جوانان	۲ سال
		کارشناس دفتر مطالعات فرهنگ معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد	۲ سال
		مدیر اسبق فرهنگسرای خانواده	۳ سال
	نفر دوم	مدیر اسبق فرهنگسرای بهشت	۲ سال
	نفر سوم	مدیر اسبق فرهنگسرای انقلاب	۲ سال
		مدیر مرکز فرهنگی و اجتماعی منطقه الهیه	
	نفر چهارم	کارشناس اسبق حوزه مطالعات فرهنگی سازمان فرهنگی و تفریحی	۱ سال
		کارشناس طرح و برنامه فرهنگسرای غدیر مشهد	

جدول ۶) مشخصات اجمالی مصاحبه شوندگان و نمونه های تحقیق

دسته	نام	سمت	سابقه کار	تحصیلات
صاحب نظران و اندیشمندان در مصاحبه گروهی	نفر اول	منتقد و تحلیلگر حوزه فرهنگی و اجتماعی، مدیر مؤسسه فرهنگسرای آموزشی سروش اندیشه	۶ سال	دکتری فلسفه
	نفر دوم	نویسنده، تحلیلگر و منتقد اجتماع، مدرس دانشگاه	۲ سال	دکتری جامعه شناسی
	نفر سوم	مدرس دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد، نویسنده و فعال حوزه فرهنگی و مذهبی، عضو کمیته مشورتی فرهنگسرای قرآن و عترت	۳ سال	سطح ۳ حوزه
	نفر چهارم	مدیر مؤسسه فرهنگی هنر برتر، مدیر مؤسسه فرهنگی هنر برتر	۷ سال	کارشناس ارشد گرافیک
	نفر پنجم	مشاور فرهنگی رئیس حوزه هنری خراسان رضوی، مدرس فیلم سازی، نویسنده و فعال فرهنگی، عضو کمیته مشورتی فرهنگسرای شهر زیبا و ایمن	۲ سال	کارشناس ارشد هنر
	نفر ششم	مدیر طرح و برنامه شبکه تلویزیونی ولایت (ماهواره ای)، عضو دبیرخانه فرهنگ شهروندی، نویسنده و منتقد حوزه فرهنگی، عضو اسبق کمیته مشورتی فرهنگسرای خانواده	۴ سال	کارشناس ارشد فقه و اصول
	نفر هفتم	مدیر مؤسسه فرهنگی آموزشی سروش اندیشه، مشاور و مدرس حوزه کارآفرینی و خلاقیت، نویسنده و منتقد اجتماعی، وبگاه فرهنگی و اجتماعی میلوژی	۶ سال	کارشناس ارشد کارآفرینی

جدول ۷) مشخصات اجمالی مصاحبه شوندگان و نمونه های تحقیق

دسته	نام	سمت	سابقه	حوزه فعالیت	مجوز دهنده
مسئولان سمن ها	نفر اول	مدیر مؤسسه آستان مهر	۸ سال	خانواده- آموزشی - تربیتی	بهریستی
	نفر دوم	مدیر مرکز سلامت روان فرشته نجات	۱۰ سال	خانواده- آموزشی - تربیتی	بهریستی
	نفر سوم	مدیر مؤسسه حمایتگران توسعه هگمتانه، نماینده سمن های بانوان شرق کشور	۱۱ سال	توانمندسازی اجتماعی بانوان- آموزشی	فرمانداری
	نفر چهارم	مدیر کانون فرهنگی ولیعصر	۶ سال	فرهنگی- ورزشی	سازمان تبلیغات
	نفر پنجم	مدیر اسبقتشکلخانه فردوسی	۱۱ سال	تاریخ و هویت	فرهنگ و ارشاد
	نفر ششم	مدیر تشکل خانه اندیشه	۲ سال	مطالعات اجتماعی	فرمانداری
	نفر هفتم	مدیر کانون خلاقان مهرآفرینان جوان	۶ سال	فرهنگ و هنر	فرمانداری

یافته های ثانویه

براساس روش تحلیل مضمون، نتایج کدگذاری در جداول ۸ و ۹ آمده است. در نهایت ۳۵۰۰ مفهوم، ۳۳ زیرمقوله و ۱۱ مقوله استخراج شد.

جدول ۸) نتایج ترکیبی کدگذاری باز، محوری و گزینشی از سه روش

مقوله	زیرمقوله	مفاهیم
شناخته نشدن جایگاه سمن ها و حمایت کافی از سمن ها	نبود ساز و کارهای مدون مبنی بر مشارکت شهرداری با سمن ها	عدم وجود فرایندهای مناسب برای بهره گیری منظم از ظرفیت تشکل ها، عدم تناسب بین قوانین
	مشکلات سمن ها	کمبود تعداد تشکل های منسجم و متخصص برای اجرای پروژه های مشارکتی، وابستگی زیاد مالی، ساختاری و فکری عقیدتی به سازمان تابع
	جایگزینی تشکل های دیگر به جای سمن ها	وجود تعداد زیاد تشکل های نیمه مستقل و یا تأسیس شده به طور غیرمستقیم، کمبود تعداد تشکل های کاملاً مستقل و مردمی
	نبود سازمان رسمی و واحد برای حمایت و مجوز سمن ها	تعدد سازمان های صادرکننده مجوز فعالیت تشکل ها، عدم وجود سازمان رسمی برای حمایت از تشکل ها
اهداف ناسازگار بین سمن ها و شهرداری	ناسازگاری ارزش ها	عدم وجود تفاهم و اهداف مشترک بین سازمان ها و تشکل ها، نبود اعتقاد راسخ به ضرورت مشارکت با سمن ها
	بی اعتمادی متقابل بین سمن ها و شهرداری	عدم اعتماد تشکل ها به سازمان های دولتی، نتایج رعایت نکردن اصول حرفه ای برون سپاری از سوی سازمان ها

نوع مدیریت	مدیریت متمرکز مدیریت نظام یافته مدیریت جزیره ای	استفاده از ظرفیت های سمن ها در حوزه های خاص، استفاده از سطح بالای مشارکت، استفاده از عقاید سمن ها در تصمیم گیری و برنامه سازی، تصمیم گیری در سطوح پایین تر، تصمیم گیری در سطوح بالاتر، دشواری مدیریت غیرمتمرکز در شهرداری به علت گستردگی آن، مشارکت سازمان یافته و یکپارچه
مشخص نبودن جایگاه و تعریف دقیق مشارکت با سمن ها	ضرورت مشارکت سمن ها با شهرداری	مفیدتر بودن مشارکت های مردمی با رفع موانع موجود و نارضایتی ها، الزامی بودن مشارکت های مردم نهاد با شهرداری برای مدیریت بهتر
	ناآگاهی متقابل از شرایط طرفین مشارکت	برگزاری کارگاه ها برای آشنایی تشکل ها با مواد موجود در قراردادها، بی اطلاعی بیشتر تشکل ها از سیاست های موجود در قراردادها، ناآگاهی از ظرفیت های همکاری تشکل ها از قوانین، اطلاع رسانی به تشکل ها در مورد قوانین و نوع مشارکت
	در نظر گرفتن و یکسان سازی منافع طرفین	آگاهی متقابل از وظایف و حقوق خود، پیشنهاد مشارکت دوطرفه، در نظر گرفتن سود و منفعت طرفین
	فراخوان عقاید و طرح ها از طرف شهرداری برای سمن ها	استفاده از فراخوان مشارکت به تشکل ها و افراد، واکاوی عقاید و طرح های نو، استفاده از تجارب کاربری سازمان های مردم نهاد
	چگونگی مشارکت	مشارکت فعال در حوزه های اجرایی، همکاری تشکل ها با شهرداری در زمینه تخصصی و توانمندی خود، مشارکت شهرداری با هر تشکل متناسب با نوع تخصص هر تشکل، مشارکت شهرداری با تشکل ها به صورت برون سپاری نه به صورت دوسویه، رشد مشارکت متقابل با معرفی الگوهای موفق و ناموفق در تعامل با مردم، مشارکت همگانی، گرفتن آزادی عمل از تشکل ها، اعتماد متقابل و دادن آزادی عمل
نارضایتی دوطرفه	تجارب ناخوشایند پیشین دوطرفه	بی اعتمادی دو طرف به یکدیگر، نتایج و تجارب نامطلوب طرفین از یکدیگر
	نارضایتی متقابل بین شهرداری و سمن ها	نارضایتی شهرداری از تشکل ها به خاطر نقص در اجرای برنامه ها و گزارشات، نارضایتی تشکل ها از شهرداری به خاطر میزان و نحوه پرداخت های مالی
عدم حمایت عملی و اجرایی از شهرداری از تمام جنبه های اداری و قانونی	اطلاع رسانی و تبلیغات برای سمن ها	شفاف سازی فعالیت های تشکل ها و نشان دادن آن به مردم، کاهش میزان خطا و اجرای خوب برنامه ها با اطلاع رسانی فعالیت های سمن ها، شناسایی نقاط قوت و ضعف تشکل ها و بررسی آنها
	دستورالعمل ها و کاغذبازی های طولانی و طاقت فرسای اداری	عدم وجود سند بالادستی ابلاغ شده برای مشارکت، فرایند طولانی کاغذبازی اداری، جهت گیری گزینشی

جدول ۹) نتایج ترکیبی کدگذاری باز، محوری و گزینشی در سه روش

مقاله	زیرمقاله	مفاهیم
نداشتن متولی فرهنگی برای برنامه های فرهنگی	عدم مسئولیت پذیری سازمان های فرهنگی دیگر	زیاد بودن کارهای فرهنگی شهرداری به نسبت سازمان های دیگر، انجام بیشتر کارهای فرهنگی توسط شهرداری
	عدم همکاری نهادهای دیگر با سمن ها	عدم حمایت سمن ها توسط نهادهای دیگر (وزارت فرهنگ و ارشاد)، مقصر بودن تمام نهادهای فرهنگی در اجرای فعالیت های فرهنگی
نوع نگرش مدیران شهرداری به سمن ها و مشارکت با آنها	وجود دیدگاه های مدیران سیاسی در شهرداری	عدم حمایت از موسیقی توسط مذهبیان در مشهد علی رغم علاقه مردم، ایجاد مشکلات توسط شهرداری، عدم جذب بی حجابان در فرهنگسرای حجاب، جذب افراد مورد دلخواه شهرداری در فرهنگسراها، نشان دادن جامعه بهتر از واقعیت، سانسور شدن بعضی تشکل ها، عدم تمایل شهرداری به نوشتن توافق نامه با سمن ها، نبود توافق نامه بین سمن ها و شهرداری به علت دیدگاه های سیاسی، تغییر طرح ها و برنامه ها توسط شهرداری به دلیل مخالف بودن با سیاست ها، تغییر دیدگاه ها در تزریق نظرات به سمن ها و اجرای آنها
	اعتقاد به قدرت سمن ها	اعتقاد به قدرت آفرینی سمن ها
		ترس از تأثیرگذاری سمن ها و به قدرت رسیدن مردم
	نیاز شهرداری به سمن ها برای اجرای برنامه ها	انجام درصد پایینی از برنامه های فرهنگی - تفریحی توسط خود شهرداری، نیاز شهرداری به سمن ها برای اجرای برنامه ها
	تعریف مشارکت	نبود برداشت دقیق از مشارکت در شهرداری
ناسازگاری اهداف در سمن ها و با یکدیگر	اختلاف سمن ها با هم از نظر دیدگاه	عدم اتحاد سمن ها با یکدیگر به خاطر اختلاف دیدگاه و عقاید، وجود دسته بندی های سیاسی، فکری و عقیدتی در تشکل ها، پایداری تشکل های تربیت محور
	برای پول کار انجام دادن توسط سمن ها	بالا رفتن انتظارات از شهرداری، انجام کار به خاطر پول، درخواست گرفتن پول از شهرداری در قبال انجام کار برای آن
نوع و ابعاد مشارکت شهرداری با سازمان های مردم نهاد	ابعاد مشارکت	حمایت مالی تشکل ها توسط سازمان های دولتی، عدم حمایت فکری از تشکل ها توسط شهرداری، ایجاد تشکل های یک یا دونفره برای انجام طرح های شهرداری، از جمله انتظارات سمن ها از شهرداری: دفاع از طرح ها و عقایدشان، درخواست شهرداری از سمن برای اجرای برنامه هایش، ارتباط شهرداری با تشکل های قوی، عدم درخواست شهرداری از سمن ها برای سیاست گذاری و برنامه نویسی
	وجود خط قرمز در شهرداری از بالا	بیشتر بودن خط قرمزهای شهرداری به نسبت سازمان اطلاعات، وجود خط قرمزی در شهرداری، مشخص شدن برنامه های شهرداری از بالادست
	تمرکز	احساس اطمینان در مدیران به خاطر تجمیع قدرت، واقف بودن مدیران به مشکلات، عدم شایسته سالاری

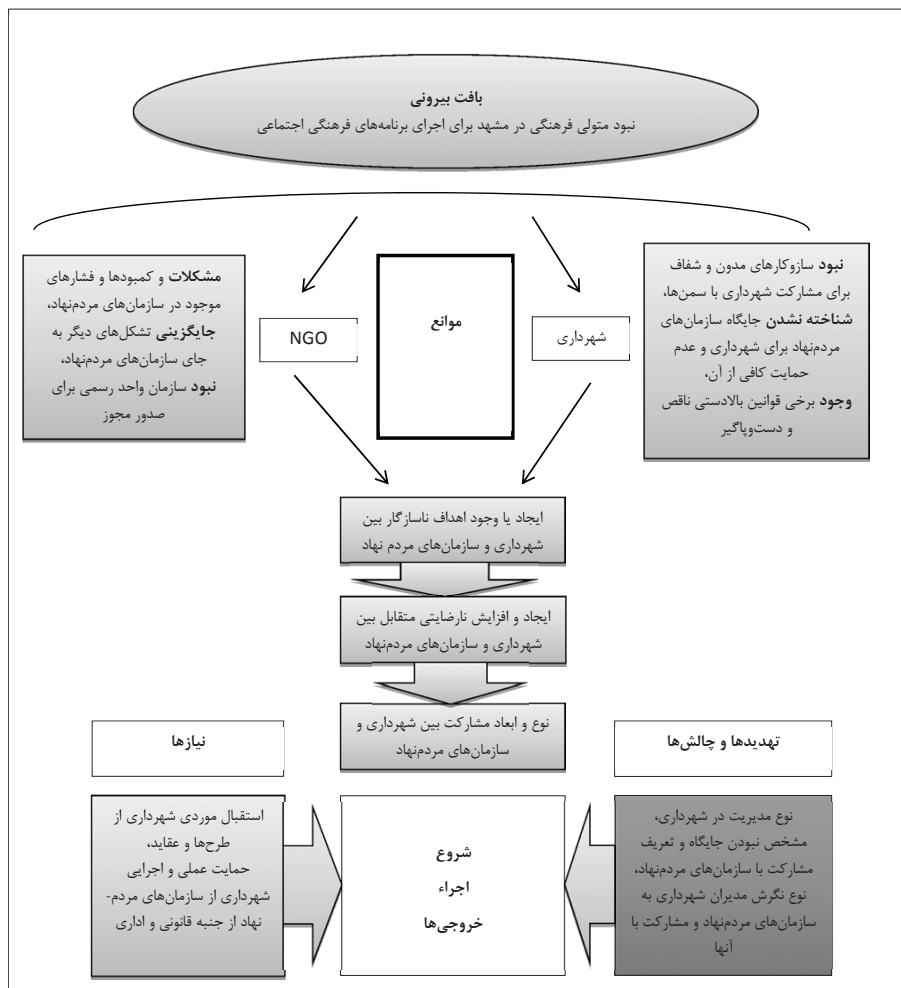
ناسازگاری اهداف بین سازمان های مردم نهاد و شهرداری	عدم حمایت سمن ها از طرق سازمان های دولتی	عدم استقبال سازمان ها از حمایت شهرداری به خاطر حراست، وجود کاغذبازی اداری، جداسدن افراد از سمن ها به خاطر عدم حمایت شهرداری، وجود رابطه یک طرفه بین شهرداری و سمن ها، اهمیت ندادن به سمن ها در کشور، نبود آمار دقیق از سمن هادر مشهد، عدم اعتماد بین شهرداری و تشکل ها، عدم ارتباط فرهنگ برای شهر زیبا با تشکل های محیط زیستی، مشخص شدن برنامه های شهرداری از بالادست، بها ندادن شهرداری به تشکل های محیط زیستی، بها ندادن به تشکل هایی با اندیشه های فلسفی در شهرداری
	نداشتن پشتوانه مالی برای اعضای سمن ها	ساعتی کارکردن اعضای سمن، نداشتن حقوق ماهانه افراد شاغل در سمن ها، عدم تمکن مالی افراد در سمن ها، چراغ خاموش عمل کردن سازمان های مردم نهاد به خاطر سرمایه های اندک
	تفاوت بین کمیت و کیفیت بین سمن ها با شهرداری	مهم بودن ظاهر و کمیت کارها برای مدیران شهرداری و عدم توجه به کیفیت، وجود ساده بدون چشمداشت مالی در سمنها، وجود اختلاف بین کمی کارکردن شهرداری و کیفی کارکردن تشکل ها، اهمیت داشتن تعداد مخاطبان و فراگیر بودن آن برای شهرداری، مهم نبودن تعداد شرکت کنندگان در کلاس ها برای تشکل ها، عمیق تربودن اثرگذاری سمن ها نسبت به سازمان های دولتی
	ناآشنایی مسئولین از حیطه کاری خود	عدم احاطه مدیران به موضوعات فرهنگی - تفریحی، ناآگاهی مدیران شهرداری از حیطه کاری خود

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق بیانگر موارد متعددی است که هریک به گونه ای بر مشارکت مؤثر است. یکی از این عوامل نوع نگاه و تعریف مدیران از مشارکت است. همان گونه که در تحقیقات پیشین مشاهده شد، توسعه پایدار در هر کشوری مستلزم مشارکت و اعتماد میان سازمان های دولتی و غیردولتی است. «مشاهدات در ایران نشان می دهد، در سال های اخیر این رابطه تا حدی پیشرفت کرده است و می تواند به وضعیت بهتری تبدیل گردد، به طوری که در سیاست گذاری دولت سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد. آن چه این وضعیت را تغییر می دهد، نوع نگاه و رابطه بین این نوع سازمان هاست. این امر در کشورهای مختلف به اشکال مختلف است. در زمینه رابطه سازمان های غیردولتی با دولت، با یک دیدگاه لیبرالیستی، سه گزینه یا شیوه تعامل تکمیل، اصلاح و یا مخالفت را ارائه کرده است» (Clark, 1991 به نقل از علائی، ۱۳۹۳: ۸۷). واکاوی و دقت در نتایج تحقیق و انتظارات مسؤولان سمن ها حاکی از این است که این رابطه، نیاز به اصلاح و تکمیل دارد، زیرا این سازمان ها برای درک میزان توانایی های بالقوه خود، نیازمند برقراری رابطه سالم میان خود و دولت هستند و طبق نظریه لکورد و میانگا

(Lekorwe & Mpabanga, 2007: 5) «این رابطه سالم تنها در صورتی که هر دو طرف اهداف مشترکی داشته باشند، امکان پذیر است». براساس نتایج تحقیق، یکی دیگر از عوامل مؤثر بر پیشرفت سمن ها، رابطه خود سمن ها با یکدیگر است. در ایران متأسفانه همکاری لازم بین سمن ها با هم برقرار نیست. فاولر (Fowler, 1997) در این زمینه معتقد است: «اگر این افتراق به پایان برسد، سازمان های غیردولتی به نسبت سطح همکاری خود، علاوه بر مشارکت در تبادل اطلاعات و اسناد می توانند از دستاوردهای قابل توجهی از جمله عملکرد بهتر، افزایش تأثیر بر جامعه و سیاست گذاران، بسیج منابع بیشتر، رسمیت یافتن و هم چنین مشروعیت بیشتر برخوردار شوند. سازمان های مردم نهاد داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی، عام المنفعه و خیرخواهانه اند و ویژگی مهم آنها غیرسیاسی بودن شان است. اما متأسفانه نوع نگاه و جهت گیری سیاسی در ادارات دولتی از جمله شهرداری مشارکت آن را با این گونه سازمان ها مشکل ساز کرده است، زیرا نوعی ناسازگاری در اهداف ایجاد کرده است. از طرف دیگر، روشن نبودن دستورالعمل هاست و همان طور که محقق در مشاهدات خود اشاره نموده است، نوع ارتباط را دچار اختلال کرده است. با این که ۲۶ ماده از مواد قانون و مقررات برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تقویت، همکاری و جلب مشارکت سازمان های مردم نهاد اختصاص پیدا کرده است، در آیین نامه ها و قوانین کشور، اهمیت خاصی به توانمندسازی سمن ها و لزوم بهره گیری از نقش مؤثر و قابلیت های آنها مبذول نشده است.

با توجه به حجم زیاد مطالب، محقق نتایج به دست آمده را براساس الگوی نظری بودن در تحلیل مسائل اجتماعی در سه قسمت شروع، اجراء و خروجی به صورت الگویی مفهومی ارائه داده است که در نمودار ۱ نمایش داده شده است.



نمودار ۱) مدل احتمالی فرایند علی مشارکت بین شهرداری و سازمان های مردم نهاد

منابع

- اصغریپور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۶). *راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان*. به سفارش مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد. مشهد: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
- پورموسوی، موسی (۱۳۹۰). *مشارکت شهروندان و برنامه‌های اوقات فراغت، مطالعات شهری: مدیریت شهری و شهر تهران*، ۳. به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. تهران: جامعه و فرهنگ.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دانش، علی اکبر؛ عزیزاللهی، داوود (۱۳۸۷). *نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت اجتماعی جوانان*. به سفارش سازمان ملی جوانان. تهران: سازمان ملی جوانان.
- صدقی، جواد؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر". *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ش ۵۹ (بهار و زمستان): ۴۷-۷۰.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۹۰). "جایگاه شهروندی در مدیریت شهرداری". در: *مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله نهاد اجتماعی*، اداره کل معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران. تهران: تیس: ۸۹-۱۲۳.
- علائی، سوسن (۱۳۹۳). "بررسی وضعیت مدیریت و ساماندهی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) فرهنگی ایران". *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، سال پنجم، ش ۱۷ (تابستان): ۸۳-۱۰۲.
- غفاری، غلامرضا؛ جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۹۰). *مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی)*. به سفارش اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی، مطالعات شهری (مدیریت شهری و شهر تهران)، ۱. تهران: جامعه و فرهنگ.
- کمیلی، حسن؛ حسن‌زاده، هادی (۱۳۹۳). *طراحی مدل مطلوب تعامل حوزه*

فرهنگی و اجتماعی شهرداری با تشکل ها. به سفارش معاونت فرهنگی - اجتماعی شهرداری مشهد [چاپ نشده].

- وحیدیان، امیر (۱۳۹۲). سازمان های مردم نهاد، رکن سوم توسعه پایدار. به سفارش دفتر مطالعات سیاسی. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- Ahmadi. Mehri & et al. (2013). "Toward Community- Based Waste Management: Tehran as a Case Example". *World Applied Sciences Journal*, Vol. 27, No. 8: 970 - 976.
- Brannen, Julia (2005). "Mixed Methods Research: A discussion paper". ESRC National Centre for Research Methods, .pp 1-30.
- Fowler, Alan (1997) . *Striking a Balance*. London: Earth scan Publications.
- Dunmade, Israel (2014). "Sustainability Issues in Rural-Urban Partnerships: A Study on Regional and Inter-municipal Collaborations between some Southern Alberta Municipalities". *Environment and Ecology Research*, Vol. 2, No.1: 1-7.
- Forsyth, Tim (2005). "Enhancing climate technology transfer through greater public-private cooperation: lessons from Thailand and the Philippines". *Natural resource forum*, vol. 29, No. 2: 165-176.
- Graafland - Boersma, Renske (2015). "*The success of sister - city partnerships between Dutch municipalities and a municipality in a CEEC, formalized between 1989 - 2000*". Master thesis Public track Public Management Administration.

-
- Lekorwe, M.; Mpabanga, D. (2007). “Managing Non - Governmental Organizations in Botswana”. *The Public Sector Innovation Journal*, vol. 12, No. 3: 1-18.
 - Naomi Brass, Jennifer (2010). “*Surrogates for Government? NGOs and the State in Kenya*”. Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy, Political Science, Graduate Division, University of California, Berkeley.

Measurement of social capital in the Neighborhoods of Mashhad City (Case study of Neighborhoods of Region 3)

Mohsen, Ansari Arjmand ¹

SeydMostafa. Husseyini ²

Golshan, Kavyanpoor ³

Abstract

Social capital is one of relevant concepts in the field of social and municipal studies that, in recent decades, is discussed as one of the most important indicators of social growth and development. Today, social capital components such as participation, knowledge, integrity, trust and social network, not only entail development in a society but also their existence itself is exact development. Nowadays, it is taken for granted that attaining development, civil society, universal criteria and a suitable place for social living is not possible without social capital. Therefore, in modern society, getting development without social capital will be unachievable because without it, the use of other capitals will not be optimal. This Study is applied and adopts a descriptive-analytic method. Required data is obtained through a questionnaire. Statistical population contains residents of the region 3 in Mashhad city. To Examine Social Capital in supposed Neighborhoods of the City, 16 Parameters of the Model were used and then the TOPSIS Weighted Shannon Entropy as a Multi-Criteria Decision-Making method. The Results of the Study Show that from among studied neighborhoods, respectively, four neighborhoods (4,8,9,1) with Coefficient of 0.61 have the Highest level of enjoyment and the best Situation. Then six

1. MA in Geography and Urban Planning of the University of Yazd. The Responsible Writer. mohsen-tandise@ymail.com

2. PHD Student in Geography and Urban Planning of Ferdowssi University of Mshhad. s.mhosseini65@yahoo.com

3. MA in Geography and Urban Planning of the University of Yazd. kaviyan1370@gmail.com

neighborhoods (7 ,3 ,13 ,5 ,2 and 10), with Coefficient of 0.43, comprise semi- enjoyed level, and finally five neighborhoods (15 ,11 ,12 ,6 and 14) with Coefficient of 0.24, constitute the Lowest level of enjoyment according to studied criteria.

Keywords: social capital, Sustainable Development, Urban Development, Neighborhoods, Mashhad.

A Study on Marriage Criteria by Grand theory strategy

Nader, SanatiSharghi ¹

Maliheh, Rostamzadeh ²

Abstract

Theoretical literature and experimental findings reveal a vast spectrum of different criteria in mate-selection. This study tries to achieve a better understanding of mate-selection criteria by adopting a qualitative method, using Grand theory strategy and getting data from actual situation of agents. The data has been gathered by purposeful sampling and semi-structured narrative interview with Mashhad city's youth (girls and boys). Analyzing the data, 13 categories, which showed people's priorities in mate-selection, were extracted. These categories consist of countenance, physical conditions, character, personality and psychic trait, symmetry of social and cultural values, having former cognition, emotional and affective relations, having safety, having independence, having commitment, faith congruency, mutual respect and understanding, and finally bi-polar dissimilarities (class, education, sex, being religious and reasonable) were selected as core categories. According to these core categories, two different paradigmatic models were delineated for girls and boys. These two models show that girls and boys' choices in each model is a mix of diverse theories such as equal partnership theory, intellectual selection theory, interpersonal relationship theory and filter theory.

Keywords: Mate Selection Criteria, Filter Theory, Equal Partnership Theory, Grand Theory Strategy.

1. Assistant Professor in Political Sociology of Ferdows Payame Noor University, sanatinader@yahoo.com.

2. MA in Sociology of Mashhad Payame Noor University. Responsible Writer. maliherostamzade@yahoo.com.

A comparative study of Miniature Antelope in Petroglyphs of East and West of Iran (Case study: Sarbishe and Uraman)

Hamid Reza, Ghorbani ¹

Sara, Sadeghi ²

Abstract

Antelope image have had a crucial role in Iranian art since years ago, and its miniatures have been observed a lot in cave paintings, stone carvings, potteries and metal utensils from pre-historic periods. This image, on some antiquities, conveys values and signs which have been shown within these works based on the opinions and beliefs of ancient human. One of these works is petroglyphs. This study investigates the miniature antelope in the petroglyphs (rock paintings) of the East (Kurangun of Sarbishe) and West latitude of Iran (rock paintings of Uraman) comparatively. Research method is descriptive-analytic and comparative. The data gathering comprises library resources and field study and comes to investigating antelope's image semiotics. The comparative study of paintings in terms of technique and technology, the following results were obtained: methodologically our selected areas are petroglyph (carving), respectively. Paintings were divided into four groups, according to the type of topics, such as antelope images in grazing, antelope image alongside human images in hunting ground, antelope image alongside symbolic images and antelopes images alongside animals and indistinct images. The results show that this image, over centuries, had been a symbol of vitality, fertility and the guardian of the tree of life in both cultural areas. Finally the engraved miniature antelope contains two religious and non-religious reasons, in both areas, which have a direct relationship to life, living, climate, customs and past beliefs and they establish strong links between rocky paintings and immigrants' paths.

Keywords: Miniature antelope, Petroglyphs, Sarbishe, Uraman.

1. Assistant Professor in Archaeology of University of Birjand. Responsible writer. ghorbani.hr@birjand.ac.ir

2. MA in Archaeology of University of Birjand. sasadeghi809@gmail.com.

The Art of Khorasan in the Era of Sultan Hussein Bayqara(875-911 BC) (Based on music and painting)

Mostafa, LaleShateri ¹

Abstract

According to surviving texts and paintings of the Timurid era, heyday of the Music and painting arts had been in this period, especially in Khorasan and the court of Sultan Hussein Bayqara (875-911Q) and in the Ministerial period of Amir AlishirNavaee. On the one hand, Sultan Hussein's enthusiasm and his extensive supporting the two fields artists, turned the court into a thriving place for performance of musicians and painters, and on the other hand, it provided the possibility for progressing and promoting the fine style of this period. Hence, the evolution of music and painting in Khorasan in the era of Sultan Hussein Bayqara caused artists from other cities went to Herat to learn the arts and complete their teachings. This study, adopting a descriptive-analytic method and citing historical texts and remaining paintings, aims to investigate the status of Music and painting with special emphasis on two prominent figures of the period in Khorasan, "Abdar-Rahman Jami" and «Kamal al-Din Behzad» and studies the amount and quality of the impact of their activities on the prosperity of these two original Iranian arts. The findings suggest that the growth of these two arts has had a bi-directional function during which artists had material support and consequently, their creation of outstanding works brought specific socio-cultural face for Khorasan in the period of Sultan Hussein that was one of the policies of the Timurid rulers.

Keywords: Sultan Hussein Bayqara, Khorasan, Jami, Behzad, music, painting

1. MA in History of Ferdowssi University of Mashhad. mostafa.shateri@yahoo.com

Ranking the Towns of Razavi Khorasan Province in Terms of Development Indicators, Using Factor Analysis Method

Abolfazl, Meshkini ¹

,Mohaddeseh, Moazezbarabadi ²

Abstract

As a socio-economic category, growth and development was introduced first by economists, and then spread to other sciences. The main objective of development is to reduce regional disparities and speed up economic growth. Grading and ranking, using the scientific methods, leads to the recognition of regional inequalities. Identifying and studying the capabilities and facilities of areas and ranking them, is the first step in the planning and development of areas. This research, in terms of Practical objective and dominated approach, is descriptive-analytic. Statistical population contains all the towns of Razavi Khorasan province. In order to determine the level of development of the towns 24 variables were determined. According to examined criteria, the required data has been obtained from the general census of 1390 of Razavi Khorasan province. The obtained data has been analyzed by statistical techniques of factor analysis in SPSS and ARCMAP. The aim of this study is to determine the level of development of the towns of Razavi Khorasan province and to rank them according to the rate of enjoying different development indicators, using factor analysis. The results show that Mashhad city stands in the first place with a score of 5.55, and Gonabad, Dargaz and Nishapur towns, respectively, are ranked second, third and fourth. Finally, Zaveh, with a score of - 4.78 and ranked as twenty-seventh, is recognized as the poorest town.

Keywords: Razavi Khorasan, factor analysis, development indicators.

1. Assistant Professor in Geography and Urban Planning of Tarbiat Modarres university of Tehran. Abolfazl.meshkini@gmail.com.

2. MA in Geography and urban Planning of Tarbiat Modarres university of Tehran. Mohadesemoazez@yahoo.com

**Qualitative Analysis of Participation by Triangulation (Case of Study:
Mashhad City Municipality' sparticipation with NGOs)**

Mojtaba, Mollayi ¹

Maryam, Eskafi ²

Abstract

The aim of this study is to identify underlying factors in active participation of NGOs. Based on this aim, researchers have studied the status of participation between NGOs and municipality in the field of cultural and social programs. Studies show that there are a lot of obstacles to participation between municipality and such organizations, the study of which is very important. The present study is a qualitative research. The population of study is the NGOs which have cooperated with municipality at least once. The results of this study indicate numerous cases that affect participation in a way. The researchers have designed two models from obtained categories. One of the models is based on social problems analysis in Budon theory, and the second one is based on foundational theory which consists of 6 variables (background condition, causal condition, intermediate condition, phenomenon, contrasting procedures and consequences). The final result is that providing the type of interaction between municipality and NGOs is of maximum mutual participation, the both parties will have full satisfaction. But as results show, unfortunately the type of participation between these two organizations at the present time is kind of motto participation which is very strong in appearance and language, but in action participation principles are not observed because of multiple reasons which are mentioned in this research.

Keywords: NGOs, Municipality, participation, Qualitative Analysis, Triangulation

1. MA Student of Payame Noor University of Mashhad.

2. Assistant Professor in sociology of Azaad University of Gonabad, Responsible Writer.meskafi629@gmail.com

Table of Content

Measurement of social capital in the Neighborhoods of Mashhad City (Case study of Neighborhoods of Region 3)

Ansari Arjmand, Mohsen/ Hosseini, SeydMostafa/ Kavyanpoor, Golshan 7

A Study on Marriage Criteria Using Theoretical Growth Method

SanatiSharafi, Nader/ Rostamzadeh, Maliheh 31

A comparative study of Miniature Antelope in Petroglyphs of East and West ofIran (Case study: Sarbishe and Uraman)

Ghorbani, Hamid Reza/ Sadeghi, Sara 57

The Art of Khorasan in the Era of Sultan Hussein Bayqara (911-875 BC) (Based on music and painting)

LaleShateri, Mostafa 85

Ranking the Towns of RazaviKhorasan Province in Terms of Develop- ment Indicators, Using Factor Analysis Method

Meshkini, Abolfazl/ Moazezbarabadi, Mohaddeseh 119

Qualitative Analysis of Participation by Triangulation (Case of Study: Mashhad City Municipality's participation with NGOs)

Mollayi, Mojtaba/ Eskafi, Maryam 143



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Asghari, BibiAghdass, PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad
2. Eskafi, Maryam , PhD, Assistant Professor of Islamic Azad University of Gonabad
3. Esmaeilnezhad, Morteza, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
4. Bidokhti, Mohammad Ali, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
5. Shokuhifard, Hossein, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
6. AlizadehBirjandi, Zahra, PhD, Associate Professor of The University of Birjand
7. FallSoleyman, Mahmood, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand
8. Mekaniki, Javad, PhD, Associate Professor of The University of Birjand
9. Najmi, SeydShamsoddin, PhD, Associate Professor of ShahidBahonar University of Kerman
10. HashemiZarjabad, Hasan, PhD, Assistant Professor of The University of Birjand

In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 39

ISBN 1735-8256

Vol. 10 Issue. 3. Spring 2016

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Bahari, Abbasali

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Habib Allah Abbasi/ Professor, Kharazmi University, Tehran
2. Habib Ahmadi/ Professor, Shiraz University
3. Mohammad Bagher Akhouni/ Assistant Professor, University of Birjand
4. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
6. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
7. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
8. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
9. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
10. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
11. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
12. Mofid Shateri/ Assistant Professor, University of Birjand

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah.

Translator and English Editor: Mohammadi, Hamide

Cover designer: Dastgerdi, Faezeh

Technical affairs and press: fekreBekr puplications.

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,
Research Society Office **Tel:** 056 32323393 **Fax:** 056 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ
ریال طی فیش شماره به حساب ۰۳۴۸۷۶۴۳۰۷۰۰۱
بانک ملی - شعبه غدیر - توحید به نام‌های سید حسین کاظمی و سید سعید طالبی مقدم
بابت اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره
تا واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می‌باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

پست الکترونیکی: Daftarehnashriyeh@yahoo.com